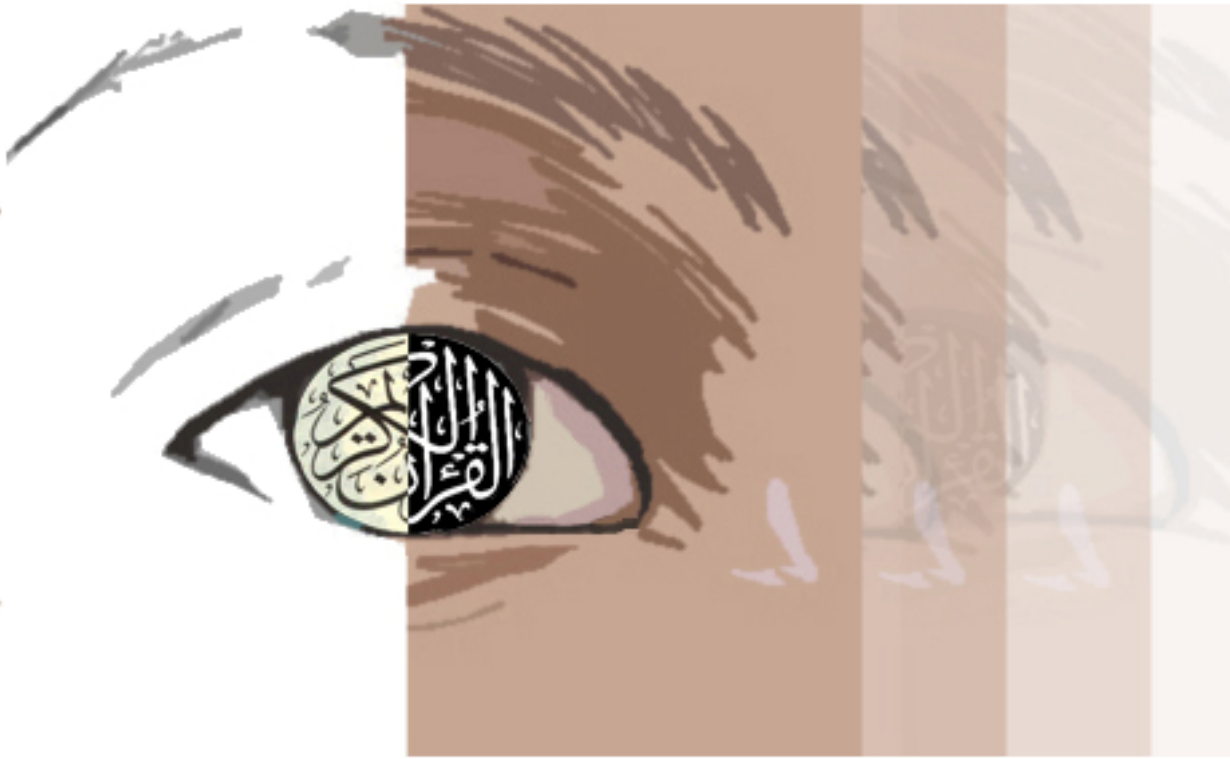


اکو خوانی

رفقار معارن ظهور



در
قران کریم



«الگو خوانی رفتار معارف ظهور در قرآن کریم»

جلد اول

فهرست

۳ مقدمه
۶ فصل ۱- خداوند و پیامبران الهی
۷ (۱) اساس ادیان الهی یکی است
۲۴ (۲) استمرار ظهورات الهیه و تجدید ادیان در طول تاریخ
۳۶ (۳) وعده خداوند به نصرت پیامبر الهی و مؤمنین
۴۲ (۴) خداوند بر همه چیز قادر است
۵۱ (۵) مردم در زمان ظهور کلیه پیامبران الهی مورد امتحان قرار میگیرند
۶۸ (۶) کلام خدا در هر زمان فصل الخطاب اختلافات مؤمنین ادیان سلف است
۷۲ (۷) انذار الهی
۸۸ (۸) پیامبران و عمر محدود
۹۰ (۹) پیامبران و معجزات
۱۰۰ (۱۰) قیامت چیست؟ چه زمان واقع میشود؟ شواهد آن چیست؟
۱۰۹ (۱۱) قیامت و مردم
۱۱۱ (۱۲) فصل الخطاب در روز قیامت
۱۱۵ فصل ۲- کلام الهی
۱۱۶ (۱) اهمیت کلام الهی



- ۱۳۰.....(۲) خصائص کلام الہی
- ۱۵۷.....(۳) خصیصہ کلام الہی قرآن
- ۱۶۶.....(۴) اہمیت عمل بر طبق کلام الہی
- ۱۷۴.....(۵) نتیجہ تمسک بہ کلام الہی
- ۱۸۵.....(۶) چہ کسانی با کلام الہی مخالفت می کنند؟
- ۲۱۱.....(۷) کلام الہی بر چہ کسانی تاثیر نخواهد گذاشت؟ عکس العمل آنان چیست؟
- ۲۲۸.....(۸) نحوه مواجهہ کفار با کلام الہی و رسول حق
- ۲۵۷.....(۹) تاثیر کلام الہی بر مؤمنان
- ۲۷۳.....(۱۰) تاثیر پیامبران الہی و کلام حق بر کافران
- ۳۰۳.....(۱۱) نتیجہ اعراض از پیامبران و کلام الہی
- ۳۲۱.....(۱۲) انذار بہ مؤمنین و دشمنان در کلام الہی
- ۳۳۰.....(۱۳) نقش خرد و عقل در مواجهہ یا ایمان بہ آیات الہی
- ۳۳۴.....(۱۴) پیروان ادیان با نظم الہی و کلام حق در طول زمان چہ می کنند؟

”به نام آنکه بیم از اوست و امید از او“

مقدمه:

این مجموعه ، نکته خوانی آیات مبارکه کلام الله مجید است به جهت آشکار شدن الگوی رفتاری مؤمنان و منکران ، مقارن ظهور تمامی پیامبران الهی در بستر تاریخ . این الگو خوانی، ضرورت تلاش هر فرد انسانی در هر برهه از تاریخ را برای مطالعه و درک کلام الهی و عمل مطابق اصول مندرج در آن نشان میدهد . کلام الله در قران مجید ، با جملات ساده، صریح، روشن و دقیق ، بارها فرایند ایمان و انکار را می نمایاند و سنت الهی در ایمان و انکار را تغییر ناپذیر می شمرد . و دقیقا به همین سبب است که بدون استثناء ، هر فرد انسانی باید در زمان زندگانی خود تصمیم بگیرد که میخواهد در زمره کدام گروه از مردمی شمرده شود که با کلام الهی مواجه می شوند ؟ آیا به عهد و پیمانی که با پروردگار خود بسته وفادار می ماند؛ و در مسیر مستقیم هدایت الهی به رشد و تکامل خود ادامه داده عبد صالح الهی خواهد ماند؛ و یا راه تکذیب و انکار و کفر را بر می گزیند و بقیه ایام حیات خویش را در ضلالت بی سرانجام طی می کند ؟

یافتن ملاک های متقن و روشن، خطاب به بندگان الهی از خلال آیات قران کریم ، به ما یاری می رساند تا در فرایند ایمان و انکار، با خصوصیات ، روش ، نحوه سلوک ، دلایل مخالفت و موافقت و نتایج ایمان و انکار در مسیر تاریخی آن آشنا شده ، با انتخاب مسئولانه و شجاعانه ، برهان حق را گواه راستی ایمان، و کلام الهی را هدایت و بشارت برای خود بدانیم . در مواجهه با خطرات و لغزش ها و امتحانات، با لبیک به عهد و پیمان الهی به عروة الوثقی ایمان و ایقان چنگ زنیم ؛ از برزخ بگذریم ؛ و در بهشت جاودان جاوید مانیم .

الگو جوئی از کلام الهی، مرکز و منبع حقیقی اطمینان، اراده و انگیزه لازم ، برای حرکت در سبیل مستقیم الهی است ؛ که به یقین راه حق همانست و نباید در آن شک و شبهه ای کرد . به همین سبب کافی است بارها و بار ها آیات مبارکه را بخوانیم و به مدد مفاهیم روشنی که برای ما عیان میشود به عهد خود وفا کنیم .

حیات بشری، بی وقفه و بی امان ادامه دارد و میلیونها نفر از نفوس انسانی ، یک به یک در حیات دنیوی خود در مسیر گذر از امتحانات الهی قرار می گیرند ؛ و لاجرم هر یک باید به تنهایی از مسیر باریک



و خطرناک برزخ بگذرد و خود، تصمیم گرفته و مسئولیت آنرا به عهده گیرد ؛ که بهشت را برمی گزیند و یا اهل دوزخ است ؟ فرایند ایمان و انکار، تغییر ناپذیر است و هدایت الهی برای رشد و تکامل روحانی بشر ، پایان ناپذیر .

خداوند، کلام الهی را بر فهم بشر آسان نموده است تا هر یک از ما با هر میزان علم و سواد و تحصیلات ظاهری، به مدد کلام الهی ، به تنهایی در مسیری گام بگذاریم که مطابق خواست و اراده الهی است . باید آگاهانه و بااطمینان از هدایت الهی ، آیات مبارکه قران را تلاوت نماییم و با تفکر و تعمق در آن ، الگوی همیشگی ایمان و انکار را ، بیابیم و آنگاه تصمیم بگیریم و انتخاب کنیم تا خواسته و ناخواسته در زمره منکران و تکذیب کنندگانی که مکرر در قران کریم از آنان نام برده میشود ، به شمار نیائیم .

" المق من ربك و لا تكهن من الممتريين "

لطفا قبل از مطالعه ، به نکات ذیل توجه فرمائید:

- ۱ - در تمامی موارد از ترجمه آیات قران کریم توسط مرحوم " الهی قمشه ای " استفاده شده است.
- ۲ - مبنای الگو خوانی و الگونویسی در این تحقیق ، معنای مستقیم و اولیه ی کلام الله مجید بوده و تا حد امکان ، از تفسیر و تبیین خودداری شده است . به همین دلیل، پیشنهاد میشود در زمان خواندن ترجمه آیات مبارکه ، به کلام الهی و معنای مستقیم آن ناظر باشیم . بدیهی است که غور و غوص هرچه بیشتر در آیات الهی ، می تواند به کسب دیدگاهی عمیق تر، وسیع تر و عرفانی تر کمک کند . البته با این شرط که مؤید حرکت بر طبق الگوی ایمان و ایقان گردد و نه مسبب ورود در چرخه کفر و انکار. و صد البته در این صورت این تقسیم بندی می توانست دقیق تر ، عمیق تر و گسترده تر شود ، که متبصرین و محققین ، بر آن واقفند و البته قادر .و بدیهی است که در این صورت بسیاری از آیات مبارکه دیگر در این تقسیم بندی جای می گرفت و الگوی رفتاری مؤمنین و منکرین را با وضوح بیشتری آشکار می ساخت .
- ۳ - آیات مبارکه در مواضع متعدد، تکرار می گردند و البته در هر قسمت ، از زاویه موضوع و عنوان مشخص شده، به آن نگریده می شود ؛ بدیهی است ، درک جامع ، مجموعه به هم پیوسته ای از برداشتهای ما در قسمتهای مختلف می باشد.



۴ - به جهت مطالعه سریع تر و روان تر ، لازم است توجه داشته باشیم عناوین انتخابی برای هر یک از آیات مبارکه ، در حقیقت، پاسخی به عنوان فرعی مندرج در فوق صفحه ، می باشد .

۵ - در مواردی که از مجموع چند آیه مبارکه متوالی ، مفهوم واحد و مشخصی استنباط شده است ؛ آیات بدون خط فاصله و پشت سر هم ، بدون هیچگونه حد فاصلی درج شده اند . همچنین زمانی که از آیات مبارکه در مواضع مختلف قرآن کریم ، یک عنوان مشخص و مشترک استنباط شده است ، آیات الهی در ذیل آن عنوان ، با خط کوتاهی مجزا شده اند .

۶- تنها در یک بخش "شواهدی از انکاررسول و کلام الهی در زمان ظهور حضرت محمد (ص)" عنوانی برای هیچیک از آیات مبارکه ، انتخاب نشده است .



فصل ۱ - خداوند و پیامبران الهی

- ۱) اساس ادیان الهی یکی است ۷
- ۲) استمرار ظهورات الهیه و تجدید ادیان در طول تاریخ ۲۴
- ۳) وعده خداوند به نصرت پیامبر الهی و مؤمنین ۳۶
- ۴) خداوند بر همه چیز قادر است ۴۲
- ۵) مردم در زمان ظهور کلیه پیامبران الهی مورد امتحان قرار میگیرند ۵۱
- ۶) کلام خدا در هر زمان فصل الخطاب اختلافات مؤمنین ادیان سلف است ۶۸
- ۷) انذار الهی ۷۲
- ۸) پیامبران و عمر محدود ۸۸
- ۹) پیامبران و معجزات ۹۰
- ۱۰) قیامت چیست؟ چه زمان واقع میشود؟ شواهد آن چیست؟ ۱۰۰
- ۱۱) قیامت و مردم ۱۰۹
- ۱۲) فصل الخطاب در روز قیامت ۱۱۱

(۱) اساس ادیان الهی یکی است

• آنچه از تورات در زودشماست، تصدیق می‌کنم:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَي مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَمَلٍ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي هُمَّ عَلَيْكُمْ وَ مِنْتُمْ بِنَائِيهِ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَ أَطِيعُوا (۵۰ - آل عمران)

و (آمدهام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• فرقی میان هیچ یک از فرستادگان الهی نیست و همه ما، از مسلمانان، هستیم و جز این، از کسی پذیرفته نیست:

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ
مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴ - آل عمران)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده‌ایم) فرقی میان هیچ یک از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

وَ مَن يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآفِرَةِ مِنَ الْمَسْرُورِينَ (۸۵ - آل عمران)

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

• کلام الهی، در حالی بر پیامبران نازل می شود که سایر کتب آسمانی را تصدیق می کند:

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِمِائِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷)

- البقره

بگو: هر کس با جبرئیل دشمن است، او به فرمان خدا قرآن را به قلب تو رسانید در حالی که تصدیق سایر کتب آسمانی می کند و برای اهل ایمان هدایت و بشارت است.

• قرآن، مصدق کلیه کتب آسمانی قبل است:

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَاتِ وَالْإِنْجِيلَ (۳ - آل عمران)

مِن قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۱۴ -

آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد، برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

• خداوند با مؤمنانی است که به فرستادگان او ایمان آورده و آنها را اعزاز و یاور می کند:



وَلَقَدْ أَفْذَى اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُذَفِّلَنَّكُمْ بِمَتَّ تَجْرِي مِنْ تَمْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲ - المائدة)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

• از پی رسولان، عیسی ابن مریم را فرستادیم که مصدق تورات بود:

وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آتْرِهِمْ بَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۱۴۶ - المائدة)

و از پی آن رسولان باز عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق به درستی توراتی که پیش او بود داشت و انجیل را نیز به او دادیم که در آن هدایت و روشنی (دلها) است، و تصدیق به درستی تورات که پیش از او بود دارد و راهنمایی خلق و اندرز برای پرهیزکاران عالم است.

• در کلام خدا اندیشه کنید که در هر زمان، برندگان عرضه شود:

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸ - المؤمنون)

آیا در این سخن (خدا و قرآن بزرگ) فکر و اندیشه نمی‌کنند (تا حقانیت آن را درک کنند) یا آنکه کتاب و رسول تنها بر اینان آمده و بر پدران پیشین آنها نیامده؟

• علماء ادیان قبل، بر حقایق کلام الهی در زمان خود، آگاهند:

أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (الشعراء - ۱۹۷)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

• حقیقت کتب الهی یکی است و منکران، کافران به همراه آنها هستند:

فَلَمَّا بَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ نُونَ (النمل - ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم؟

• اگر راست می گوئید، کتابی بهتر از کتابهای آسمانی که خلق را هدایت کند، بیاورید:

قُلْ فَاتُوا بِحَتِّبٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (النمل - ۴۹)

بگو: پس شما اگر راست می گوئید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَمِيعُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتٍ بُغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنْ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (النمل - ۵۰)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟! البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• مؤمنان حقیقی ادیان قبل، به کلام الهی در زمان خود، ایمان می آورند:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲ - النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• ایمان به آیات الهی در هر زمان، تسلیم به فرمان الهی، در زمان خود است:

وَ إِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَوْلًا بِإِمْثَانٍ بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳ - النمل)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم.

• با ایمان به آنچه نازل شده، به همه آنچه از قبل فرستاده شده، ایمان آورده ایم. خدای ما کی است و مطیع فرمان او، هستیم:

وَ لَا تَجِدُوهَا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَمْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قَوْلُهَا بِأَلَدِي أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَ أَنْزَلَ

إِلَيْكُمْ وَ إِلَهِنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مِدُّ وَ نَفْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶ - النمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله نکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویند که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم. حق، همه گاه اهل ایمان را یاری کند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَبَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ هَآءَا عَلَيْنَا نَصْرُ

الْمُؤْمِنِينَ (۴۷ - النمل)

و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

• انداز و سنجگانی در طول زمان، از جانب خداوند بر بشر فرستاده شده اند:

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴ - سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• پیامبران الهی، در هر زمان با مخالفت کفار روبرو شده اند:

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵ - سبأ)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴ - فاطر)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیامبران پیش از تو را نیز (امتهانشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ بَاءَتْهُمْ أَسْلُفُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵ - فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجتهای روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲ - ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْرَأَاتُ مِنَ الْعِزَابِ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا

بِهِ الْمَقْضَى فَآمَدَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵ - غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲ - ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمُومٌ لُوطٍ (۱۳ - ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ تُبُعٍ كُلُّ كَذَّابٍ الرَّسُلَ فَمَقَّ وَعِيدٍ (۱۴ - ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبُع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸ - الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹ - الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مَنْ (رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاهِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ) (۵۲ - الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

• نور الهی در هر زمان، ظلمت را محو می‌کند و اندامی دهد:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (۱۹ - فاطر)

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند.

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ (۲۰ - فاطر)

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَلَا الظُّلُّ وَ لَا المُرُوءُ (۲۱ - فاطر)

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند

وَمَا يَسْتَوِي الْأَمْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲ - فاطر)

و ابدان زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳ - فاطر)

تو جز آنکه (خلق را از کیفر اعمال بد) بترسانی به کاری مأمور نیستی.

• سنت الهی، هرگز تغییر پذیر نیست:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّءُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳ - فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• همه رسولان الهی، مورد استهزاء قرار گیرند:

• يَمْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۰ - فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• همه کتب مقدسه، ذکر الهی است:

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۶۹ - فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

• همه رسولان، با مینات ظاهر شده اند:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَمْذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲ - غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سَلَطْنَا مَلِئِينَ (۲۳ - غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمْتُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فی ضلَلٍ (۲۵ - غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• پیامبران، در هر زمان از جانب خداوند، باینات ظاهر شده اند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِنَائِي إِلَّا بِالذَّنِّ وَاللَّهِ فَاذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَمَنْ لَّيَّسَ بِاللَّهِ فَصْلًا فَجَاءَ قَوْلَهُ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸ - غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ هَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳ - غافر)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت.

• در کلام الهی، هیچگاه باطل راه نیابد و آنچه بر پیامبران نازل شود، همانست که بر پیامبران پیشین نازل شده است:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّن مَّكِيمٍ مَمِيدٍ (۴۲ - فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳ - فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• خداوند، پروردگار موسی و عیسی است؛ و کلام الهی، حقایق و احکامی است که در هر زمان ظاهر می شود:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنِيبُ (۱۳ - الشورى)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می فرماید.

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِيَ
بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّزِيبٍ (۱۴ - الشورى)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ
بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا مُبَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵) -

(الشورى)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• آیات مینات الهی برای اولین بار نیست که توسط رسول الهی، آشکار شده است:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرَّسْلِ وَ مَا أَدْرِى مَا يُفَعَلُ بى وَ لَا بِكُمْ إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُهْمَى إِلَى وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

مُبِينٌ (۹ - الامقاف)

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

• همه پیامبران الهی، توسط خداوند برای هدایت بشر، ظاهر شده اند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶ -

المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ هَتَابَتِيًّا أَتَدْعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا اتِّبَاعَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَائِيهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷ - المدید)



و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸ - المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• مظاهر الهی، مصدق حقانیت کلام الهی قبل از خود هستند و بشهر مظاهر الهی بعد از خود:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶ - الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• خداوند بر همه چیز آگاه است و اجل هیچ کس به تاخیر نمی‌فتد:

وَلَنْ يُؤْفَرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَ اللَّهُ فَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱ - الصدف)

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیفکند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

• خداوند، غنی بالذات است که همه رسولان الهی را، با بیانات، به سوی بشر می فرستد:

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ

هَمِيدٌ (۶ - التخابن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

• رسولان قبل و بعد فرستاده الهی اند:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵ - المزمّل)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

• ظهور پیامبران در هر زمان، برای ایمان مؤمنین حقیقی ادیان گذشته، بفرزاید:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ

يَزِدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ

مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْزِمُ يُؤَدِّهِ رَبُّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا

ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱ - المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• ایمان به فرستادگان الهی در هر زمان، وفای به عهد و میثاقی است که انسان را از خسران می‌رساند:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّمَّانِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

• خداوند شما را قبل از این نیز مسلمین نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه باشید:

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ مَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ مَرَجٍ مَثَلًا آيَاتِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ

سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ (۷۸-المع)

و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است) ، او (خدا) شما امت را پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی) باشید، پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید، که او مولی (و پادشاه و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست و نیکو مولی و نیکو ناصری است.

۲) استمرار ظهورات الهیه و تجدید ادیان در طول تاریخ

• خداوند اجر پایداری شمارا در راه ایمان تباه نکردند؛ زیرا خداوند به خلق، رؤف و رحیم است:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عِبَادَهُ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ (البقره - ۱۴۳)

و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند از آنان که عقبگرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.

• ایمان به خداوند و پیامبران زمان، ایمان به کلیه رسولان الهی، در طول تاریخ است:

قُلْ ءَأَمِنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَمَدٍ مِّنْهُمْ وَ تَمَنَّىٰ لَهُمُ الْمُسْلِمُونَ (آل عمران - ۸۴)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده‌ایم) فرقی میان هیچ یک از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآفِرَةِ مِنَ الْمَسِيرِينَ (آل عمران - ۸۵)

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

• در طول تاریخ، هر ظهور جدیدی، تکذیب شده است:

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ (سُلُّ مِّن قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرُّبْرِ وَ الْكُتُبِ الْمُنِيرِ) (آل عمران - ۱۸۴)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

وَ إِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ أُسْلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالرُّبْرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (فاطر - ۲۵)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيٍّ (ق - ۵)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ نَمُودٌ (ق - ۱۲)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم نمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمْرُؤُا لُوطٍ (۱۳-ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابِ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ ثُبَيْعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴-ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم ثُبَیْع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مَنْ (رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاهِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ) (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

• خداوند با کلیه مؤمنین در هر ظهور، عهد و پیمان می‌بندد که به فرستادگان الهی بعد نیز، ایمان آورند:

وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَأَنْ أَقِمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّيْتُمْهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لِأَكْفُرَنَّ عَنْكُمْ سِيئَاتِكُمْ وَ لِأَذْفَلُنَّكُمْ مِنِّي تَجْرِي مِنْ تَمَّتْهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَبِيلَ (۱۲- المائدة)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شما پیمان هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَفَدْنَا مِيتَتَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائده)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• همه فرستادگان حق، ما هم حقیقی کلام الهی ادیان سلف را، بیان می‌کنند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵- المائده)

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری (عظیم) و کتابی آشکار آمد.

• فرستادگان الهی، کتب مقدسه قبل از خود را، تصدیق می‌کنند:

وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۱۶- المائده)

و از پی آن رسولان باز عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق به درستی توراتی که پیش او بود داشت و انجیل را نیز به او دادیم که در آن هدایت و روشنی (دلها) است، و تصدیق به درستی تورات که پیش از او بود دارد و راهنمایی خلق و اندرز برای پرهیزکاران عالم است.

• مؤمنین به هر ظهور، با مؤمنین به ادیان قبل به نیکویی گفتگو کنند؛ زیرا اساس ادیان الهی را یکی دانند:

وَ لَا تَجِدُهَا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَمْسَسُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قَوْلُهَا ءَأَمَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهَنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مِدُّ وَ نَفْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶- النمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• تمام کسانی که به آیات الهی ایمان آورند، هدایت می‌شوند:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِ الْعَمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• سنت الهی در بستر زمان، هرگز تغییر نخواهد پذیرفت:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• به همه پیامبران الهی در طول تاریخ، ایراد شبه وارد کرده و آنها را مورد استزاء قرار داده اند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (فاطر) ۱۵-

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

وَيَقُولُونَ أَأَنْتَأَلْهَبِنَا لِنَشَاعِرِ مَجْنُونٍ (الصفات) ۳۶-

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِنَائِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْمَكُونَ (الزمر) ۴۷-

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مَفْتَلٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (الطور) ۳۳-

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

• مؤمنین هر ظهور، تهدید به شکنجه و قتل شده اند:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيْمَسَنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• کلام الهی، همیشه زنده دلان را انداز می‌دهد:

وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْءَانٌ مُّبِينٌ (۶۹- فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

لِيُنذِرَ مَن كَانَ مَيًّا وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) و عده عذاب حتم و لازم گردد

• پیامبران الهی، با آیات مینات به سوی شرف‌فرستاده می‌شوند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سَلَطْنَا مِثْلُ النِّعَانِ (۲۳- غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجّت آشکار فرستادیم.

وَ يُرِيكُمُ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِكِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزمر: ۱۷)

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها گفت: من رسول رب العالمینم.

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَمَّا نَجْمُهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْمَعُونَ (الزمر: ۲۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَمَّا اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (غافر: ۲۲)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبران‌شان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت‌گیر است.

• نشاء و اساس ادیان الهی، کی است:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (فصلت: ۱۷)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ

أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُنْتِيبُ (الشوری: ۱۳)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمْرٌ مُّبِينٌ (٦- الصّف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقایق کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (٢٦-)

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان‌شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَائِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ

آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (٢٧- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• به بهانه اخلال در دین پدرانشان، با ظهور جدید مخالفت کرده اند:

قُلْ أُولَٰئِكَ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزخرف) - ۲۴

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• اوست که امر الهی را هر هزار سال، از آسمان به زمین، تدبیر می‌کند:

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (لقمان) - ۵

اوست که امر عالم را (به نظام احسن و اکمل) از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند سپس در روزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است باز (حقایق و ارواح) به سوی او بالا می‌رود.

• از نباء عظیم، اعراض نکنید:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (ص) - ۶۷

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (ص) - ۶۸

(و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

• هر قومی که پیامبران زمان خود را که باینست به نزد آنان می‌آیند انکار کنند به عقوبت الهی گرفتار می‌شوند:

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاتِيهِمْ (سُلُطٰتٌ بِالْبَيِّنٰتِ فَكَفَرُوْا فَاَمَدَّهُمُ اللّٰهُ ۗ اِنَّهٗ قَوِيٌّ شَدِيْدٌ الْعِقَابِ (۲۲- غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیامبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

• هر پیامبری در زمان خود، بندگان را انداز می‌کند:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرَّسُلِ ۗ وَمَا اَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِي ۗ وَلَا بِكُمْ ۗ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ ۗ وَمَا اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ

مُبِيْنٌ (۹- الاحقاف)

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

• مؤمنین، آنگاه در مسیری است الهی خواهند ماند که به رسول الهی در زمان خود، ایمان آورند:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ ۗ وَاٰمِنُوْا بِرَسُوْلِهِۦ يُؤْتِكُمْ كَفٰلِيْنَ مِّنْ رَّحْمٰتِهٖ ۗ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ نُوْرًا تَمْشُوْنَ بِهٖ ۗ وَ يَغْفِرْ

لَكُمْ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (۲۸- المدید)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• نور الهی، هرگز خاموش نخواهد شد:

رِيدُونَ لَيْطُفَتِ نُورِ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُبِينٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• کسانی که به کلام الهی زمان خود، ایمان نمی‌آورند؛ در خسران می‌مانند:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّابُوا بِالْمَقِّ وَ تَوَّابُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام).

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۳) وعدۀ خداوند به نصرت پیامبر الهی و مؤمنین

• وعدۀ نصرت الهی، خلاف نخواهد شد:

مَتَىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوْا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا بِآءِهِمْ نَصَرْنَا فَنَجَّيْنَا مَن نَّشَاءُ ۚ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ

الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰ - یوسف)

(مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعدۀ نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد .

• ما تو را از شر استهزاکنندگان، محفوظ می داریم:

إِنَّا كَفَيْتَكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵ - المجر)

همانا ما تو را از شر استهزاکنندگان محفوظ نمودیم .

• خداوند برای هدایت و نصرت منظر حق، کفایت می کند:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۚ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا (۳۱ - المؤمنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• خداوند، فرستادگان الهی را از مردمان محفوظ خواهد داشت:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَخْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ
اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٦٧ - المائدة)

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد.

• بر ما نصرت و یاری اهل ایمان، حتم است:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَبَاءُوهُمْ بِالْبَيْئَةِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ مَقَامًا عَلَيْنَا نَصْرُ
الْمُؤْمِنِينَ (٤٧ - النمل)

و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

• کسانی که مؤمن نشده و تسلیم امر الهی نشوند، هدایت نخواهند شد:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (٥٣ - النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• خداوند هر که را نخواهد هدایت فرماید:

اللَّهُ نَزَلَ آمْسَنَ الْمَدِينَةِ كِتَابًا مَّتَشَبِهًا مَّتَّانِي تَقَشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر - ۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و هدایت) خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• کید کافران جز در ضلالت، بکار نیاید.

فَلَمَّا بَاءَهُم بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر - ۲۵)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• خداوند هر که را خواهد به سوی خویش برمی‌گزیند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي ءَأْمَرْنَا إِبْرَاهِيمَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (الشورى - ۱۳)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• نصرت الهی، غیر شطرو است:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوهُمَا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَانِعَتُهُمْ مُصَوْنُهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَآتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲ - المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• خداوند، نور خود را محفوظ خواهد داشت:

رُيُونُ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸ - المصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• خداوند دین الهی را به کمال ظاهر فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْمَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹ - الصّف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• کسانی که ایمان آورند، مؤید گردانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَازِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَازِينُ نَمُنُّ بِأَنْصَارِ اللَّهِ فَتَمَمْتِ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَهْرِينَ (۱۴ - الصّف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• خداوند هر که را خواهد، هدایت فرماید و هیچ کس را از جنود رب، آگاه نیست:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱ - المدثر)



و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ربیبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.



(۴) خداوند بر همه چیز قادر است

• هر چه را خواهید محو؛ و هر چه را خواهید اثبات کند:

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكُتُبِ (۳۹ - الرعد)

خدا هر چه را خواهد (از احکام یا حوادث عالم) محو و هر چه را خواهد اثبات می‌کند و اصل کتاب (آفرینش) نزد اوست

• هیچ قومی، از اجل خود، پس و پیش نخواهد افتاد:

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَنْفِرُونَ (۵ - المجر)

هیچ قومی از اجل خود (از آنچه در علم حق معین است يك لحظه) پس و پیش نخواهند افتاد.

• اگر خدای خواست، یکی را به راه هدایت می‌کشد:

وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَانُّ وَ لَهُ شَاءَ لَهْدَاتٍ أُمَّعِينِ (۹ - النمل)

و بر خداست بیان راه عدل و راستی، و بعضی راهها جور و ناراستی است. و اگر خدا می‌خواست (بدون آزمایش بلکه به جبر) شما را همگی به راه هدایت (و جنت) می‌کشید (لیکن این خلاف مصلحت و نظام الهی است).

• از استهزاکنندگان، محفوظت داریم:

إِنَّا كَفَيْتَكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵ - المجر)

همانا ما تو را از شر استهزاکنندگان محفوظ نمودیم.

• اگر دریا، برای کلمات پروردگار مرکب شود؛ کلمه الهی به انتها نخواهد رسید:

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتِ رَبِّي وَ لَوْ جُمُنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۹ - الكهف)

بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد دریا خشک خواهد شد هر چند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنیم .

• اگر در آنچه نازل شده است شک دارید، مانند آن رایاورید:

وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ اذْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳ - البقره)

و اگر شما را شکی است در قرآنی که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) فرستادیم، پس بیاورید يك سوره مانند آن، و گواهان خود را بخوانید به جز خدا، اگر راست می‌گویید.

• هر چه از آیات نسخ کنیم، بهتر از آن رایاوریم:

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۶ - البقره)

هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را از خاطرها بریم (و متروک سازیم) بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم. آیا نمی‌دانی که خدا بر هر چیز قادر است؟

• در هر زمان، رسولانی با مینات به نزد شما آمدند:

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ مَتَى يَأْتِينَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي
بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳ - آل عمران)

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟!

• چون حواریون در قدرت خود شک کردند عیسی فرمود چون ایمان آورده‌اید تقوی پیشه کنید:

إِذْ قَالَ الْمَوَارِئُتُونَ يُعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲ - المائدة)

(یادار) هنگامی که حواریین گفتند: ای عیسی مریم، آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده‌ای فرستد؟ عیسی در جواب گفت: اگر ایمان آورده‌اید از خدا بترسید (و شك در قدرت خدا نکنید).

• یهود گفتند دست قدرت خدا بسته است! به واسطه این گفتار، دست آنان بسته شد:

و قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَغْيِينًا وَ كُفْرًا وَ الَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَاها اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِينَ (۶۴ - المائدة)

و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای

جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• کلام الهی، چون قدرت الهی، بی‌پایان است:

وَ لَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

مَكِينٌ (۲۷ - لقمان)

و اگر هر درخت روی زمین (در کف نویسندگان عالم) قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خدا (که موجودات بی‌نهایت کتاب آفرینش است) ناتمام بماند، که همانا خدا را اقتدار بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان است.

• آیا مستکبران جز آنکه مانند امم گذشته هلاک شوند، انتظاری دارند؟

اسْتَجْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳ - فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• خداوند بهترین حدیث را فرستاد؛ که برای خاصان خدا، آیات تکرورحمت است:

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَانَ الْمَدِينِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يُمْشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳ - الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و اگذار دارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• موسی را با آیات و حجت آشکار فرستادیم :

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (۲۳ - غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

• چون فرمان خدا فرارسد، به حق حکم کند :

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ

يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ فَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸ - غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• کدامیک از آیات خدا را انکار کنید؟

وَ يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَآيَةٌ آتٰتِ اللَّهُ تُنْكَرُونَ (۸۱ - غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار خواهید کرد؟

• خدا هر که را نخواهد به سوی خود برمی‌گزیند؛ و هر که را به درگاه حق انابه نماید، هدایت می‌فرماید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْمِنَّا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنَّيْبُ (۱۳ - الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• ای صاحبان بصر، از قدرت خداوند عبرت گیرید:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مِثْلٍ لَمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲ - المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• تنها تو خداوند عزیز حکیم هستی:

(رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۵ - الممتنه)

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیمارز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملاً آگاهی.

• اوست که رسولانی برای هدایت خلق فرستاد؛ اگر چه مشرکان را خوش نیاید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْمَقْصُودِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹ - الصف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• آنها را مهلت دهم:

وَ أَمْلِ لَهُمْ إِنَّا كُنَّا مِنْهُمْ بَدِيعًا وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۱۴۵ - القلم)

و آنها را مهلت دهم که البته کید من قوی و بسیار سخت است.

• سخنی را به دروغ نمی توان به خدا نسبت داد، زیرا قدرت حق، مانع می شود:

وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (۱۴۴ - الماقه)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می بست،

لَأَمَدًا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵ - الماقه)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمنش می‌گرفتیم

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶ - الماقه)

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

• تکذیب کنندگان را به حق، واگذار کنید:

وَ ذَرَىٰ وَ الْمُكْذِبِينَ أُولَىٰ النِّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱ - المزمّل)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا

رسد).

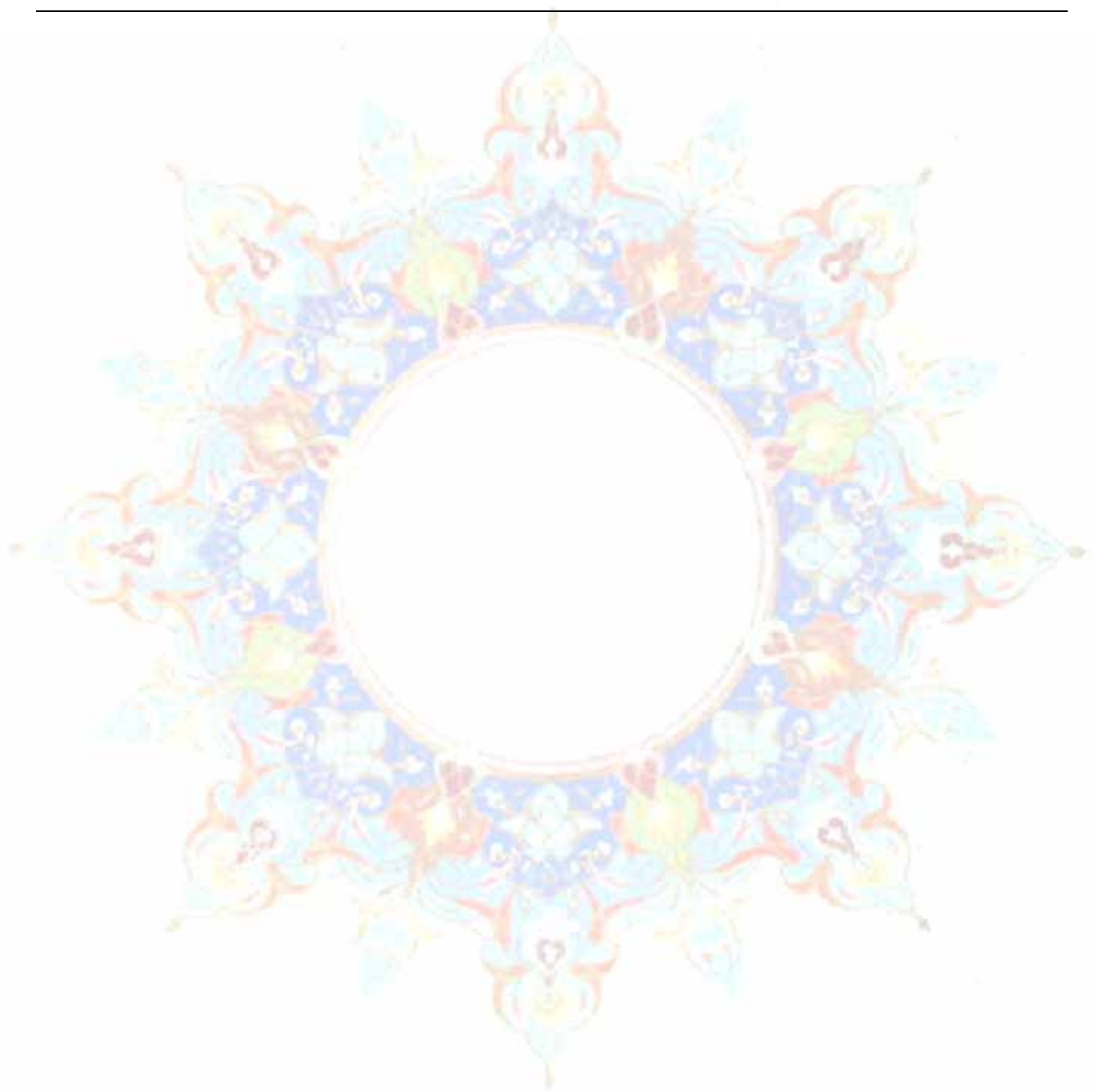
• کسی از لشکرهای پروردگار، غیر حق، آگاه نیست:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُفَصِّلُ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَىٰ لِّلْبَشَرِ (۳۱ - المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا
آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و
البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ
شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که



عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.



۵) مردم در زمان ظهور کلیه پیامبران الهی مورد امتحان قرار میگیرند

• چرا پیامبران بر ما دلیل روشنی از جانب خداوند نمی آورند؟

وَ قَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بِنَايَةٍ مِّنْ رَبِّهِ أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّفِّ الْأُولَى (۱۳۳-طه)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی آورد؟ آیا آیات بیّنه کتب پیشین (چون تورات و

انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• ما قبله را تغییر ندادیم جز آنکه مؤمنین را بیازماییم:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي

كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا

كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۴۳- البقره)

و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز

گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه بیازماییم و

جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می کنند از آنان که عقبگرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله

بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا به خلق

مشفق و مهربان است.

• آیات روشن الهی در هر زمان از جانب مردم، تکذیب شود:

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ بَاءٌ وَ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

• پیامد نقض عهد و میثاق الهی، دور افتادن از راه راست و برافروخته شدن آتش عداوت و بغضا، بین آنها است:

وَ لَقَدْ أَفْذَى اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَأَنْ أَقِمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الرِّكَوَةَ وَ ءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّيْتُمْهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لَأُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لِأَذْلِلَنَّكُمْ مِنْ تَجْرِى مِنْ تَمَّتْهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲- المائدة)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیمارزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

وَ مِنْ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَفْذَنَّا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• بسیاری از مردم، بعد از آمدن رسولان، باز بنای فساد و سرکشی گذاشتند:

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَمَّاهَا فَكَأَنَّهَا أَمِيَّا النَّاسِ جَمِيعًا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲-المائدة)

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

• آنان که لقاء اله را تکذیب کردند، بسیار زیان کرده و هدایت نیافتند:

و يَوْمَ يَمْشِرُهُمْ كَانَتْ لَهُمْ يَلْبُتُّوهُ إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ فَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا لِقَاءَ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵- التوبه)

و روزی که همه خلائق را جمع آرد گویا (در دنیا) ساعتی از روز بیش درنگ نکرده‌اند، (در آن روز) یکدیگر را کاملاً می‌شناسند، آنان که لقاء خدا را انکار کردند بسیار زیان کرده‌اند و هرگز راه نیافته‌اند.

• مظاهر الهی، حجت را بر خلق تمام می‌کنند:

وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (۲۰۸- الشعراء)

و ما اهل هیچ دپاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم.

• با وجود یقین به کلام الهی، در مقابل آن می‌ایستند:

وَجَمَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• انکار آیات و بینات الهی، بهانه اعتماد متفاوت پیشینان:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ (۳۶- النمل)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فِجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ مَقَامًا عَلَيْنَا نَصْرُ

الْمُؤْمِنِينَ (۴۷- النمل)

و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است چون به آنان گفته شود از آنچه خدا فرستاده است تبعیت کنید گویند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیا بیید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• معجزات پیامبر بزرگترین امتحان مردم، در هر زمان است:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• در هر زمان، پیامبران خود را تکذیب کنند:

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵- فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

• منظران هدایت الهی، هرگاه رسول منظر ظاهر شود، مورد امتحان قرار می‌گیرند:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِمْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشركان عرب) محكم‌ترين قسم به نام خدا ياد می‌کردند كه اگر بيم كننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه كه بيم كننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• امتحانات الهی در ظهور، سنت همیشگی الهی است:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت كه می‌خواستند در زمین تكبر و گردنكشی كنند و مكر در اعمال بد اندیشند، و مكر زشت و فكر بدكاری جز بر صاحبش احاطه نكند، پس آیا اینان جز آنكه به طریقه امم گذشته هلاك شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاك بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• كید كافران و بزرگان قوم، در ظهور آشكار شود:

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه كه او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان كه به موسی ایمان آوردند بكشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعكس آنها را قوی كردیم) آری مكر و تدبیر كافران جز در ضلالت (و خسرا نشان) به كار نیاید.

• غرور به علم ظاهری، موجب انكار آیات الهی است:

وَ يَرِيكُمُ ءَايَاتِهِ فَآىءِ آيَاتِ اللَّهِ تُنَكِّرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ مَا قَبِ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولان نشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت.

• تفرقه و اختلاف در ادیان و شک و ریب در مورد کلام الهی پیامبران خود:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سُبْحَتِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّ

بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)



و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• امتحان الهی در سراسر تاریخ تکرار شده است:

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷- الزفر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

قُلْ أَوْ لَوْ أَنَّكُمْ بَاهْتَدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءِآبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزفر)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدران شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم..

كَذَلِكَ مَا آتَىٰ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْتَوٍ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

• مسرفان در هر زمان با بهانه‌های خویش، مورد امتحان قرار می‌گیرند:

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا ءِآبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَأْتَرِهِم

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزفر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• در هر ظهور، آیات حقانیت و عظمت حق، انکار شده است:

وَ مَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَفَذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ (الزمر: ۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• ایراد به مقام و جایگاه ظاهری و کنت پیامبران:

فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأَةُ مُقْتَرِنِينَ (الزمر: ۵۳)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده اند.

• عدم ایمان به آیات الهی، به سخره گرفتن آن و بر تکبر و طغیان، اصرار و زیدین:

تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبَأَىٰ مَدِيثِ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَتِهِ يُؤْمِنُونَ (الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می آورند؟

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹-الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• با تجاوز به حقوق دیگران و خلاف و نزاع در کلام الهی، مورد امتحان الهی قرار گیرند:

وَ آتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا أَتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (۱۷- الباقیه)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• آیات روشن الهی را سحر خوانند:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِمَ لَمْ يَأْتِهِمْ هَٰذَا سِمْبَرٌ مِّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• نشاء الهی کلام پیامبر را تکذیب کنند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا

بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• سبقت گرفتن مردم عادی، در ایمان به پیامبر:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بتپرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• در تکذیب و انکار پیامبر، حالی مضطرب و سرگردان یابند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• همه مردم و اقوام در طول زمان با این امتحان مواجه شده‌اند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِهْوَنُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابِ الْاَيْكَةِ وَ قَوْمِ تَبَعٍ (پادشاه یمن) كَلَّمَ الرُّسُلَ فَمَقَّ وَ عِدِّ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و

واجب گردید..

• تفاوت سخن و کلام الهی، مایه امتحان مردم است:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّفَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• به غرور ملک و قدرت، در مقابل حق امتحان شوند:

وَ فِي مُوسَى إِذِ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (۳۸- الذاریات)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونیان فرستادیم.

فَتَوَلَّىٰ بُرْكُنَيْهِ ۖ وَقَالَ سَمِيرٌ أُوَّ مَجْنُونٌ (الذاریات)

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• خیالات باطل، اسباب امتحان مردم می شوند:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهَذَا ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَٰغُونَ (الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

• از اینکه پیامبر الهی همچون یک بشر زندگی می‌کند، مردم مورد امتحان قرار می‌گیرند:

فَقَالُوا أَمْ بَشَرًا مِّثَّا ۚ وَهَدَا تَتَّبِعُهُ ۚ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ ۖ وَسَعْدٍ (القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما يك بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

أَعْلَىٰ الذِّكْرِ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• به علت بدعت در دین و عدم مراعات کلام و احکام و رضایت الهی، مورد امتحان قرار می‌گیرند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶) -

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷) - (المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• مؤسسن سابق در هر ظهور جدید، مورد امتحان قرار می گیرند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸) - (المدید)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمْءُ مُبِينٌ (٦- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• چگونه عمل به کلام الهی، امتحان مؤمنین است:

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْفَخَّارِ الَّذِي يَمْشِي عَلَى الْوِجْدَانِ يَمْشِي عَلَى الْوِجْدَانِ كَذَّبُوا بِآيَاتِ
اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٥- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد .

• انکار حقیقت هر ظهور، در زمان خود:

وَ إِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (١٤٨- الماقه)

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیزکاران عالم است.

وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (١٤٩- الماقه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

• تاویل و تفسیر کلام الهی ادیان قبل، توسط پیامبر بعد، اسباب امتحان مؤمنین است:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُثُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱-المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• عدم ایمان به کلام الهی در هر زمان، بزرگترین امتحان مؤمنین، در طول تاریخ است:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

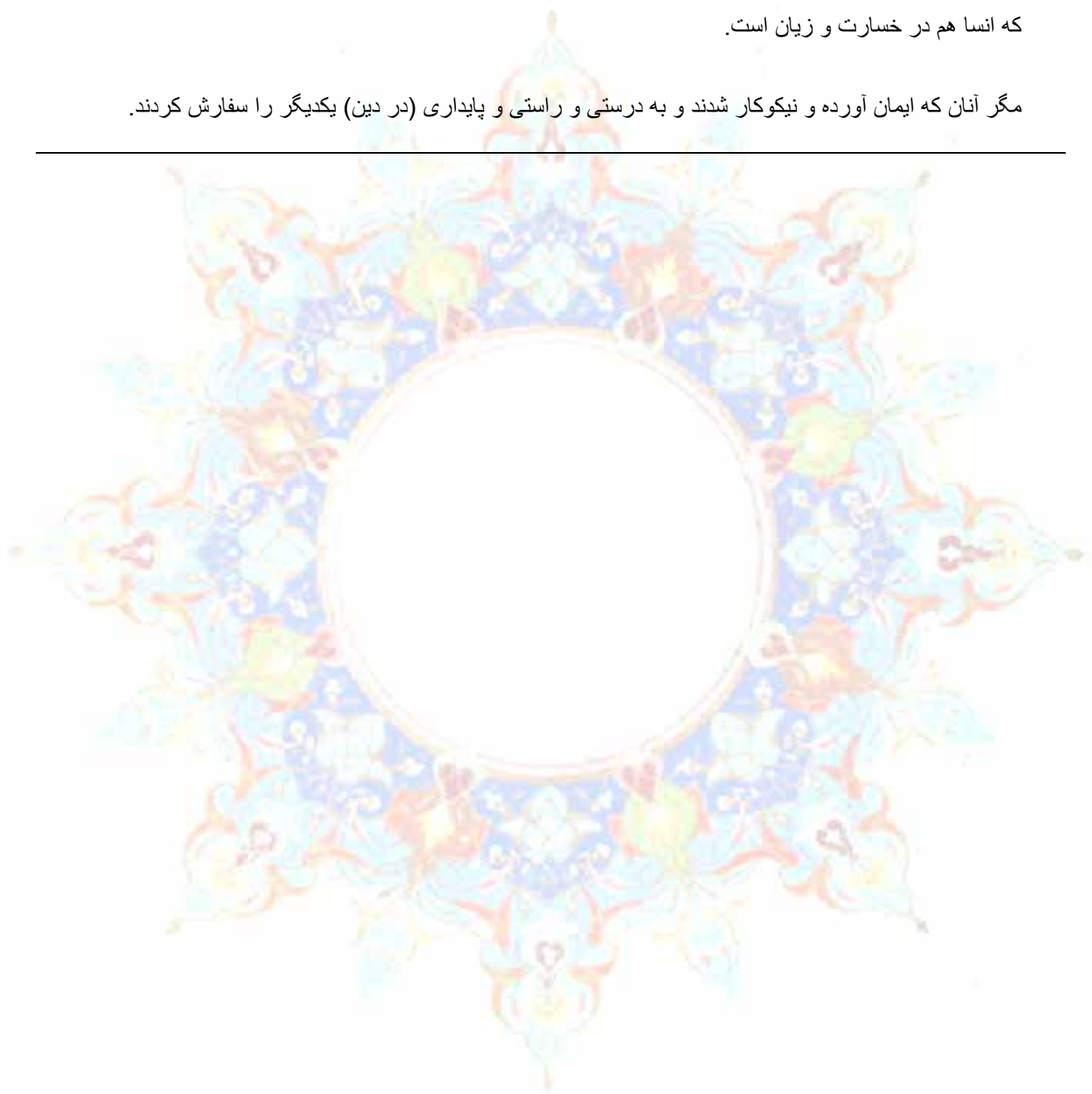
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصُوا بِالْمَقِّ وَ تَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسا هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.



۶) کلام خدا در هر زمان فصل الخطاب اختلافات مؤمنین ادیان سلف است

• قرآن آنچه که بنی اسرائیل در آن اختلاف میکنند بیان می‌کند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَفْتَلِحُونَ (۷۶-النمل)

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل اکثر معارف و احکامی را که در آن اختلاف می‌کنند کاملاً بیان می‌کند (و حکم واقعی تورات را آشکار می‌سازد).

• از مؤمنان در هر زمان، میثاقی برای ایمان به پیامبر الهی که ظاهر خواهد شد، گرفته می‌شود که اگر شکسته شود، جنگ و دشمنی افروخته

میکرد:

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مَيِّتَهُمْ فَنَسَوْا مَهَلًا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۴-المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• چون فرمان خدا فرارسد، آن روز به حق، حکم کند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ فُسرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• حکم آنچه در آن اختلاف کردید، به خداوند راجع است:

وَمَا افْتَلَقْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَمَكِّمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰- الشوری)

و آنچه در آن اختلاف و نزاع کردید حکم آن به خدا (و احکام خدا) راجع است، همان خدا (ی آفریننده عالم و آدم) پروردگار من است که بر او توکل کرده و به درگاه او به تضرع باز می‌گردم.

• خطاب به سروان تمامی ادیان: دین را برپا دارید و در آن، تفرقه نیندازید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• مردم، راه تفرقه نینمودن مگر پس از آنکه علم و برهان بر آنها آمد:



وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ

بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (الشوری- ۱۴)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• خداوند در روز قیامت، بین آنچه اختلاف کرده‌اید، حکم می‌کند:

وَ آتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا أَفْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيٰ بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ ۗ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (الباقیة- ۱۷)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• تنها گواه بین رسول الهی و کافران، کتاب خداوند است:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۖ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ ۗ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (الرعد)

و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی، بگو: تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب (خدا) که انبیاء و اولیاء و علماء ربّانیند) کافی خواهد بود.

• در آیات الهی اختلافی نیست؛ بلکه در حکم مؤمنین بتلا به هوای نفس است:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تُمْرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• کلام الهی، برای یقین مؤمنان است و رفع شک و شبهه و ریب؛ اگر در دلهاشان مرض نباشد:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُفَصِّلُ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

(۷) انذار الهی

• هیچ قومی از اجل خود، پس و پیش نخواهند افتاد:

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَنْفِرُونَ (۵ - المجر)

هیچ قومی از اجل خود (از آنچه در علم حق معین است يك لحظه) پس و پیش نخواهند افتاد.

• آنچه را که به آن علم نداری، دنبال کن:

وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶ - الاسراء)

و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال کن که چشم و گوش و دل همه مسئولند.

• هر کس به راه کفر رفت، خداوند به او مهلت می‌دهد:

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَ أضعف جُنداً (۷۵ - مريم)

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان به او مهلت می‌دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببینند

که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد، پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) کدام يك

روزگارش بدتر و سپاهش ضعیفتر است!

• مردم، امر الهی را پاره پاره نکنند و هر گروهی به آنچه نزد خود دارد، دخنوش کردود:

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبًّا كُلٌّ لِمِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳- المؤمنون)

آن‌گاه مردم (با وجود این سفارش خدا) امر (دین) خود را پاره پاره کردند (و در آیین، فرقه فرقه شدند) و هر گروهی به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند.

• کلام الهی متروک شود:

وَ قَالَ الرَّسُولُ يُرَبِّ إِنَّا قَوْمِي اتَّفَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰- المؤمنون)

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزه) عرض کند: بارالها (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند.

• دیدی حال آنکس که هوای نفسش را، خدای خود ساخته؟

أَيُّتٍ مِّنْ اتَّمَدَّ إِلَيْهِ هَوَاتُ أَمْ قَانَتْ تُكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳- المؤمنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟

• خداوند تا حجت را بر خلق تمام نکند، هلاک نشوند:

وَ مَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (۲۰۸- الشعرا)

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم.

• در حق شبهه مکن:

الْفَقُّ مِّن بَّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۴۷- البقره)

حق همان است که از طرف خدا به سوی تو آمد، پس هیچ شبهه به دل راه مده.

• کلام الهی، جداکننده حق و باطل است:

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو

الْإِنْتِقَامِ (۴- آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد، برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

• تقوی پیشه کنید و از پیامبر الهی زمان خود، اطاعت کنید:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَمَلٍ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي مَرَّ عَلَيْكُمْ وَ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا (۵۰- آل عمران)

و (آمده‌ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• هرگز از پیامبر الهی در یوم خود راضی نشوند، مگر پیروی از آئین گذشتگان کند:

وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصْرَىٰ مَتَىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَكِنِ اتَّبَعَتِ أَهْوَاءَهُمْ

بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۱۲۰- البقره)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.

• اگر حق تابع هوای نفس مردم شود، سموات و ارض فاسد خواهد شد:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• از گمراهی، چه مثل ما برای امر الهی زندگی:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• بنگر که عاقبت مردم فاسد، به کجا انجامید:

وَ بَمَدُونِهَا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• با مؤمنان ادیان قبل، جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله نکنید زیرا که با ایمان به کلام الهی، به همه می کتب آسمانی

آنان ایمان آورده‌اید:

وَلَا تَجِدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَقْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهَنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مِدُّ وَ نَمْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۴۶- النمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• مقام مؤمن و غیر مؤمن یکسان نیست. خدا هر که را خواهد شنو سازد:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ (۱۹- فاطر)

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند.

وَ لَا الظُّلْمَتُ وَ لَا النُّورُ (۲۰- فاطر)

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا المُرُوءُ (۲۱- فاطر)

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَلَا الْأُمِّيَّةُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲- فاطر)

و ابداء زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• سنت الهی در کفر و ایمان، هرگز تبدیل نخواهد شد:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَمِدَّ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَمِدَّ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بدانیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• از شنیدن نباء عظیم، اعراض نکنید:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷- ص)

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸- ص)

(و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

• در یوم قیامت، به حقیقت واقف می‌شوید:

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸- ص)

و شما منکران بر صدق و حقیقت این مقال پس از چندی (هنگام مرگ و انتقال به آخرت) به خوبی آگاه می‌شوید.

• از کلام الهی تبعیت کنید؛ پیش از آنکه عذاب ناگهانی بر شما فرود آید و فریاد پشیمانی و حسرت بر آید:

وَاتَّبِعُوا أَمْسَنَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (الزمر- ۵۵)

و بهترین دستور کتابی را که بر شما از جانب خدایتان نازل شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (قهر خدا به کیفر گناهان) بر شما ناگهان فرود آید و شما آگاه نباشید.

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَمْسِرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّافِرِينَ (الزمر- ۵۶)

تا مبادا کسی فریاد و احسرتا بر آرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره و استهزا نمودم.

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (الزمر- ۵۷)

یا آنکه (از فرط پشیمانی در پی آرزوی محال آید و) گوید: (افسوس) اگر خدا مرا (به لطف خاص) هدایت فرمودی من نیز از اهل تقوا بودم.

أَوْ تَقُولَ مِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (الزمر- ۵۸)

یا آنکه چون عذاب (خدا) را به چشم مشاهده کند گوید: (ای فریاد) کاش بار دیگر (به دنیا) باز می‌گشتم تا از نیکوکاران می‌شدم.

• در آیات الهی، کسی جز مردم کافر، به جدل برنخیزد:

مَا يَجِدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَخْرُجُ تَقْلُيبُهُمْ فِي الْبَلَدِ (۴- غافر)

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

• کدامیک از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• باطل، در تنزیل خداوند حکیم راه نیابد:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مَنْ مَكِّيِّمْ مَمِيدٍ (۴۲- فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

• در کلام الهی، تفرقه و اختلاف نکنید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُنْتِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سِبْقَتِ مَنْ رَّبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• سخنان که مأموری، پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم نباش:

فَلِذَلِكَ فَادِعُ ۗ وَ اسْتَقِمَّ ۗ كَمَا أُمِرْتَ ۗ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۗ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۗ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۗ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ ۗ لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ ۗ لَا مُجْبَأَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵- الشوری)

(الشوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• آیا آنگاه که بر خود ستم می‌کنید از متذکر ساختن شما صرف نظر کنیم؟

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْمًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵- الزمر)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می‌کنید صرف نظر کنیم؟

• آن کس که دانسته به گمراهی می‌رود، هدایت نخواهد شد:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰- الامتقاف)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• آیات الهی را تکذیب نکنید:

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَفَذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ (۴۸- الزمر)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را

تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• بعد از خدا و آیات روشن او، دیگر به چه برهانی ایمان آورید؟

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْصَدِ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• برای آنان که آیات الهی را به سخره گیرند عذاب مهین مهیا است:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• هیچ رسولی، نتواند کلامی را به دروغ به خدا نسبت دهد؛ زیرا جز از آنچه بر او وحی می‌شود، تبعیت نمی‌کند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا

بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاءِ مَنْ أَرْسَلْتُ وَ مَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يَوْمَىٰ إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

مُؤْمِنٌ (۹- الامقاف)

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

وَ لَهُ تَقْوَالٌ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (۱۴۴- الماقه)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست،

لَأَذْنًا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵- الماقه)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمنیش می‌گرفتیم.

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶- الماقه)

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

• نابود باد آن کس که، دروغ بندد:

قَتَلَ الْفُرَّصُونَ (۱۰- الذاریات)

کشته باد و نابود آنان که دروغ بندند (و قرآن را سحر و فسانه برخوانند).

• از سر نوشت گذشتگان، عبرت گیرید:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوهُمَا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَنَّاعُهُمْ مُصَوْنَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَآتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مَيْتٍ لَمْ يَحْتَسِبُوهَا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• خداوند، قوم ظالمین را هدایت نخواهد کرد:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَلُّوا تَوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْمِمَارِ يَمْشِي أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• خداوند اجل کسی را به تاخیر نیفکند:

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱- الصف)

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیفکند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

• حکایت حال پیشینان کافر را بشنید:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵- الصف)

آیا حکایت حال پیشینان که کافر شدند به شما نرسید؟ که (هم در دنیا) به کیفر کردارشان رسیدند و (هم در آخرت) عذاب دردناک بر آنان مهیاست

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَعَالُوا أَ بَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ

حَمِيدٌ (۶- التغابن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ تَجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷- التمریم)

(به کافران گویند) ای کافران، امروز عذرخواهی مکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید به آن مجازات می‌شوید.

• چرا بر اساس هوای نفس خود حکم می‌کنید؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَفِيرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• کار کافران را به حق واگذار:

وَ ذُنُوبَهُ وَ الْمُتَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱- المزمّل)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا رسد).

• چون کافر شوید، چگونه نجات یابید؟

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءٌ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• وای به حال آنان که آیات الهی را تکذیب کردند:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹- المرسلات)

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُهْمُونَ (۵۰- المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می‌آورند؟

• قسم به زمان که اگر به فرستادگان الهی زمان خویش ایمان نیاورید در خسران خواهید بود:

سورة العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَنْكَبُوتِ (۱)

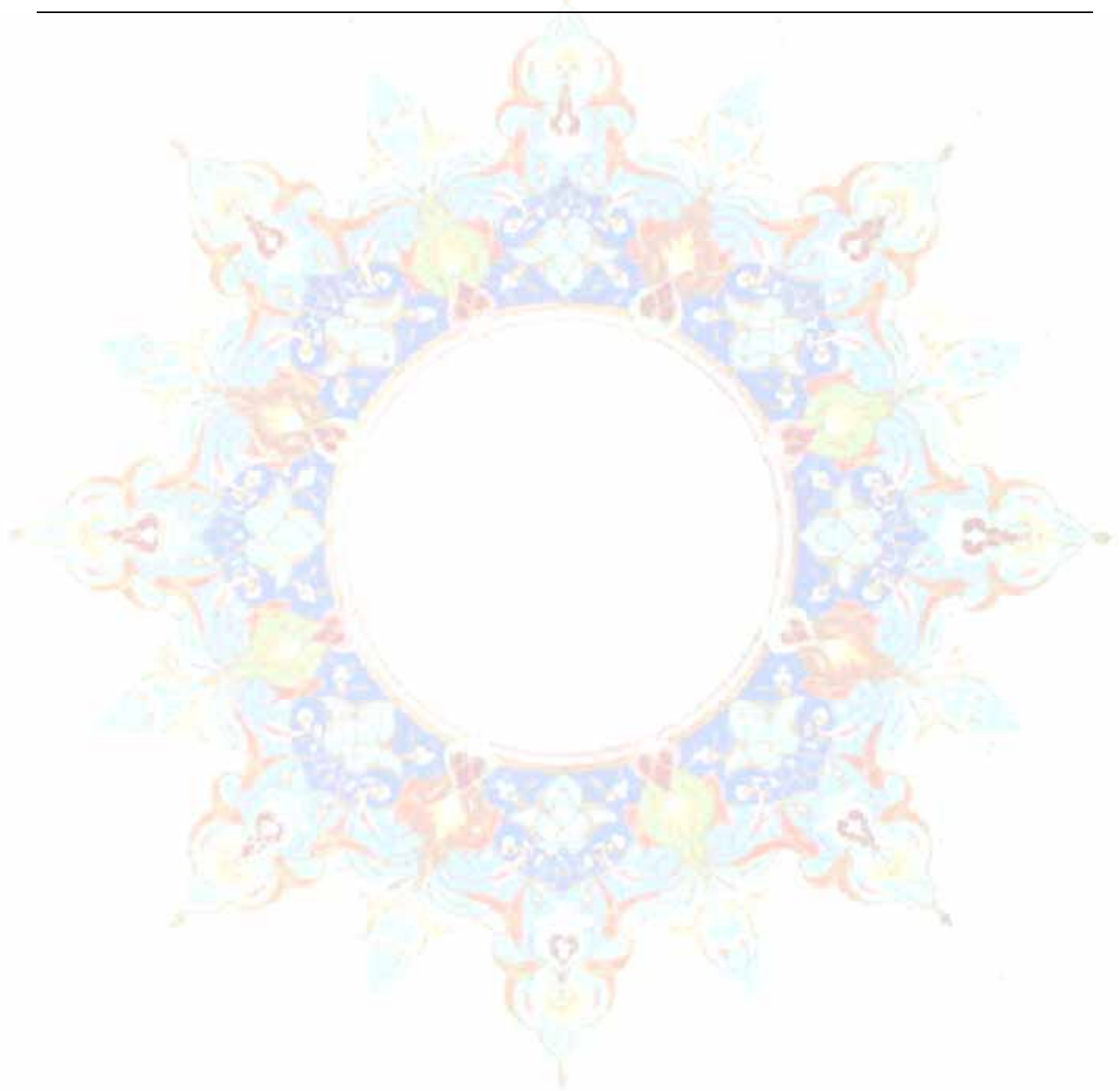
إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالنَّمَقِ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکنیگر را سفارش کردند.



(۸) پیامبران و عمر محدود

• رسولان به آنان گفتند: آری ما چون شما، بشری بیش نیستیم:

قَالَتْ لَهُمْ (رُسُلُهُمْ) إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَنٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱ - ابراهیم)

رسولان باز به کافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم لیکن خدا بر هر کس از بندگان که بخواهد (به نعمت بزرگ نبوت) منت می‌گذارد، و ما را نرسد که برای شما آیت و معجزی الا به اذن و دستور خدا بیاوریم، و مؤمنان (در هر حال) باید تنها به خدا توکل کنند.

• به یچکس، عمر ابد ندایم:

وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْفُلْدَ أَوْ فَايِن مَّتَّ فَهُمْ الْفُلْدُونَ (۳۴ - الانبیا)

و ما به هیچ کس پیش از تو عمر ابد ندادیم (تا به تو دهیم) آیا اگر تو بمیری آنان ابد به دنیا زنده مانند؟!

• هر نفسی، مرگ را می‌شد:

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْفِيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۳۵ - الانبیا)

هر نفسی مرگ را می‌چشد، و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کنیم تا شما را بیازماییم و (هنگام مرگ) به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

• همه مردم، حتی پیامبران الهی، به مرگ از دنیا خواهند رفت :

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (الزمر - ۳۰)

(ای رسول عزیز ما) شخص تو و این خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت.

• اجل میچکس، از وقت خود به تاخیر نخواهد افتاد :

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ فَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (الصف - ۱۱)

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نمیکنند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

(۹) پیامبران و معجزات

• کافران گویند، چرا از طرف خداوند آیتی فرستاده نشد؛ در حالیکه وظیفه تو، تنها انداز خلق است:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنَ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (الرعد - ۷)

و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او آیت و معجزه‌ای فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است.

• کافران گویند، چرا بر او آیه‌ای از حق نازل نشد؛ بگو خدا هر که را خواهد، همراه و هر که را انابه کند، هدایت نماید:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنَ رَبِّهِ قُلْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَرَادَ (الرعد - ۲۷)

(الرعد)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• کسانی که بر آنان کتاب فرستاده شد، از آنچه نازل شد خوشوقتند؛ و جماعتی از آنها، برخی از آیات را، انکار می‌کنند:

وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَمُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مِنَ الْأَمْزَابِ مَنْ يُنَجِّرُ بَعْضُهُمْ قُلُوبَهُمْ أَنْ تُفِيئَهُمُ اللَّهُ

وَ لَا تُشْرِكُ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَ إِلَيْهِ مَتَابٍ (الرعد - ۳۶)

و آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب و مسلمانان) به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند، و جماعتی از آنها (مانند کفار اهل کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می‌کنند. بگو: من مأمورم که خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.

• رسولان الهی کونید ما چون شما، بشری بیش نیستیم. ما را نرسد که جز به اذن الهی، آیتی آوریم:

قَالَتْ لَهُمْ (رُسُلُهُمْ) إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَنِ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱- ابراهیم)

رسولان باز به کافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم لیکن خدا بر هر کس از بندگان که بخواهد (به نعمت بزرگ نبوت) منت می‌گذارد، و ما را نرسد که برای شما آیت و معجزی الا به اذن و دستور خدا بیاوریم، و مؤمنان (در هر حال) باید تنها به خدا توکل کنند.

• سینات و زبر، نازل شده است؛ تا در آن میندیشد:

بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴- النمل)

(ما هر رسولی را) با معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم و بر تو این ذکر (یعنی قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به آنان فرستاده شده بیان کنی و برای آنکه عقل و فکرت کار بندند.

• کونید ما هرگز ایمان نیاوریم، مگر...

• بگو خدای من منزه است. آیا من بشری نیستم که به رسالت آمده‌ام؟

وَ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (۹۰- الاسری)

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد تا آنکه از زمین برای ما (به اعجاز) چشمه آبی بیرون آری.

أَوْ تَكُونَ لَكَ بِنْتٌ مِّنْ نَّفِيلٍ وَ عِنْبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ فَلَهَا تَفْمِيرًا (۹۱- الاسری)

یا آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد که در میان آن باغ نهرهای آب جاری گردانی.

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا رَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِلَهُةٍ وَ الْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا (۹۲- الاسری)

یا آنکه بنا بر پندار و دعوی خودت پاره‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما

حاضر آری.

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ أُفْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ مَتَى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ

(بِی هَلْ كُنْتَ إِلَّا بَشَرًا) (سُورَةُ الْاِسْرٰی - ۹۳)

یا آنکه خانه‌ای از زر (و کاخی زرنگار) دارا باشی یا آنکه بر آسمان بالا روی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتنت

نیاوریم تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم. بگو: خدای من منزّه است (از آنکه من، او یا فرشتگان او را حاضر

سازم) آیا من فرد بشری بیشترم که (از جانب خدا) به رسالت آمده‌ام؟

• کونیند چرآیتی از جانب خدا، برای ما نمی آورد؟

• آیا بر آنها، مینات و صحف پیشین، نیامد؟

وَ قَالُوا لَهُ لَا يَأْتِينَا بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّهِ أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۳۳- طه)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟ آیا آیات بیّنه کتب پیشین (چون تورات و

انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• رسول الهی، چون بشری زندگی می‌کند:

وَقَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمَشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-)

(المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا جَبَلًا مَسْمُورًا (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

• اگر راست می‌گویید، کتابی بهتر بیاورید تا از آن پیروی کنم:

قُلْ فَاتَّبِعُوا مَن عِنْدَ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹- النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

• آنچه اجر از شما خواستم، برای شما باشد:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهِيَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷- سبأ)

باز بگو: آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای شما باشد (یعنی هرگز مزدی از شما نخواستیم و نمی‌خواهیم. و شاید معنی این باشد که مودت و حبّ نوری القربی که از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای ثواب و سعادت خود شماست) تنها پاداش (رسالت) من بر خداست و بس، و او بر هر چیز دانا و گواه است.

• خدا آیات خود را آن چنان می‌نماید که، انکارناپذیر است:

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• چیزی بر تو وحی نمی‌شود، جز آنچه بر رسولان قبل گفته شده:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترك بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید.

(باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• چرا طوق زرین بردست ندارد، و چرا فرشتگان آسمان به همراه او نیامده‌اند؟

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أَسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳- الزمر)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

• موجب بصیرت و ذکر است، برای بندگان منیب:

تَبْصِرَةً وَ ذِكْرًا لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• اگر می‌توانند به مانند آن کلامی آورند؛ اگر راست می‌گویند:

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳- الطور)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

فَلْيَأْتُوا بِمَدِيَّتٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴- الطور)

پس اگر راست است می‌گویند آنها هم کلامی مانند قرآن بیاورند.

• هرگاه پیامبر الهی باینات بر طبق بشارات کتب مقدسه ظاهر شود، آنرا سحر مبین دانند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• رسولان، باینات بسوی خلق می‌آیند؛ اما آنها کونند آیا بشری، راهنمای ما تواند بود؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ (رُسُلُهُمْ) بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَمْ بَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ
مَمِيدٌ (۶- التخابن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

• آنچه نمی‌بینند اسکند، کلام الهی، تنزیل خداوند عالمیان است:

وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹- الماقه)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰- الماقه)

و آنچه نمی‌بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (الماقه- ۱۴۱)

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گر چه) اندکی از شما مردم به آن ایمان می‌آورید.

تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَلَمِينَ (الماقه- ۱۴۳)

این قرآن تنزیل خدای عالمیان است.

• کسی قادر نیست به دروغ، کلامی را به خدا نسبت دهد:

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (الماقه- ۱۴۴)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست،

لَأَهْدَنَّا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (الماقه- ۱۴۵)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می‌گرفتیم

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (الماقه- ۱۴۶)

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

• چون رسولان الهی فرستاده شوند؛ چگونه آنان که کافر شوند، نجات یابند؟

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (المزمل- ۱۵)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءٌ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• پیامبر و وظیفه‌ای جز تبلیغ ندارد:

يَمَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَ اللَّهُ يَخْلُمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ (۹۹- المائدة)

بر پیغمبر جز تبلیغ (احکام الهی) و وظیفه‌ای نیست، و خدا هر چه را آشکار داشته و یا پنهان دارید همه را می‌داند.

• پاسخ خداوند، به آنان که معجزه الهی طلبند:

إِذْ قَالَ الْمَوْرِئُونَ يَعْيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲- المائدة)

(یاد آر) هنگامی که حواریین گفتند: ای عیسی مریم، آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده‌ای فرستد؟ عیسی در

جواب گفت: اگر ایمان آورده‌اید از خدا بترسید (و شكّ در قدرت خدا نکنید).

• من تنها از آنچه از خدایم به من وحی رسد، پیروی خواهم کرد:

وَ إِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِنَايَةٍ قَالُوا لَوْ لَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ كَرَمًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳- الاعراف)

و هر زمان که تو آیتی بر آنها نیاوری بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی؟ بگو: من تنها پیروی از آنچه از خدایم به من وحی رسد خواهم کرد، این آیات قرآن است مایه بصیرت‌هایی از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آورند.

• همه پیامبران، چون بشر زندگی کرده‌اند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِنَايَةٍ إِلَّا يَأْذِنَ اللَّهُ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (۳۸ - الرعد)

و محققا ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای همه آنان (مانند تو) زنان و فرزندان مقرر نمودیم (یعنی همه رسل بشر بودند، یکی فرشته نبود که از لوازم بشری بی‌نیاز باشد) و هیچ پیغمبری را نرسد که بی اذن خدا آیت و معجزی آورد، که هر امری را وقتی معین مرقوم است.

۱۰) قیامت چیست؟ چه زمان واقع میشود؟ شواهد آن چیست؟

• چون ظهور الهی فرارسد؛ مؤمنان منظر آغاز اختلاف کنند و در یوم قیامت است که میان آنچه اختلاف می کردند، حکم

می شود:

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَ رَفَعْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا افْتَلَفُوا مِنِّي بَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَفْتَلِفُونَ (۹۳- التوبه)

و محققا ما بنی اسرائیل را (پس از هلاک دشمنان) به مقام صدق (و منزل آسایش) مسکن دادیم و از نعمتهای پاکیزه (در ملک شام و مصر) روزی آنها کردیم، و همیشه بنی اسرائیل (در ایمان به رسول خاتم) اتفاق داشتند تا زمانی که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت آنها آمد آن گاه آغاز اختلاف کردند (و رسالت پیغمبر بزرگ را از عناد و لجاج منکر شدند. ای رسول ما) خدای تو روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف می کردند حکم خواهد کرد.

• زلزله روز قیامت، واقعه بزرگ و عظیمی است:

يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱- الم)

ای مردمان، خدا ترس و پرهیزکار باشید که زلزله روز قیامت بر خلائق بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود.

• در یوم قیامت، مقدرات و نتیجه اعمال هر کس، بر او عرضه شود:

وَ كُلٌّ لِّإِنْسَانٍ أَلْمَنَهُ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ وَ نَفْرَجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳- الاسراء)

و ما مقدرات و نتیجه اعمال هر انسانی را طوق گردن او ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد) و روز قیامت کتابی (که نامه اعمال اوست) بر او بیرون آریم در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند.

• چون مؤمنان، عهد و میثاق الهی را بشکنند، تا قیامت عداوت و بغض میان آنان، افروخته شود:

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَفَدْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسَوْا مَهْلًا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• آن نباء عظیم است که از آن اعراض می‌کنند:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷- ص)

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸- ص)

(و دروغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

• در روز قیامت، آنان که برخدا دروغ بستند، روسیاه شوند:

و يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰- الزمر)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند بنگری که همه رویشان سیاه شده است (رسوای خدا و خلق گردیدند) آیا متکبران را نه منزل در دوزخ است؟

• ساعت قیامت، بی هیچ شک خواهد آمد و لکن، بیشتر مردم، ایمان نمی آورند:

نَّ السَّاعَةَ لَا تَأْتِيَهُ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی هیچ شك می آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی آورند

• باطل، در کلام الهی راه نیابد زیرا بر رسول الهی، چیزی وحی نمی شود، جز آنچه به پیامبران قبل، نازل شده:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مَنْ مَكِّيهِ مَمِيدٍ (۴۲- فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• روز قیامت، روز ذلت و خواری و عذاب کافران است:

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ أَتَتْهُمُ الْعَذَابُ

مِنْ مَيْتٍ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶- النمل)

آن کافرانی که پیش از اینان بودند نیز (مانند اینها) مکرها (برای پامال کردن حق) اندیشیدند لیکن خدا بنای آنها را از پایه ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا از جایی که نمی‌فهمیدند آنها را فرا رسید.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْزِهِمْ وَ يَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ

الْفَرْزَى الْيَوْمَ وَ السَّوَاءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲۷- النمل)

آن گاه روز قیامت هم آنان را خوار و ذلیل خواهد کرد و آن روز خواهد گفت: کجا بندگان من که برای طرفداری آنها خصومت و جنگ به پا می‌کردید؟ (در آن هنگام) اهل علم و دانش اظهار کنند که امروز ذلت و خواری و عذاب به کافران اختصاص دارد.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ

لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳- النمل)

این کافران منکر جز آنکه فرشتگان (غضب خدا) بر سر آنها بیایند (و ترسان و لرزان شوند) یا (به هلاک آنان) حکم خدا در رسد دیگر چه انتظار می‌برند؟ منکران پیشین هم مانند اینان عمل کردند (که همه هلاک شدند) و خدا اصلاً به آنها ستم نکرد بلکه آنها خود به نفس خویش ستم می‌کردند.

• هنگام ظهور پیامبران الهی، شیطان، اعمال دشمنان آنان را در نظرشان، زیبا جلوه دهد:

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهَوَوْا لِذَيْمِهِمُ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳۶-)

(النمل)

به خدا سوگند که ما رسولانی پیش از تو بر امم سابقه فرستادیم (تا مگر سعادت یابند) ولی شیطان اعمال (زشت) آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد، پس امروز (یعنی روز محشر) شیطان یار آنهاست و به عذاب دردناک گرفتار خواهند بود.

• در زمان فرارسیدن وعده الهی، قدرت حق آشکار می شود:

قَالَ هَذَا زَمَانٌ مِّنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي مَعْلَمًا (۹۸- الکهف)

نو القرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) لطف و رحمتی از خدای من است و آن گاه که وعده خدای من فرا رسد (که روز قیامت یا روز ظهور حضرت ولی الله اعظم است) آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند و البته وعده خدای من محقق و راست است.

• زمان قیامت، نامعلوم است؛ گرچه حتمی است:

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُفْئِيهَا لَتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ (۱۵- طه)

و محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و من خواهم که آن ساعت را پنهان دارم تا (مردم آزمایش شوند و) هر نفسی به پاداش اعمالش در (آن روز) برسد.

• چون مردم در دین فرقه فرقه شوند، قیامت فرارسد:

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِغُونَ (۵۳- المؤمنون)

آن گاه مردم (با وجود این سفارش خدا) امر (دین) خود را پاره پاره کردند (و در آیین، فرقه فرقه شدند) و هر گروهی به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند.

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ مَّتَىٰ يَمِيزُ (۵۴- المؤمنون)

پس بگذار که این بی خبران در جهل و غفلت خود به سر برند تا هنگامی معین (که روز مرگ و قیامت باشد).

• خداوند عیسی وعده داده است که پیروان وی را تا روز قیامت، برتری دهد:

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَحْتُ لَكَ مَا تَشَاءُ فِيهَا فَأَمْطَمْطِ الْأَعْيُنَ عَنْ رِئَاسِ آلِ الْكَافِرِينَ فَتَقَدَّمَ يَوْمَئِذٍ الْكَافِرُ وَالْبَاطِلُ أُولَئِكَ يَكُونُ لَهُمْ أَعْيُنٌ مَصْفُوفَةٌ يُرْمَوْنَ فِيهَا فِي يَوْمٍ أُخِذَ الْبُرْجَانُ وَنُقِرَّتْ الْجَنَّتِمْ وَتَفْجَرُ الْوُجُوهُ الْكَافِرَةُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (آل عمران)

(به یاد آر) وقتی که خدا فرمود: ای عیسی، همانا من (روح) تو را قبض نموده و به سوی (آسمان قرب) خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از (معاشرت و آرایش) کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم، آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود، پس (به حق) حکم کنم در آنچه بر سر آن با هم به نزاع بر می‌خاستید.

• زمان قیامت در نزد خداست:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاتُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (الاعراف- ۱۸۷)

(ای رسول ما) از تو احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد که چه وقت فرا خواهد رسید؟ پاسخ ده که علم آن منحصر نزد ربّ و خدای من است، کسی به جز او آن را به هنگامش آشکار نکند، (شان) آن ساعت در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است، نیاید شما را مگر ناگهانی. از تو می‌پرسند گویی تو کاملا بدان آگاهی. بگو: علم آن ساعت محققا نزد خداست، لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

• از شنیدن خبر نباء عظیم، اعراض می‌کنید:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (ص- ۶۷)

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸- ص)

(و دروغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

• ساعت قیامت بی‌هیچ شکلی نخواهد رسید، اما اکثر مردم ایمان نمی‌آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی‌هیچ شک می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند.

• مسیح (ع)، نشانه آگاهی بر روز قیامت است:

وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلَّسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱- الزمر)

و (نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود)، زنهار در آن ساعت شك و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

• روز قیامت که یوم فصل است، وعده‌گاه جمیع خلائق است:

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰- الدفان)

همانا روز قیامت که روز فصل و جدایی (مؤمن و کافر) است وعده‌گاه جمیع خلائق است.

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱- الدفان)

روزی که هیچ حمایت خویش و یار و یاور کسی را از عذاب نرساند و احدی را نصرت نکنند.

إِلَّا مَنْ رَمَى اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲-الدفان)

مگر آن که خدا به او رحم کند، که او تنها بر خلق مقتدر و مهربان است.

• آن گاه که پیرامون کلام الهی نزاع و اختلاف درگیرد، قیامت فرارسد:

وَأَتَيْنَهُمُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷-البائیه)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• چون وعده ظهور الهی فرارسد، کافران نجات نیابد:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵-المزمل)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷-المزمل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءٌ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸-المزمل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• زمان تأویل آیات الهی فرارسد، و مؤمنانی که آیات الهی را فراموش کرده اند، خواهند گفت: آیا کسی به شفاعت ما، بر خواهد

خاست؟

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ فَسَّرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳-)

(الاعراف)

آیا جز این انتظار دارند که تأویل آن (آیات و مآل اعمال آنها هنگام مرگ یا ظهور قیامت) به آنان برسد؟ آن روز که تأویل آن فرا رسد کسانی که آن را پیش از این فراموش کرده بودند خواهند گفت: همانا رسولان پروردگاران حق را برای ما آوردند (کاش مخالفت نمی‌کردیم) آیا کسی به شفاعت ما بر خواهد خاست یا بار دیگر به دنیا باز می‌گردیم تا غیر از این اعمال زشت به اعمال صالحی بپردازیم؟ راستی که آن کافران خود را در زیان سخت افکنده‌اند و آنچه به دروغ می‌بافتند همه نابود شده و از دستشان رفته است.

(۱۱) قیامت و مردم

• آنان که لقاء الله را انکار کنند، هرگز راه نیابند:

و يَوْمَ يَمْشِرُهُمْ كَآنَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ فَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا

مُهْتَدِينَ (۴۵-التوبه)

و روزی که همه خلائق را جمع آرد گویا (در دنیا) ساعتی از روز بیش درنگ نکرده‌اند، (در آن روز) یکدیگر را کاملاً می‌شناسند، آنان که لقاء خدا را انکار کردند بسیار زیان کرده‌اند و هرگز راه نیافته‌اند.

• این وعده الهی است که پیروان حضرت میح، تا قیامت بر کافران، برتری یابند:

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَحْيَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَيَّ وَ مُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ

الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَمِّعْكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَفْتَلِفُونَ (۵۵-آل عمران)

(به یاد آر) وقتی که خدا فرمود: ای عیسی، همانا من (روح) تو را قبض نموده و به سوی (آسمان قرب) خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از (معاشرت و آرایش) کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم، آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود، پس (به حق) حکم کنم در آنچه بر سر آن با هم به نزاع بر می‌خاستید.

• در یوم قیامت، کسانی که خود را به زیان افکنند، ایمان نمی‌آورند:

قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْزِيَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ

الَّذِينَ فَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲- الانعام)



(به مشرکان) بگو که آنچه در آسمانها و زمین است ملك کیست؟ (اگر آنها نگویند) تو باز گو همه ملك خداست که بر خویش رحمت و بخشایش را فرض و لازم کرده، البته شما را در روز قیامت که بی هیچ شك خواهد آمد جمع می‌گرداند، ولی کسانی که خود را به زیان افکندند ایمان نمی‌آورند.

• روزی که حمایت دیگران کسی را نصرت نکنند، مگر خداوند عزیز رحیم:

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱- الدفان)

روزی که هیچ حمایت خویش و یار و یآوری کسی را از عذاب نرهاند و احدی را نصرت نکنند

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲- الدفان)

مگر آن که خدا به او رحم کند، که او تنها بر خلق مقتدر و مهربان است.

• خداوند در روز قیامت، بین آنان که دانسته در آیات بینات اختلاف انگیزند، داوری خواهد کرد:

وَآتَيْنَهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا أَتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷- البائیه)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

(۱۲) فصل الخطاب در روز قیامت

• در روز قیامت، خواری و عذاب، به کافران اختصاص یابد:

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَفِّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْفِزْيَ
الْيَوْمَ وَالسَّوَاءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲۷ - النمل)

آن گاه روز قیامت هم آنان را خوار و ذلیل خواهد کرد و آن روز خواهد گفت: کجا بندگان من که برای طرفداری آنها خصومت و جنگ به پا می‌کردید؟ (در آن هنگام) اهل علم و دانش اظهار کنند که امروز ذلت و خواری و عذاب به کافران اختصاص دارد.

• قوم یهود گفتند: دست خدا بسته است؛ به واسطه این گفتار، دست آنان بسته شد و تا قیامت، آتش عداوت و بغضاء

در میان آنها برافروخته:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ
لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا
أُوقِدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمُبِ الْمُفْسِدِينَ (۶۴ - المائدة)

و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• با هر که از اهل کتاب، که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده اند، قتال کنید:

قَتَلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يَمُرُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْمَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاحِبُونَ (٢٩ - التوبة)

(ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق (و آیین اسلام) نمی‌گروند قتال و کارزار کنید تا آن‌گاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند.

• خداوند در روز قیامت، میان آنها در آنچه اختلاف می‌کنند، حکم می‌کند:

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَ رَفَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا امْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (٩٣ - التوبة)

و محققا ما بنی اسرائیل را (پس از هلاک دشمنان) به مقام صدق (و منزل آسایش) مسکن دادیم و از نعمتهای پاکیزه (در ملک شام و مصر) روزی آنها کردیم، و همیشه بنی اسرائیل (در ایمان به رسول خاتم) اتفاق داشتند تا زمانی که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت آنها آمد آن‌گاه آغاز اختلاف کردند (و رسالت پیغمبر بزرگ را از عناد و لجاج منکر شدند. ای رسول ما) خدای تو روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف می‌کردند حکم خواهد کرد.

• چون فرمان خدا فرارسد، آن روز به حق حکم کند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ فَسِرَ هُنَالِكَ الْمُضِلُّونَ (٧٨ - غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• هرگز باطل به آن راه نیابد، زیرا فرستاده خداوند حکیم و حمید است :

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲ - فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳ - فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• ظهور عیسی (ع)، نشانه ساعت قیامت است؛ زنهارد آن ساعت، شک و ریب روا مدارید :

وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱ - الزمر)

و (نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود)، زنهارد در آن ساعت شك و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

• خداوند در روز قیامت، در اختلاف در مورد آیات الهی، داوری کند :

وَآتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا أَتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِيَنَّهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (۱۷ - البائيه)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• ای کافران، امروز عذرخواهی کنید. تنها به آنچه کرده اید مجازات می شوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷ - التمریه)

(به کافران گویند) ای کافران، امروز عذرخواهی کنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) می کرده اید به آن مجازات می شوید.

فصل ۲ - کلام الهی

- ۱) اهمیت کلام الهی ۱۱۶
- ۲) خصائص کلام الهی ۱۳۰
- ۳) خصیصه کلام الهی قرآن ۱۵۷
- ۴) اهمیت عمل بر طبق کلام الهی ۱۶۶
- ۵) نتیجه تمسک به کلام الهی ۱۷۴
- ۶) چه کسانی با کلام الهی مخالفت می کنند؟ ۱۸۵
- ۷) کلام الهی بر چه کسانی تاثیر نخواهد گذاشت؟ عکس العمل آنان چیست؟ ۲۱۱
- ۸) نحوه مواجهه کفار با کلام الهی و رسول حق ۲۲۸
- ۹) تاثیر کلام الهی بر مؤمنان ۲۵۷
- ۱۰) تاثیر پیامبران الهی و کلام حق بر کافران ۲۷۳
- ۱۱) نتیجه اعراض از پیامبران و کلام الهی ۳۰۳
- ۱۲) انذار به مؤمنین و دشمنان در کلام الهی ۳۲۱
- ۱۳) نقش خرد و عقل در مواجهه یا ایمان به آیات الهی ۳۳۰
- ۱۴) پیروان ادیان با نظم الهی و کلام حق در طول زمان چه می کنند؟ ۳۳۴

(۱) اهمیت کلام الهی

• خداوند، هر چه را خواهد محو کند و هر چه را خواهد اثبات :

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (الرعد-۳۹)

خدا هر چه را خواهد (از احکام یا حوادث عالم) محو و هر چه را خواهد اثبات می‌کند و اصل کتاب (آفرینش) نزد اوست.

• نشانه علم حق است :

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَنْفِرُونَ (۵-المجم)

هیچ قومی از اجل خود (از آنچه در علم حق معین است يك لحظه) پس و پیش نخواهند افتاد.

• وسیله عهد و پیمان الهی است :

• در روز قیامت فصل الخطاب است :

• فصل الخطاب اختلافات قبل است :

وَ مِنْ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ

يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴-المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• جداکننده مؤمنین از کسانی است که عقب‌گرومی‌کنند:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّعَ إِيمَانِكُمْ إِنْ اللَّهُ بِالنَّاسِ لَزَّؤْفٌ (مِيم) (۱۴۳- البقره)

و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند از آنان که عقب‌گرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.

• هر کس جز آنرا برگزیند در روز قیامت از زیانکاران است:

وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآفِرَةِ مِنَ الْمَسْرِينِ (۸۵- آل عمران)

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

• آشکارکننده حقایق برای مؤمنین قبل است:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ

مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵-المائدة)

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری (عظیم) و کتابی آشکار آمد.

• در هر ظهور قوای خلاقه آن در قالب کلام جدید الهی جلوه می‌نماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتِ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنَ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا

مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَافِيئًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۶۸-المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• از سوی خداوند واقف بر اسرار آسمانها و زمین است:

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا (۶-المؤمنون)

بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمانها و زمین آگاه است (و شما از این انکار و کفر و گناه باز گردید که) هم او البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

• احسن تفسیر است:

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا مِنْكَ بِالْمَقِّ وَ أَمْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳- المؤمنون)

و کافران بر تو هیچ مثل (باطل و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم.

• بی بدیل است :

قُلْ فَاتُوا بَكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹- النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

ایمان به آن پاداش نیک دارو :

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونَ بِالْمَسْنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند.

• نشانه اقتدار الهی و تمام ناشدنی است :

وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

مَكِيمٌ (۲۷- لقمان)

و اگر هر درخت روی زمین (در کف نویسندگان عالم) قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خدا (که موجودات بی‌نهایت کتاب آفرینش است) ناتمام بماند، که همانا خدا را اقتدار بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان است.

• نشانه حق و راستی الهی برای هدایت ناس است :

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ الْمَقِيُّ مِنَ رَبِّكَ لِنُذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاتُهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳-)

لقمان

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فریافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• بی‌اجر و مزد بر بندگان نازل شود :

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷- سبا)

باز بگو: آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای شما باشد (یعنی هرگز مزدی از شما نخواسته و نمی‌خواهم. و شاید معنی این باشد که مودت و حبّ ذوی القربی که از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای ثواب و سعادت خود شماست) تنها پاداش (رسالت) من بر خداست و بس، و او بر هر چیز دانا و گواه است.

• مقام نور و آفتاب است :

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (۱۹- فاطر)

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند.

وَلَا الظُّلْمَتُ وَلَا النُّورُ (۲۰- فاطر)

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَلَا الظُّلُّ وَلَا المُرُورُ (۲۱- فاطر)

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

• خداوند هر که را خواهد آماده استماع آن نماید:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَلَا الْأُمُوتَ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲- فاطر)

و ابدان زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• ذکر و بیان روشن الهی است:

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۶۹- فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

• انداز برای زندگان است:

لِيُنذِرَ مَن كَانَ مَيًّا وَ يَمِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آياتش پند دهد و از خدا و قيامت) بترساند و بر كافران (نيز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• نباء عظيم است :

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷- ص)

بگو آن (حكايت كه از قيامت و اهل بهشت و دوزخ براي شما آوردم) خير بزرگ عالم است.

• صدق و حقيقت آن پس از چندي بر منكران عيان خواهد شد :

وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ مِينٍ (۸۸- ص)

و شما منكران بر صدق و حقيقت اين مقال پس از چندي (هنگام مرگ و انتقال به آخرت) به خوبي آگاه مي شويد.

• کلام الهی نيكوترين سخنی است که قلوب را به ذکر الهی رهنمون سازد :

اللَّهُ نَزَلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ (بِهِمْ) ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- الزمر)

خدا قرآن را فرستاد كه بهترين حديث (و نيكوترين سخن آسمانی خدا) است، كتابی كه آياتش همه (در كمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مكرر می شود، كه از تلاوت (آيات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آيات رحمت) باز آرام و سكونت يابند و دلهايشان به ذكر خدا مشغول گردد. اين (كتاب همان) رحمت و (هدايت خداست كه هر كه را خواهد به آن رهبری فرمايد، و هر كس را خدا به گمراهيش واگذارد ديگر هيچ هدايت كننده‌ای نخواهد داشت).

• کلام الهی جز به امر الهی برندگان نازل نشود:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَخُصِيَ بِالْحَقِّ وَفَسِّرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• در آن باطل راه نیاید:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّن مَّكِيْمٍ مَّمِيْدٍ (۴۲- فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

• جز آنچه بر پیامبران پیشین گفته شده بر هیچ رسولی نازل نشود:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ بَكَ لَدُوٌّ مَّخْفِرَةٌ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• بر هر پیامبری همان کلامی وحی شده که بر پیامبران پیشین:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوتِينَا إِيَّاكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنْدِبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را
وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در
دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار
آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و
دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• کلام الهی در سیر ایجاد تفرقه و اختلاف نیست :

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَقَضَىٰ
بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّزِبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته
برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین
(تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند
(مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• پیروی از کلام الهی پایداری می‌طلبد :

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَبِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتَ لِأَعْدِلَ
 بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلِكُمْ لَا مُجْبَهَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵-
 الشوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم
 مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه
 پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت
 و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• آیات خداوند که بر بندگان تلاوت شود روشن‌ترین برهان الهی است :

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ مَدْيْتٍ بَعَدَ اللَّهُ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیة)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان
 می‌آورند؟

• موجب تذکر و بصیرت بجهت بندگان است که روبه سوی خدا آورده اند :

تَبْرِهَةً وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• سلطان مبین است :

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (۳۸- الذاریات)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونینش فرستادیم.

• به گفتار باطل خاموش نشود:

رِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُبِينٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- المصفا)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• ذکر برای عالمیان است:

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲- القلم)

در حالی که این کتاب الهی جز ذکر و پند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست.

• تذکر بهت پرهیزکاران عالم است:

وَ إِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸- الماقه)

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیزکاران عالم است.

• هیچ کس نتواند به دروغ کلامی را به خدا نسبت دهد:

وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (۴۴- الماقه)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست،

لَأْمَدْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵- الماقه)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمنیش می‌گرفتیم

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶- الماقه)

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

• کسانی که به آن ایمان آورند نجات یابند:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵- المزمّل)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود

لَسَّمَاءٌ مِّنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• باعث یقین مؤمنان ادیان دیگر است :

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ
مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱- المذثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• حد فاصل حق و باطل است :

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

• سخن سیهوده نیست :

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

• هر آنکس که به آن ایمان نیاورد، در خسارت و زیان ابدی است :

سورة العَصْرِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِیْ مُسِرًّا (۲)

إِلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام).

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۲) خصائص کلام الهی

• حکیمانه است:

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ مُكْتَمًا عَرَبِيًّا وَ لَنْ اتَّبَعْتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا

وَأَقِ (۳۷- الرعد)

و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم، و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد باز پیرو میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگهداری از (قهر) خدا نخواهی داشت.

• جز به اذن الهی، کسی نمی تواند بیانش نماید:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمُ آيَاتٍ مُّزَيَّنَّةً وَ ذُرِّيَّةً وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ

كِتَابٍ (۳۸- الرعد)

و محققا ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای همه آنان (مانند تو) زنان و فرزندان مقرر نمودیم (یعنی همه رسل بشر بودند، یکی فرشته نبود که از لوازم بشری بی نیاز باشد) و هیچ پیغمبری را نرسد که بی اذن خدا آیت و معجزی آورد، که هر امری را وقتی معین مرقوم است.

• تنها گواه بین پیامبر و مخالفین است:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳- الرعد)

و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی، بگو: تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب (خدا که انبیاء و اولیاء و علماء ربّانیند) کافی خواهد بود.

• در قالب مثل‌های واضح به مردم بیان می‌شود:

تَوْتَىٰ أَكْلَهَا كُلِّ حَيْدٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۖ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (ابراهیم) ۲۵-

و آن درخت پاك و زيبا به اذن خدا همه اوقات ميوه‌های مأكول و خوش دهد (مثل جان پاك با دانش و معرفت و افكار و كردار نيكو در منفعت دائم برای خود و ديگران بدان درخت زيبای پر ثمر ماند). و خدا (این گونه) مثل‌های واضح برای تذکر مردم می‌آورد.

• حقیقت آنچه مردم در آن اختلاف می‌کنند، روشن می‌کند:

• برای مؤمنین، هدایت و رحمت است:

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي افْتَلَفُوا فِيهِ ۖ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (النمل) ۶۴-

و ما این کتاب را بر تو نفرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می‌کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشد.

• برای مؤمنان، تذکر و پند است و برای مسکران، نفرت و شقاوت:

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا ۖ وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (الاسراء) ۱۴۱-

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت حاصلی نمی‌افزاید.

• بی‌شما و تمام ناشدنی است:

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّلْكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي ۚ وَ لَوْ جُمِنَا بِمِثْلِهِ مِدَادًا (الكهف) ۱۰۹-

بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد دریا خشک خواهد شد هر چند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنیم .

• کلام حق است و هرگز به کس، ستم نرساند:

وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۲-المؤمنون)

و ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی او تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است (از لوح محفوظ الهی) که آن کتاب سخن به حق گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد.

• فصل الخطاب است:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَفْتَلِفُونَ (۷۶-النمل)

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل اکثر معارف و احکامی را که در آن اختلاف می‌کنند کاملاً بیان می‌کند (و حکم واقعی تورات را آشکار می‌سازد).

• خلق را هدایت میکند:

قُلْ فَاتَّبِعُوا مَن عِنْدَ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹-النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

• در هر ظهور، مؤید ظهور قبل است:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می‌آورند.

• باعث تذکر است:

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱- النمل)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• خلق را به سوی خدای خواند:

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

• بی‌اتهاست:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَا يَزِيدَنَّ

كَثِيرًا مِّنْهُنَّ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَّبِّكَ طَعْنًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا

لِّلْمَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِينَ (۶۴- المائدة)



و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• آیات و دلایل روشن است:

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (البقره- ۹۹)

و ما (برای اثبات پیغمبری تو) آیات و دلایل روشن به تو فرستادیم، و بجز فاسقان (و اهل عناد) کسی انکار آن نخواهد کرد.

سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُدْكِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ (البقره- ۲۱۱)

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم! هر کس پس از آنکه نعمت و هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبدل کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

• آنان که پرده برکوش و دشمنان است، فهم آن نکرده، به آن ایمان نمی‌آورند:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا إِلَيْهِ لَا يُؤْمِنُوهَا

بِهَا هَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ يَجِدُلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (الانعام- ۲۵)

و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دلهاشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوشه‌های آنها سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله بر آمده، آن کافران گویند: این آیات چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• شبه‌ای در آن نیست:

الْمَقُّ مِنَ الْبَيْتِ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُكْفِرِينَ (البقره- ۱۴۷)

حق همان است که از طرف خدا به سوی تو آمد، پس هیچ شبهه به دل راه مده.

• بر ایمان پیفزاید و شادمان و مسرور کند:

وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيْكُمُ رَادَّتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَمَا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (التوبه- ۱۲۴)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• حلال کننده بعضی از امور حرام گذشته است:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَهْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي كُرِهَ عَلَيْكُمْ وَ مِيتَكُمْ بِنَائِيٍّ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (آل عمران- ۵۰)

و (آمده‌ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• آشکارکننده حقایق از کلام الهی برای مؤمنین قبل است:

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُفْهَمُونَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَ يَعْزِفُ عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَآءَكُمْ مِّنَ

ٱللَّهِ نُورٌ وَ كِتَٰبٌ مُّبِينٌ (۱۵-المائدة)

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری (عظیم) و کتابی آشکار آمد.

• به مؤمنین، در همه زمانها ارزش و اعتبار می‌بخشد و بر طغیان و کفر بسیاری از آنان نیز می‌افزاید:

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا ٱلتَّوْرَٰتَ وَ ٱلْإِنجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ وَ لَا يَزِيدَنَّ كَثِيرًا

مِّنْهُمْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَعْنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ (۶۸-المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• مفاهیم کلام الهی در هر زمان، مؤید یکدیگرند:

• جز به اذن حق، نمی‌توان کلامی را به او نسبت داد:

وَ مَا كَانَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ ٱللَّهِ وَ لَكِن تَصَدِيقَ ٱلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ

ٱلْعٰلَمِينَ (۳۷-التوبه)

و این قرآن نه بدان پایه است که کسی جز به وحی خدا تواند بافت، لیکن سایر کتب آسمانی را تصدیق می‌کند و کتاب الهی را به تفصیل بیان می‌کند که بی‌هیچ شك نازل از جانب خدای عالمیان است.

• علم منکرین، بر آن احاطه ندارد:

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ (التوبه - ۳۹)

بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علمشان به آن احاطه نیاافته و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!

• برخی به آن ایمان آورده و برخی نیز ایمان نمی‌آورند:

وَ مِنْهُمْ مَن يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَن لا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (التوبه - ۴۰)

و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهکاران را بهتر می‌داند.

• فلاح و پیروزی، محض آن خواهد بود:

قَالَ مُوسَى أَقْوَلُونَ لِمَقَّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَ لا يُفْلِحُ السِّمْرُونَ (التوبه - ۷۷)

موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آنکه ساحران را

هرگز فلاح و پیروزی نخواهد بود؟!

• تابع هوای نفس مفسدان نیست:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ

مُغْرَضُونَ (۷۱-المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• علماء ادیان سلف، بر آن آگاهند:

أَوْ لَوْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷-الشعرا)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن

آگاهند؟

• نه اینگونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت آنرا دارند:

وَ مَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (۲۱۰-الشعرا)

و این قرآن را شیاطین فرود نیاوردند (بلکه جبرئیل امین، فرشته خدا نازل ساخته)

وَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱-الشعرا)

نه هرگز این گونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت (بر نزول آن) دارند.

• با آنکه یقین دانند معجزه خداست؛ باز انکار آن کنند:

وَجَمَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (النمل- ۱۱۴)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس

بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• سب تذکر است:

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (النمل- ۵۱)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت

خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• برای آنکه مردم توسط آن هدایت یابند، باید تسلیم امر الهی شوند:

وَمَا أَنْتَ بِهَدِ الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِبَيِّنَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (النمل- ۵۳)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما

ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• به زبان مثل، برای مردم بیان می‌شود:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَنْ جُنَّتْهُمْ بَيِّنَاتٌ لَّيْقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

مُضِلُّونَ (النمل- ۵۸)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی

بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• کلام خدا، بی پایان و ناتمام است:

وَ لَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

مَكِينٌ (۲۷- لقمان)

و اگر هر درخت روی زمین (در کف نویسندگان عالم) قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خدا (که موجودات بی نهایت کتاب آفرینش است) ناتمام بماند، که همانا خدا را اقتدار بی نهایت و حکمت بی پایان است.

• بی مدد و وحی الهی، قابل بیان نیست:

أَمْ يَقُولُونَ اخْتَرَاتُ بَلْ هُوَ الْوَقُّ مِنْ رَبِّكَ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاكَ مِنْ بَدِئِهِمْ لَعَلَّكُمْ يَهْتَدُونَ (۳- لقمان)

بلکه کافران می گویند قرآن را او از پیش خود (بی مدد و وحی خدا) فرابافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• سرفران، بر آن کافر شوند:

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• کافران، آزر سحری آشکار و اندک در عقیده پدرانشان، خلل ایجاد می‌کنند:

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَنْ مَنَاكَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْمَقَلِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبا)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• معاییم کلام الهی در هر زمان مؤید یکدیگرند:

وَ مَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَدْرُسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ (۴۴- سبا)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• هیچ اجر و مزدی، از بندگان نمی‌خواهد:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷- سبا)

باز بگو: آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای شما باشد (یعنی هرگز مزدی از شما نخواست و نمی‌خواهم. و شاید معنی این باشد که مودت و حبّ ذوی القربی که از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای ثواب و سعادت خود شماست) تنها پاداش (رسالت) من بر خداست و بس، و او بر هر چیز دانا و گواه است.

• موجب بصیرت و روشنی است:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (فاطر) ۱۹-

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند.

وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ (فاطر) ۲۰-

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا المَرُوءُ (فاطر) ۲۱-

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

• برای انداز خلق، نازل می شود:

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (فاطر) ۲۳-

تو جز آنکه (خلق را از کیفر اعمال بد) بترسانی به کاری مأمور نیستی.

• مستکبران ارض با آن به مخالفت برخیزند:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السِّيِّ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (فاطر) ۴۳-

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• منکران، پیام آوران کلام الهی را، تهدید به رنج و شکنجه کنند:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لِنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لِيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• ذکر الهی و بیان روشن خداست:

وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْءَانٌ مُّبِينٌ (۶۹- فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

• زنده دلان را آزار دهد:

لِيُنذِرَ مَن كَانَ هَيِّئًا وَ يَمِيقَ الْقَوْلِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آیتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• ذکر عالمیان است:

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۸۷- ص)

این قرآن نیست جز اندرز و پند برای اهل عالم.

• گروهبی، منکر صدق و حقیقت آن می‌شوند:

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸- ص)

و شما منکران بر صدق و حقیقت این مقال پس از چندی (هنگام مرگ و انتقال به آخرت) به خوبی آگاه می‌شوید.

• نیکوترین سخن است و آیه رحمت و خشنی:

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ

إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ هُدًى اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر- ۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه در کمال فصاحت و اعجاز (با هم مشابه است و در آن تنای خدا) و خاصان خدا (مکرر می‌شود، که از تلاوت) آیات قهر (آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و) با آیات رحمت (باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این کتاب همان رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• قابل انکار نیست:

وَ يُدْرِكُهُمْ آيَاتُهُ فَآيَةُ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (غافر- ۸۱)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• کافران به نیت غلبه بر آن، سخنان لغو در آن القامی کنند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• بیچگاه، باطل در آن راه نیابد:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲- فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

• بر هیچ رسولی وحی نمی شود، مگر آنچه بر پیامبران پیشین گفته شده است:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• برای اهل ایمان، هدایت و شفاست:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَاعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا

يُؤْمِنُونَ فِي ءَأَذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• **حقیقت کلام الهی که بر همه رسولان فرود آمده، این است که، دین خدا را برپا دارید و در آن تفرقه‌نیزدازید:**

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَفْرَقُوا فِيهِ كَبَرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳)-

(الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• **متعقین به ادیان قبل، در قبول کلام الهی زمان خود، سخت در شک و ریب بمانند:**

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنَ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

وَ إِنْ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیموندند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• به مردم، مهلت داده می‌شود تا کلام الهی را درک کنند:

بَلْ مَتَّعْتَهُمْ هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ مَتَىٰ جَاءَهُمُ الْمَقْضُ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹- الزمر)

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهرمنند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد.

• در وقت قیامت، راهبر مردم شود:

وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱- الزمر)

(و نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود) ، زنهار در آن ساعت شك و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

• قویترین برهان است:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْضِ فَبِأَيِّ مَدِيثٍ بَعَدَ اللَّهُ وَءَايَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان

می‌آورند؟

• **بندگان را به راه مستقیم، هدایت کند:**

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲- الفتح)

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود) و نعمت خود را بر تو به حد کمال رساند و تو را به راه مستقیم (شرع اسلام به وحی خود) هدایت کند.

• **نصرتی با عزت و کرامت دهد:**

وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (۳- الفتح)

و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری کند.

• **موجب بصیرت و تذکرات است:**

تَبْصِيرَةً وَ ذِكْرًا لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• **بایست کلام الهی یکی است؛ گرچه در سخن اختلاف باشد:**

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُتْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش

خواندید).

• به سوی فرعونیان، باسلطان مبین فرستاده می شود:

وَ فِي مُوسَى إِذِ أَسْلَمَهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (الذاريات) ۳۸-

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونیان فرستادیم.

• فهم آن آسان است:

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّيرٍ (القمر) ۲۲-

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• در دل مؤمنان، رأفت و رحمت ایجاد کند:

• بر بندگان، جز آنکه رضای الهی را طلب کند، نوشته نمی شود:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ بَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (المدید) ۲۷-

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• آنان که به حق گرویده اند به کلام الهی در زمان خود نیز ایمان آورند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ الْكَمَلِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ

وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• نشاء فضل الهی است:

لَنُلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكُتُبِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

الْعَظِيمِ (۲۹- المديد)

تا آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضلی و رحمتی به دست خداست، که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بزرگ و بی‌انتهاست.

• در هر زمان، مصدق این کلام، در قبل و بعد است:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ

يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• نوری است که خاموش شدنی نیست:

رَبُّدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• مؤمنین را مؤید سازد:

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِثِينَ مَنَ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِثُونَ
نَمْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَتَأَمَّنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴-
الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• راهبر مؤمنانی خواهد شد که آن کلام را، عمل نمایند:

مَثَلُ الَّذِينَ مُمَلُّوا التَّوْرَاتِ ثُمَّ لَمْ يَمْلِكُوهَا كَمَثَلِ الْإِمَارِ يَمْلِكُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• ذکر برای عالمیان است:

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲- القلم)

در حالی که این کتاب الهی جز ذکر و بند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست.

• بیان پیامبران است:

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹- الماقه)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰- الماقه)

و آنچه نمی بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است.

• به دروغ نمی توان آن را به خدا نسبت داد:

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقْوَابِ (۴۴- الماقه)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می بست،

لَأْمَدْنَا مِنْهُ بِالْأَيْمِينِ (۴۵-المآه)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می‌گرفتیم

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶-المآه)

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

• چگونه نجات یابند، وقتی در یوم قیامت به آن کافر شوند؟

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷-المزمل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءٌ مُنْقَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸-المزمل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• بر یقین مؤمنان بیفزاید:

• ذکر و هدایت، برای بشر است:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۚ وَلَا يَزَاتَبَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَ مَا يَعْزِمُ مُنُودُ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱-المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غير فرشتگان (عذاب) قرار نداديم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانيديم تا آنکه اهل کتاب هم يقين کنند (که ذکر اين عدد مطابق تورات و انجيل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ايمان آرند) و آن بر يقين مؤمنان هم بيفزايد و ديگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هيچ شك و ريبي نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نيز (به طعنه) گویند که خدا از اين مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بيش و کم) چه منظور داشت؟ بلی اين چنين (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدايت نمايد و هيچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غير او آگاه نيست و اين (آيات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• بعد از تکذيب آن، به کدام حديث می توان ايمان آورد؟

فَبَأَى مَدِيْتٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰-المرسلات)

(اين کافران) پس از آيات خدا (که آن را تکذيب کردند) باز به کدامين حديث ايمان می آورند؟

• به چشم طعن و استزاد مزاح، از سوی بدکاران، نگريسته می شود:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹-المطففين)

همانا (در دنيا) بد کاران بر اهل ايمان می خنديدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَفَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففین)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

• جداکننده حق از باطل است:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند

• آنان که به کلام الهی زمان خود مؤمن می‌شوند؛ در خسران نخواهند بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصُوا بِالْمَقِّ وَ تَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام)

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۳) خصیصه کلام الهی قرآن

• قرآن را شیاطین نیاوردند:

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (۲۱۰-الشعرا)

و این قرآن را شیاطین فرود نیاوردند (بلکه جبرئیل امین، فرشته خدا نازل ساخته).

• اینگونه سخنان از شیاطین شایسته نیست و قدرت آنرا ندارند:

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱-الشعرا)

نه هرگز این گونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت (بر نزول آن) دارند.

• قرآن فصل الخطاب اکثر احکام بنی اسرائیل است:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَفْتَلِفُونَ (۷۶-النمل)

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل اکثر معارف و احکامی را که در آن اختلاف می‌کنند کاملاً بیان می‌کند (و حکم واقعی

تورات را آشکار می‌سازد).

• قرآن کواهِ راستی سائر کتب آسمانی است و هدایت و بشارت برای اهل ایمان:

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷-

البقره)

بگو: هر کس با جبرئیل دشمن است، او به فرمان خدا قرآن را به قلب تو رسانید در حالی که تصدیق سایر کتب آسمانی می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و بشارت است.

• قرآن معجزه‌ای است الهی برای تصدیق سایر کتب آسمانی و نزول احکام جدید:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَمَلٍ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي هُمَّ عَلَيْكُمْ وَ مِنْتَكُمْ بِنَائِهِ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَ أَطِيعُوا (۵۰- آل عمران)

و (آمده‌ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• قرآن مصدق کتاب آسمانی قبل و همچون آنها، جداکننده حق و باطل و هادی مردم است:

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِنَائِتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَاهِ (۱۴- آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد،

برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

• مؤمنین ادیان قبل در صورت قیام به دستورات ظهور جدید ارزش خود را حفظ خواهند کرد:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْاِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنَ الرَّبِّ وَ لِيُزِيدَنَّ كَثِيرًا

مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَعَيْنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكٰفِرِينَ (۶۸-المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• هر آن کس (از مؤمنین قبل و جز آن) که به آن ایمان آورد او را ترس و اندوهی نخواهد بود:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِئُونَ وَ النَّصْرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِمًا فَلَا فَوْفٌ

عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹- المائدة)

البته هر کس از گرویدگان به اسلام و یهودان و ستارمپرستان و نصاری که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود هرگز آنان را ترسی و اندوهی (در عالم آخرت) نخواهد بود.

• آیا آگاهی علماء انبیاء سلف بر کلام الهی قرآن، دلیل روشنی نیست؟

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ أَن يَعْزِمَهُ عُلَمَآءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷- الشعرا)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

• قرآن فصل الخطاب است:

إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (۷۶- النمل)

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل اکثر معارف و احکامی را که در آن اختلاف می‌کنند کاملاً بیان می‌کند (و حکم واقعی

تورات را آشکار می‌سازد)

• حق برای نزول قرآن مزدی نمی‌خواهد:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (سبأ-۴۷)

باز بگو: آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای شما باشد (یعنی هرگز مزدی از شما نخواستیم و نمی‌خواهیم. و شاید معنی این باشد که مودت و حبّ ذوی القربی که از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای ثواب و سعادت خود شماست) تنها پاداش (رسالت) من بر خداست و بس، و او بر هر چیز دانا و گواه است.

• قرآن اندرز و پند برای اهل عالم است:

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (ص-۸۷)

این قرآن نیست جز اندرز و پند برای اهل عالم.

• قرآن رحمت الهی است برای هدایت ناس:

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْسُقُونَ رِيبَهُمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الشورى-۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه در کمال فصاحت و اعجاز (با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و

هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• قرآن کلام حق خداوند حکیم است:

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ مَّكِيمٍ (مَمِيد) (۴۲- فصلت)

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

• قرآن همچون حقایق الهی سلف برای جلوگیری از تفرقه و اختلاف است:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• مردمی که شایسته فهم آن نباشند از آن روی گردان شوند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّبِلٍ (۸-الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید) .

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹-الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• قرآن برای فهم و درک همه مردم نازل شده:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ (۲۲-القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• مؤمنین به ادیان قبل اگر مستقی شوند این کلام الهی را نیز نوری فراراه خود قرار خواهند داد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸-المدید)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• قرآن کلام الهی است:

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (الماعنه-۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (الماعنه-۴۰)

و آنچه نمی بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است.

• قرآن کلام الهی است نه کلام بشری:

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (الماعنه-۴۴)

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می بست،

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (الماعنه-۴۵)

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می گرفتیم.

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (الماعنه-۴۶)

و رگ و تینش را قطع می کردیم.

• ذکر برای متقین است:

وَ إِنَّهُ لَتَذَكِّرُهُ لِّلْمُتَّقِينَ (المآهه- ۴۸)

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پر هیزکاران عالم است.

• قرآن وعده الهی است در روز موعود:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (المزمل- ۱۵)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (المزمل- ۱۷)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لِسَّمَاءٍ مِّنْفَطِرٍ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (المزمل- ۱۸)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• همچون سایر کتب آسمانی مورد طعن و استهزاء و تفریح بدکاران است:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (المطففين- ۲۹)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَمَّزُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• این کتاب را خدایی فرستاده که از اسرار آسمانها و زمین آگاه است:

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً (۶- المؤمنون)

بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمانها و زمین آگاه است (و شما از این انکار و کفر و گناه باز گردید که) هم او البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

(۴) اهمیت عمل بر طبق کلام الهی

• عمل به موجب کلام الهی در هر زمان، باعث ارزش یافتن مؤمنین خواهد شد:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَغْيَنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• مردمی که ترجیح میدهند در طریق پدران خود حرکت کنند و نه در طریق حق، در مسیر حرکت به دوزخ اند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیا بیاید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• طریق حق، حرکت به سوی نور و روشنی است:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (۱۹- فاطر)

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند

وَ لَا الظُّلْمَتُ وَ لَا النُّورُ (۲۰- فاطر)

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا المُرُوءُ (۲۱- فاطر)

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَمِيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲- فاطر)

و ابداء زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• مسیر الهی هرگز تغییر نخواهد کرد، بهمان که مؤمنان و مسکوران در هر ظهور، رفتارشان تبدیل نخواهد شد:

اسْتَحْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السِّيِّ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• چون فرمان خدا فرارسد، کافران زیان کار شوند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِنَائِي إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَفَسِّرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• آنان که دین الهی را در هر زمان برپا می‌دارند، در مسیر حق حرکت می‌کنند:

شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبَرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• حرکت در سبیل الهی، راه تفرقه و اختلاف نبوده و مؤمنین حقیقی در هر ظهور، چون وارث کلام الهی در زمان خود شوند، با ایمان و یقین به کلام الهی، در مسیر حق به حرکت خود ادامه دهند:

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ

بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• پایداری مؤمنین در مسیر حرکت الهی، دوری از هوای نفس است و عمل، مطابق خواست حق، حجت الهی:

فَلِذَلِكَ فَادُعُ ۖ وَ اسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ ۖ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۖ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ

بَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ رُبُّنَا ۖ وَ رَبُّكُمْ ۗ لَنَا أَعْمَلْنَا ۖ وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ ۖ لَا مُجَهَّةَ بَيْنَنَا ۖ وَ بَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵-)

(الشوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• ظهور تمامی پیامبران الهی، به جهت کسب رضای حق است و پاداش و اجر، در مسیر حرکت، برخلاف فق و

تباہکاری:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ ءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ هُبَانِيَةً اِتَّبَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا اِتِّعَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقًّا رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷-المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• هدف از ظهور پیامبران الهی، هدایت مردم در مسیر حق است :

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• ایمان به کلام الهی، نوری عطا کند که به مدد آن، راه حق را ادامه دهیم :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸-المدید)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی

مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• عدم ایمان مؤمنین ادیان سلف به پیامبر الهی در زمان خود، محرومیت از دسترسی به رحمت و فضل الهی است :

لَوْلَا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹- المديد)

تا آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضلی و رحمتی به دست خداست، که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بزرگ و بی‌انتهاست.

• عمل به موجب تعالیم الهیه، موفقیت با بی‌نصب مؤمنان می‌کند که قابل تصور نیست :

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ

مَنْعَتُهُمْ مُصُونَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ مَّيْتٍ لَّمْ يَتَسَبَّبُوا وَ كَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ يَخْرُبُونَ بُيُوتَهُمْ

بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی‌نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌پردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

• ایمان بدون عمل، موجب مواخذه الهی است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲- الصف)

الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟

• خداوند تکذیب‌کنندگان کلام الهی را، رهبری نخواهد کرد:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَلُّوا التَّوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْمِمَارِ يَمْشِي الْأَسْفَارَا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• پیامبران الهی، شاهد اعمال مؤمنین در مسیر نجات خود هستند، آنگاه که وعده الهی بر وقوع پیوندد:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵- المزمّل)

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• جز کسانی که ایمان آورده و در سیر نیکوکاری قدم بردارند؛ بقیه در ضرر و زیان هستند:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِيٰٓ خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالنَّمَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام).

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۵) نتیجه تمسک به کلام الهی

• امیدواری به لطف الهی:

قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ (مَمَّةٍ رَبِّهِ) إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• آموزش گناهان و ورود به بهشت:

و لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّيْتُمْوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْفِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲- المائدة)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

• ایمان به کلام حق تمامی پیامبران الهی:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می‌آورند.

• تکرار:

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱- النمل)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• صبر و استقامت:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَّوْنُ بِالْمَسِنَّةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند.

• اعراض از سخنان لغو:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِ الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

• عدم نصرت و یاری کافران:

وَ مَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْفَىٰ إِلَيْكَ الْكُتُبُ إِلَّا رَمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ (۸۶- النمل)

و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن.

• دعوت خلق به سوی پروردگار و دوری از مشرکان:

وَ لَا يَصِدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَى بَيْتِكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

• به آشکار تبلیغ کلام الهی کنند:

وَ إِنْ تَكْذَبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- النمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجیبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست.

• به علت ایمان به کلام الهی به همه کتب آسمانی قبل ایمان آورند:

وَ لَا تَجِدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَمْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ

إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مَدَّ وَ نَمُنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶- النمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• پیروی همیشگی از طریق الهی:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ مَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (النمل - ۳۰)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• تسلیم امر الهی شدن:

وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (النمل - ۵۳)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• کلام الهی در هر زمان مویذ کتب آسمانی در ادوار سابق است:

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَذُرُّسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ (سبا - ۴۴)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• برای مؤمنان انذار است:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّتًا وَ يَمِيقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• خشیته الهی:

• قلوب به ذکر الهی رهبری می شود:

اللَّهُ نَزَلَ آمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ (بِهِمْ) ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و انکار دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می فرستادیم کافران می گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می شود؟! (اکنون که بدون عذر

ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• تفرقه و اختلاف در آیین نروان نینند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْمِنَّا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• در یوم قیامت، بی‌پیش‌شک و ریبی از آنان پیروی کنند:

وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱- الزمرف)

و (نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود)، زنهار در آن ساعت شك و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

• قلم عضو بر کنایان او کشیده شود و نعمت حق بر او تمام شود:

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲- الفتح)

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود) و نعمت خود را بر تو به حد کمال رساند و تو را به راه مستقیم (شرع اسلام به وحی خود) هدایت کند.

• از سوی خداوند نصرتی با عزت یابد:

وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا (۳- الفتح)

و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری کند.

• موجب بصیرت و تدکرات است:

تَبْصِيرَةً وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• در قلوبشان رافت و رحمت ایجاد شود:

• رضای الهی طلبند:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رُفَاهٌ وَ رَحْمَةً وَ زَهَابِنَاهُ مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا الْإِتِّخَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسَقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• در سر روشن الهی قرار گیرند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• مشاهده نصرت الهی کنند:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ مُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَآتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مِثْلِ لَمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند

بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

• هدایت:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْمَقْصِدِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹- المصف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• تایید الهی شایسته حاشان شود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِيثَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِيثُ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا مَن كَفَرَ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴- المصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• تذکر:

وَ إِنَّهُ لَتَذَكَّرُهُ لِلْمُتَّقِينَ (۴۸- الماقه)

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیزکاران عالم است.

• صبر و شکیبایی در مقابل گفته‌های معاندین:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْبِزْهُمْ هَبْرًا جَمِيلًا (۱۰- المزمّل)

و بر طعن و پاهمگویی کافران و مکتدبان صبور و شکیبیا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

• افزایش یقین مؤمنان:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَحْلُمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• عمل صالح و سفارش یکدیگر به حق و پایداری در دین:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي ضَلٰلٍ (۲)

إِلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ وَ تَوَّصَّوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۶) چه کسانی با کلام الهی مخالفت می کنند؟

• مردم گمراه:

قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ قَوْمٍ (بِئْسَ إِلَّا الضَّالُّونَ) (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می شود؟

• گمراهان:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المومنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• اکثر مردم، از حق، روی گردان و متفرند:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰- المومنون)

یا آنکه می گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متفرند.

• بدکاران است:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا (۳۱- المومنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• اکثر کسانی که تفکر و تعقل ندارند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَحْفَلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المومنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه نادان تر و) گمراهنترند.

• مؤمنان به دین قبل، که معجزه رسول الهی را، چون معجزه پیامبر خود نمی دانند و آنرا، کوچک می شمارند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَ قَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم؟

• کسانی که راه هدایت خدا را راه کرده و از هوای نفس خود، پیروی می کنند:

فَإِنْ لَمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتٍ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• آنان که تابع کیش پدران خود باشند، هرگز به حق و راستی، راه نیافته باشند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰- البقره)

و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

• آنان که گویند خداوند از ما ایمان گرفته به بیچ یا مسبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه معجزه ای آورد:

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا آلا نؤمنَ لِرَسُولٍ مَتَى يَأْتِينَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳- آل عمران)

انان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می گویند چرا آن پیامبران را کشتید؟!

• پیروان ادیان قبل، زیرا حقایق و احکام بسیاری از آنچه در کتب مقدسه پنهان می کنند، بیان می شود:

يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْضُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵- المائده)

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری (عظیم) و کتابی آشکار آمد.

• کسانی که میثاق الهی را، فراموش می‌کنند:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَمَلًا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۴- المائده)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• اهل کتاب، که بر کفر و سرکشی خود، خواهند افزود:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۶۸- المائده)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• فاسقان، که کلام الهی را انکار کنند:

وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹- البقره)

و ما (برای اثبات پیغمبری تو) آیات و دلایل روشن به تو فرستادیم، و بجز فاسقان (و اهل عناد) کسی انکار آن نخواهد کرد.

• کسانی که معتقدند، بر پیامبر آیه و معجزه ای از جانب خدا نیامده است:

و يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِّنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۲۰) - التوبه

و گویند: چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدایش نیامد (که قهرا مردم مطیع شوند)؟ پاسخ ده که دانای غیب خداست و بس، اینک شما منتظر (عذاب خدا) باشید من هم با شما منتظر (نصرت او) می باشم.

• کسانی که کلام الهی را درک نمی کنند؛ زیرا نمی اندیشند:

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بُحْمٌ عُمْىُ فَهُمْ لَا يَحْقِلُونَ (۱۷۱) - البقره

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی کنند.

• کسانی که کلام الهی را درک نمی کنند و در مقام مجادله برمی آیند:

وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كَلَّآءً لَا

يُؤْمِنُوا بِهَا مَتَى إِذَا بَاءُوكَ يُجِدِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵) - الانعام)

و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دلهاشان نهاده ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوشهای آنها سنگینی نهاده ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله بر آمده، آن کافران گویند: این آیات چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.

• مردم منافق، تا خلق را همراه سازند و کلام خدا را به استهزاء گیرند:

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا

فِي مَدِيئَةٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (النسا - ۱۴۰)

و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزا کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست مکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.

• ستمکاران، که بر خدا دروغ می بنند و آیات او را تکذیب می کنند:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظالمونَ (۲۱- الانعام)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد بود.

• مؤمنین ادیان قبل، که لباس باطل برحق می پوشانند:

يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْمَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْمَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می دارید در صورتی که (به حقانیت آن) آگاهی؟!!

• افرادی که پاست خیالات خام و یهوده خویشد، و کتاب الهی را جز آمال باطل خود پندارند:

و مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَ إِن هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۷۸- البقره)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ
أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹- البقره)

و بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و بیهوده
خویشند.

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای بر آنها
از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

• افرادی که اوامر حق را، برخلاف نفس و هوای خود می بینند:

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرِّسْلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَدْنَاهُ رُوحَ الْقُدُسِ
أَفَكَلَّمَا بِمَا كُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن،
حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس
شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

• کسانی که با افسانه‌های شبانه خود در مقابل حق، استکبار می‌ورزند:

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سِمِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷- المومنون)

در حالتی که به هذیان و افسانه‌های شبانه خود (از شنیدن کلام خدا) تکبر و دوری می‌کردید.

• آنان که می‌نذارند پیامبر الهی، نباید چون بقیه انسانها زندگی کند:

وَقَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمَشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-)

(المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

• کسانی که گویند چرا پیامبر الهی، باغ پر میوه و مالی بی حد ندارد؟

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا جُمْلًا مَسْمُورًا (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

• گمراهانی که برای پیامبر الهی، داستان‌ها و مثلها می‌سازند:

انظروا كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• دشمنانی از جنس بدکاران است، در هر ظهور:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَ نَصِيرًا (۳۱- المؤمنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امّتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• آنان که حق را در کلام، به تمسخر گیرند:

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّفِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۱۴۱- المومنون)

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

• کسانی که هوای نفسشان، بر آنها حاکم است:

أ رَأَيْتَ مَنِ اتَّمَدَ إِلَهُهُ هَوَاتُ أ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۱۴۳- المومنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟

• مفسدین، که با علم به معجزه حق، در مقابل آن می ایستند:

وَ بَمَدُّوْا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• آنان که گویند: این گفتار و دعوی را از پدرانمان شنیده ایم:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده ایم.

• مردمی که تنها سیر و هوای نفسند، تقاضای پیامبر الهی را، اجابت نخواهند کرد:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتٍ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• مردم نادان:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلِكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی طلبیم.

• کافرانی که میگویند شما مردم را به باطل و اوهام، می خوانید:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَ لَئِنْ جِئْتَهُمْ بِبَيِّنَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا

مُتَّبِعُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می خوانید.

• ثروت‌مندان عیاش سرزمین ظهور:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروت‌مندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• مردمی که گویند یا مبر الهی مردی است که میخواید شمارا از آنچه پدرانتان می پرستیدند بازدارد:

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ ۚ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُّفْتَرَى ۚ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبأ)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• کفار، که در زمان همه فرستادگان حق، با کلام الهی مخالفت می کنند:

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَغُوا مِحْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا (سُورَةُ الْاَنْعَامِ - ۴۵ - سبَا)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می رسند)

• مردمی که وقتی آرمانهایشان به ثمر نشست، جز بر مخالفت و نفرتشان نیفزود:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا رَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (فَاطِر - ۴۲)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می کردند که اگر بیم کننده ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم کننده ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• مستکبران و گردنکشان:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (فَاطِر - ۴۳)

بدین جهت که می خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• کسانی که معتقدند پیامبر نیز، چون دیگر مردم است؛ و مقامی ویژه ندارد و هر چه جز آن، دروغ است:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (فاطر) ۱۵-

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• مخالفان کلمه توحید:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (الصافات) ۳۵-

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می شد (از قبول آن) سرکشی می کردند.

• مدعیانی که گویند آیا بنحاطر شاعر دیوانه ای، دست از خدایان خود برداریم؟

وَيَقُولُونَ أَأَنْتَ لَتَأْتِكُوا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مِثْنُونٍ (الصافات) ۳۶-

و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• اقوام مختلف سرزمین ظهور، در هر زمان:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ قَوْمُ عَادٍ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (ص) ۱۲-

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران

خدا) کردند.

• کسانی که وعده های خدا را به سخریه کسیند:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَمَسِّرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّافِرِينَ (۵۶- الزمر)

تا مبدا کسی فریاد و احسرتا بر آرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده های خدا را مسخره و استهزا نمودم.

• مردم اقوام کوناگون، در زمان ظهور که با جدل و گفتار باطل، کوشیده اند فرستاده الهی را دستگیر، و برهان حق را پامال کنند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا

بِهِ الْمَقْضَى فَآمَدْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پامال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• افرادی که پیامبران الهی را دروغگویی خوانند:

إِلَى فِرْعَوْنَ وَ هَمَّنَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَمِزُ كَذَّابٌ (۲۱۴- غافر)

به سوی فرعون و هامان و قارون، آنها گفتند: او ساحر بسیار دروغگویی است.

• مردمی که جز تکبر و نخوت چیزی در دل ندارند؛ و بی هیچ حجت و برهان، راه انکار و جدل می پیمایند:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَغْيًا سَلَطْنِ أَلَاتُهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَلِيغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• اکثریت مردم، که در زمان قیامت، ایمان نمی آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البتّه ساعت قیامت بی‌هیچ شك می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند.

• کسانی که به دنبال عذر و بهانه اند:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فَصَّلَتْ آيَاتُهُ ءَ اعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۱۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌پایان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• مؤمنین به ادیان قبل، که اینک وارث کتب آسمانی شده اند:



وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِغَيِّهَا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ

بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• دنیا دارانی که خواهان پیروی از عقاید پدران خویشند:

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزمرف)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• مردمانی که بی هیچ دلیل و منطقی، به رسالت پیامبران کافر می شوند:

قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزمرف)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده اند کافریم.

• مردمانی که معتقدند کلام الهی باید بر بزرگان قوم، نازل شود:

وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ (الزفر ۳۱)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروة بن مسعود) نازل نشد؟

• کران و کورانی که دانسته به سمت کمرای میروند:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَ مَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر ۴۰)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می رود هدایت توانی کرد؟

• کسانی که کلام الهی را به سخریه گیرند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِنَايَتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْمَكُونَ (الزفر ۴۷)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• مردمی که منظر معجزات ظاهری فوق بشری از طرف فرستاده الهی اند:

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (الزفر ۵۳)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه

او نیامده اند.

• مردمی که حتی روشن ترین برهان حق را نمی پذیرند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْصَدِ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• مردمی که در هنگام تلاوت کلام الهی، بر تکبر و طغیان اصرار می‌ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• کسانی که آنچه از آیات الهی میدانند، به سخره کسیند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّفَعَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• آنان که کلام الهی را، سحر آشکار می‌دانند:

وَ إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• بزرگان قوم، که ایمان مردم عادی را دلیلی بر بطلان امر الهی می‌دانند:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بتپرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• مردمی از اقوام سرزمین های کوناگون، در هر زمان:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَعَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمُورٍ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ تُبَّعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• افرادی که در اختلاف سخن بازمی مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مَّفْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش

خواندید) .

• مردم بی فکری که اسیر قته دیگران می شوند:

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• حاکمان ملک و صاحبان قدرت:

فَقَوْلِي بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونُ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• مردمی در هر زمان، که پیامبر الهی را ساحر و دیوانه می خوانند:

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن (رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او

ساحر یا دیوانه است.

• نفوسی که کلام الهی را سخنان خود یا مبران می دانند که آنرا به خدا نسبت می دهند:

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳- الطور)

بلکه می گویند: او قرآن را از پیش خود فرا گرفته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی آورند.

• کسانی که معتقدند شایسته نیست از نفوس چون خود، پیروی کنیم:

فَقَالُوا أَمْ بَشَرًا مِّثْلًا وَمِمَّا تَتَّبِعُهُ إِنَّآ إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعِيرٌ (القمر) - ۲۴

و گفتند: آیا سزد که ما يك بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده ایم.

• معترضانی که گویند چرا وحی فقط بر اومی رسد؟

أَلَمْ نَقِ الدَّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (القمر) - ۲۵

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی باک و خودپسندی است

• صاحبان قدرت:

وَ لَقَدْ جَاءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (القمر) - ۴۱

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ (القمر) - ۴۲

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مؤاخذه کردیم.

• بسیاری از مردم، که به فسق و بدکاری روی می آورند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُومًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶) -

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• مشرکان دهر ظهور، که غلبه امر الهی را بر نمی تابند:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْمَقْصِدِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹- الصّاف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• مردمی که خود را، گروه برگزیده خدای دانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ أَن تَكُونُوا مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶- الصّاف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گویید.

• مؤمنین به ادیان قبل، که کلام الهی را وسیله ارضای هوای نفس خود می دانند:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• گروهی کثیر از مردم، که سخن حق را شعر و افسانه می دانند:

وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (۴۱- الماقه)

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گر چه) اندکی از شما مردم به آن ایمان می آورید..

• مردمی که در دلهاشان مرض است و بشارات تایید کننده کتب مقدسه سابق را، نادیده می گیرند:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• افرادی که حتی باروشن ترین و قوی ترین دلایل نیز، ایمان نمی آورند:

فَبِأَيِّ هَدِيثٍ بَعَدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰- المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می آورند؟

• افرادی که به روز داوری، ایمان حقیقی ندارند:

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷- النبأ)

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸- النبأ)

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

• قدرتمندانی که معجزات الهی را نادیده می گیرند و آنرا اساطیر اولین شمرند:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

إِذَا تُلِي عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳- المطففين)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• بدکارانی که مؤمنین را مسخره کنند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می خندیدند.

• بدکارانی که مؤمنان را به چشم طعن و استهزا می نگرند و آنها را همراهی خوانند:

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می گذشتند به چشم طعن و استهزا می نگریدند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می دیدند می گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• مردمی که در گروه بگمانان خود، مؤمنان و آدیشان را به سخریه می گیرند:

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح

می کردند.

• کسانی که کلام الهی را، سخن یهوده می پندارند و مکر و حیلہ بخارمی گیرند:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می کنند.

(۷) کلام الهی بر چه کسانی تاثیر نخواهد گذاشت؟ عکس العمل آنان چیست؟

• کسانی که بدرگاه الهی انابه نکنند گمراه شوند:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَاتُهُ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (۲۷-)

(یوسف)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• کسانی که راه هدایت الهی را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کنند:

فَإِنْ لَمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاتٍ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنْ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراخته از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• آن کس که هوای نفس را خدای خود ساخته:

أَءَنتَ مَنِ اتَّمَدَّ إِلَهُهُ هَوَاتٍ أَمْ فَآنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۱۴۳- النمل)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی

شد؟

• افرادی که بر دلهايشان پرده نهاده اند چون به سخن الهی گوش کنند فهم آن نتوانند کرد لذا در مقام مجادله برآیند:

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ مَعَلَّنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كَلَّاءِيَةً لَا يُؤْمِنُوهَا
بِهَا مَتَى إِذَا جَاءُوكَ يَمْدِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵- الانعام)

و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دلهايشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوشهای آنها سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله بر آمده، آن کافران گویند: این آیات چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• آنان کویند این سوره بر ایمان که امیک از شما افزود؟

وَ إِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَيْتُكُمْ رَأَدَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴- التوبه)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• آنان که به افسانه‌های شبانه خود از حق دوری می‌گزینند:

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷- المومنون)

در حالتی که به هذیان و افسانه‌های شبانه خود (از شنیدن کلام خدا) تکبر و دوری می‌کردید.

• اهل اعراض و تبعیت کنندگان از هوای نفس:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ

مُعْرِضُونَ (۷۱-المومنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• آن کس که هوای نفسش را خدای خود ساخته:

أَيَّيَّتْ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاتُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳- المومنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی

شد؟

• اکثر کافران اهل تعقل نیستند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَحْفَلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المومنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه

(نادان تر و) گمراهن ترند.

• مردم فاسد:

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• مردم نادان:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

• مردم کوردلی که در ضلالت بسر می‌برند:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• چون آیات الهی تلاوت شود آن چنان استکبار ورزند که کوبی بیچ از آن آیات نشنیده‌اند:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَ لَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنیده، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• مترفان:

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (سبا-۳۴)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• منظران ظهور که چون رسول حق آمد جز بر مخالفان نیفزود:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِمْدَىٰ الْأُمَىٰ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ

إِلَّا نُفُورًا (۴۲-فاطر)

و (مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• آنان که استکبار و رزند و مکر در اعمال بداندیشند:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السِّيِّ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن

تَمِدَّ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَمِدَّ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳-فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• کسانی که جایگاه رسول حق را درک نکرده و ایشان را همسان خود پندارند یا مبران را به دروغ گویی متهم می‌کنند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْتُمْ إِلا تَكْذِبُونَ (فاطر-۱۵)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• مردمی که پیامبران الهی را به فال بد گرفته و تمام نیروی خود را برای آزار و شکنجه آنان به کار می‌گیرند:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرِنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لِنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (فاطر-۱۸)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• آشنایی که در مقابل کلمه توحید استکبار می‌ورزند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسْتَكْبِرُونَ (المصافات-۳۵)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• کسانی که حق به کمر ایشان و گذارده دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهند داشت:

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْكِتَابِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْسُقُونَ (بِهِمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر-۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و)

هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• بزرگان و سران قوم که پیامبر الهی را دروغگو خوانند:

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَمَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَمِرُ كَذَّابٌ (۲۴- غافر)

به سوی فرعون و هامان و قارون، آنها گفتند: او ساحر بسیار دروغگویی است.

• آنان که جز تکبر و نخوت چیزی در دل نداشتند و راه انکار و جدل پیمایند:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَخِيرِ سُلْطَنٍ آتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَلِيغِيهِ فَاسْتَعِذُوا بِاللَّهِ

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• اکثر ناس که در یوم قیامت ایمان نمی‌آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی هیچ شك می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند.

• آنان که برای تعدی و ظلم راه تفرقه و اختلاف در دین را پیش می‌گیرند:

• وارثان کتب آسمانی سابق که سخت در شک و ریب بمانند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ

بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (الشوری- ۱۴)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیبمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• مترفان دیار که خود را سیروان عقاید در نشان می‌دانند:

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ

ءَأْتَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ (الزفر- ۲۳)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• آنان که به آنچه جز عقاید در نشان است کافر شوند:

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزفر- ۲۴)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدران شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• کسانی که معتقدند کلام الهی باید بر بزرگان قوم نازل شوند:

وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (الزفر ۳۱)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروة بن مسعود) نازل نشد؟

• آنان که دانسته به کراهی می روند:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر ۴۰)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می رود هدایت توانی کرد؟

• صاحبان قدرت و مکت که پیامبر الهی را مضحکه کنند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزفر ۴۶)

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها گفت: من رسول رب العالمینم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْمَكُونَ (الزفر ۴۷)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• متسببن به ادیان سلف که نشانه های قدرت حق را تکذیب می کنند:

وَ مَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا وَ أَهْذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الزفر ۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلايا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• کسانی که فرستاده الهی را در اسی تخت و بارگاه ظاهری می‌خوانند:

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أَسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳- الزمر)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

• کسانی که آیات روشن حق را که بزرگترین برهان است نمی‌پذیرند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ مَدِيثٍ بَعَدَ اللَّهُ وَءَايَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• آنان که آیات الهی را چون تلاوت می‌شود می‌شوند و باز استکبار می‌ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• کسانی که چون از آیات الهی چیزی بدانند آزار به مسخره می‌گیرند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّمَدَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• آنان که نمی‌پذیرند مردم عادی در ایمان به کلام الهی بر آنها سبقت گیرند و لذا آنرا دروغ می‌شمارند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• آنان که کلام الهی را گوش می‌کنند تا آنرا تزییف نمایند:

وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَتَىٰ إِذَا فَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَا ذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْمُوهُمْ (۱۶- محمد)

و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملاً گوش می‌دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می‌گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟! اینان هستند که خدا بر دل‌هایشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

• منکرانی که نمی‌پذیرند و به سگفت می‌آیند که رسولی از خودشان آنها را اندازد:

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُّتَذِّرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲- ق)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار

(نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است

• کافرانی که در عظمت حق مضطرب و سرگردان مانده او را تکذیب کنند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی

مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• مردمی از همه اقوام و ادیان در طول تاریخ:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمْلُؤُتُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّبِ الرُّسُلِ فَمَقَّ وَعِيدِ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم ثبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و

واجب گردید.

• آنان که حقیقت کلام الهی را درک نکرده دیگران را هم روی گردان کنند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مَّفْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• مغروران به ملک و قدرت که پیامبران الهی را دیوانه خوانند:

فَتَوَلَّىٰ بَرَكْنِهِ وَقَالَ سَمِيرُ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• بسیاری از مردم در زمان همه رسولان الهی در طول تاریخ:

كَذَلِكَ مَا آتَىٰ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَامِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او

ساحر یا دیوانه است.

• مردم سرکش و نافرمان که کلام الهی را باور ندارند:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمَهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲- الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳- الطور)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

• کسانی که پیروی از شخصی چون خود را شایسته ندانسته و او را دروغ می‌خوانند:

فَقَالُوا أَوْ بَشِرًا مِنَّا وَهِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعِيرٍ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در

افتاده‌ایم.

أَلَمْ لَقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• بسیاری از مردمان فاسق:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-

المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانمان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• کسانی که آیات الهی را اساطیر اولین شمرند:

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• مردمی که حق به عدم ایمان آنان واقف است:

وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ (۱۴۹- الماقه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

• آنهایی که در دلباشان مرض است:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به

اسلام هیچ شك و ريبي نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• حاکمان قوم:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• کسانی که ظلمت ظلم بر دل‌های تیره‌شان غلبه کرده است:

كَلَّا بَلْ أُنِجُوا عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴- المطففين)

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاری‌هایشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کنند).

• آنانکه مؤمنین را به سخره گرفته و باطن و استنرابه آنان می‌نگرند و در جمع‌های خود گفتار حق را مایه تفریح قرار می‌دهند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰-المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱-المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲-المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• کید و مکر کنندگان:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵-الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند

۸) نحوه مواجهه کفار با کلام الهی و رسول حق

• به تو ایمان نمی آوریم مگر به انجام عملی خارق العاده:

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (۹۰- الاسراء)

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد تا آنکه از زمین برای ما (به اعجاز) چشمه آبی بیرون آری

أَوْ تَكُونَ لَكَ مِئَةٌ مِّنْ نَّفِيلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ فَلَهَا تَفْمِيرًا (۹۱- الاسراء)

یا آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد که در میان آن باغ نهرهای آب جاری گردانی.

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتُمْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِلَهُةٍ وَ أَمْلَأَكُمُ قَبِيلًا (۹۲- الاسراء)

یا آنکه بنا بر پندار و دعوی خودت پاره‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آری.

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ تُرَابٍ أَوْ تَرَقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُفُوقِكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُهُ قُلْ سُبْحَانَ

(بِی هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَ سَوَالٍ) (۹۳- الاسراء)

یا آنکه خانه‌ای از زر (و کاخی زرنگار) دارا باشی یا آنکه بر آسمان بالا روی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتنت نیاوریم تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم. بگو: خدای من منزّه است (از آنکه من، او یا فرشتگان او را حاضر سازم) آیا من فرد بشری بیشترم که (از جانب خدا) به رسالت آمده‌ام؟

• با سخنان یهوده، جدل می‌کنند:

• آیات الهی را به استهزاء می‌گیرند:

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يَجِدُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَطْلِ لِيُذَمِّصُوا بِهِ الْمَقَّ وَ اتَفَدُوا آيَاتِي وَ

مَا أَنْذَرُوا هُؤُلَا (۵۶- الكهف)

و ما رسولان را جز برای بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نمی‌فرستیم و کافران با سخنان بیهوده باطل می‌خواهند جدل کرده و حق را پایمال کنند، و آیات مرا و آنچه برای تنبیه و اندازشان آمد به استهزاء گرفتند.

• کلام الهی را سحر مبین گویند:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳- النمل)

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارئه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

• از کبر و نخوت و ستمگری، انکار آن‌کنند:

وَ جَمَعُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• از حق، معجزات خارق العاده طلبند، گرچه به آن ایمان نمی‌آورند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أُوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّالِي (النمل - ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• تکذیب کنندگان در هر زمان، چون یکدیگر رفتار می‌کنند:

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (النمل - ۱۸)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجیبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست

• خود را پیرو کیش پدران خود دانند، گرچه پدران آنها بی عقل و نادان بوده، هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَفْقَيْنَا عَلَيْهِ ءِآبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءِآبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ

لَا يَهْتَدُونَ (البقره - ۱۷۰)

و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گرچه آن پدران بی‌عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

• نعمت های الهی را به کفر تبدیل کنند:

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا ءَاتَيْنَهُمْ مِّنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ (البقره - ۲۱۱)

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم! هر کس پس از آنکه نعمت و هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبتل کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

• حق را باس باطل پوشانند:

• حق را کتمان کنند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می‌دارید در صورتی که (به حقیقت آن) آگاهید؟!

• در هر ظهور، همه گونه معجزه طلب کنند، گرچه پیامبران پیشین را نیز به قتل رسانند:

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ بَاءَ كُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳- آل عمران)

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟!

• چون آیات الهی را بشوند، به آن کافر شده و آن را استهزاء کنند:

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْنَا فِي الْحَقِّ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْبُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَمْضُوا فِي مَدْيَتِ غَيْرِهِ إِنْ كُمْ إِذَا مَثَلُهُمْ إِنْ اللَّهُ جَامِعُ الْمُتَفَقِّهِينَ وَ الْكٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ (۱۴۰- النسا)

و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزا کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست مکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.

• کلام الهی را تزییف کنند و آنرا اساطیر اولین شمرند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (الانفال-۳۱)

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند: شنیدیم، اگر ما هم می‌خواستیم مانند آن می‌گفتیم، این چیزی جز افسانه پیشینیان نیست.

• مؤمنان را کوبند: این آیات بر ایمان کدامیک از شما افزود؟

وَ إِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ

يَسْتَبْشِرُونَ (التوبه-۱۲۴)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• کوبند چرا معجزه و آیتی از جانب خدایش نیامد:

وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (التوبه-۲۰)

و گویند: چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدایش نیامد (که قهرا مردم مطیع شوند)؟ پاسخ ده که دانای غیب خداست و بس، اینک شما منتظر (عذاب خدا) باشید من هم با شما منتظر (نصرت او) می‌باشم.

• رسول الله را محنون خوانند:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ مِثْنٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْمَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْمَقِّ كَرِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند

• حق را تابع هوای نفس خود خوانند:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ

مُغْرَضُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند

• در هر زمان، چون یکدیگر سخن گویند:

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱- المؤمنون)

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

• این کلام چیزی نیست جز دروغ رسول، و کجک دیگران:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاتُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آفَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۱۴- المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

• کلام الهی را، حکایت های گذشته‌گان دانند که پیامبر از آنان نسخه برداری می‌کند:

وَ قَالُوا أَأَسْطِيرُ الْأُولَئِينَ أَكْتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَمِئلاً (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• اگر او رسول الهی است، چرا همچون مازندگی می‌کند؟

وَ قَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيراً (۷-)

المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ مَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْمُوراً (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• ادعا کنند که این گفتار و دعوی الهی را از پیشینان خود نشیده اند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِبَيِّنَاتٍ بَيَّنَّتِ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج

نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از

پدران پیشینمان (امم سابقه) نشیده ایم.

• ایمان نیاورده و تسلیم امر حق نمی شوند و بچنان در ضلالت، سیر می کنند:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِ الْعَمَىٰ عَن ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِبَيِّنَاتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان

می آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• گویند شما خلق را به باطل و اوله می خوانید:

وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَكِنْ جِئْتَهُمْ بِبَيِّنَاتٍ لِّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

مُضِلُّونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• به سخنان باطل، مردم را همراه ساخته و کلام خدا را به استهزاء کشید:

وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدْيِثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَفَذَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• آن چنان استکبار ورزند، کوئی یسحیک از آیات الهی را نمی‌شنود:

وَ إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• گویند تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌اند، پیروی می‌کنند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیایید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• **گویند: رسول این کلام را به خدا نسبت دهد، درحالیکه از حق نیست:**

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ الْمَقْصُودُ مِنَ الْبَيْتِ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاتُهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳- لقمان)

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فرابافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• **رسول را ستم‌کننده می‌خواهد مردم را از آنچه پدرانشان می‌پرستیدند، برگرداند:**

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانَتْ آبَاؤُكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِمْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبا)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• **کفار پیشین هم، چون این زمان رفتار می‌کردند:**

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِغْشَاءَ مَا ءَاتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا (رُسل) فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵- سبا)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

• به کلام حق از قبل هم، کافر بوده اند:

وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقَذِفُونَ بِالْعِزِّبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳- سبا)

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

• تکذیب کنندگان، همیشه این گونه رفتار کرده اند:

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ أُسْلُ مِّن قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴- فاطر)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیمبران پیش از تو را نیز (امتهایشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

• پیشینان نیز، چون امروز، با وجودینات، حق را تکذیب کردند:

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ بِلَيْبَتٍ وَ بِالزُّبْرِ وَ بِالْكَتَبِ الْمُنِيرِ (۲۵- فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجتهای روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

• خود را منتظران هدایت الهی خوانند؛ اما چون زمان آن فرارسد، بر نفرت و مخالفت پفرایند:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِغْيَىٰ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• در مقابل حق استکبار و زردوبه مکراندیشند:

اسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَمِيقُوا الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِالْأَهْلِ فَعَلَّ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• گویند: خدای رحمن چیزی فرو نفرستاده و شما دروغ‌گوئید؛ لذا از ما به شامعذاب الیم رسد:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغ‌گویی هستید هیچ در کار نیست.

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرَبْمُتَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مَتَا عَذَابُ أَلِيمٍ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• همه گاه یا مبران الهی را مورد استهزاء قرار داده اند:

يَمَسِّرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (فاطر) - (۳۰)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• در مقابل کلمه توحید، استکبار ورزند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (الصفات) - (۳۵)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• گویند: بخاطر شاعری دیوانه، دست از خدایان خود بر نمی‌داریم:

وَيَقُولُونَ أَأَنْتَ لَتَأْتِكُوا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مِّثْنُونَ (الصفات) - (۳۶)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• مشرکان در طول تاریخ، همه پیام آوران الهی را انکار کرده اند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ قَوْمُ عَادٍ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (ص) - (۱۲)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران

خدا) کردند.

• وعده‌های الهی را مسخره و استهزاء کنند:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَمَسِّرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّافِرِينَ (۵۶- الزمر)

تا مبادا کسی فریاد و احسرتا بر آرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره و استهزا نمودم.

• اینان پیامبران قبل را نیز تکذیب کردند و هر امتی، همت گماشت که پیامبر خود را دستگیر گرداند و به باطل بدل کند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا بِهِ الْمَقْتَلَةَ فَأَمْذَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• کویند پسران مؤمنان را بکشید و زنانشان را زنده گذارید:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقْتَلِ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسراتشان) به کار نیاید.

• به جدل بر خیزند، زیرا در قلوبشان کبر و نخوت است:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَغْيًا سُلْطَنًا آتَتْهُمُ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَلِيغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• هر زمان پیامبران با اینات به سوی آنها آمدند دانش و عقاید باطلشان، حجاب شد:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ مَا قَبِ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولان نشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت

• کویند به قرآن گوش فراندید و سخنان لغو در آن القاء کنید:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلَبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• به دنبال عذر و بهانه اند:

وَ لَوْ بَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَ عَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۱۴- فصلت)



و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• حق را به استهزاء گیرند:

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷- الزمر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

• در پاسخ به دعوت حق کوبند که ما البته، از پدران خود پیروی کنیم:

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزمر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• کوبند به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند، کافریم:

قُلْ أَوْ لَوْ كُنْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزمر)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدران شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• کونند: چرا قرآن بر بزرگان قوم نازل شده است؟

وَ قَالُوا لَهُ لَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ (جُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ) (الزفر) ۳۱-

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

• چون پیامبر آیات حق را بر آنها ارائه کند، وی را مصحک کنند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِكِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزفر) ۴۶-

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها گفت: من رسول رب العالمینم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْمَكُونَ (الزفر) ۴۷-

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• همه آیات روشن الهی را انکار کنند:

وَ مَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَ أَفْذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الزفر) ۴۸-

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• چرا رسول الهی مقام و جایگاه بزرگان را ندارد؟

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ بَاءَ مَعَهُ الْمَلَكَةُ مُقْتَرِنِينَ (الزفر) (۵۳-)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

فَاسْتَفَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ (الزفر) (۵۴-)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• رسول حق را دیوانه‌ای خوانند که به او آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْنُونَ (الدفان) (۱۴-)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• با وجود آیات روشن الهی، آن را نمی‌پذیرند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (الباقیه) (۶-)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• بر استکبار خود، آن چنان مصرند که کوئی ابد آیات را نمی‌شنود:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (الباقیه) (۸-)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• آنچه از آیات می‌دانند به مسخره کسیند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّفَعَهَا هُزُؤًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرند، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• این کتاب را سحر مبین شمرند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• گویند رسول، آیات را به اقربا خدا نسبت دهد:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتٌ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا

بَيِّنِي وَ بَيِّنَكُمْ وَ هُوَ الْعَفْوُ الرَّمِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• کونند اگر این دین بر حق است، چرا مردم عادی در ایمان به آن، برما سبقت گرفته اند؟

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• آیات را گوش می دهند تا چون خارج شوند کونند: باز رسول از سر نو، چه گفت:

وَ مِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَتَى إِذَا فَرَغُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنفَاءً أُولَئِكَ الَّذِينَ

طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶- ممد)

و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملا گوش می دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟ اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

• آمدن رسولی از بین خودشان را عجیب و شگفت می دانند:

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲- ق)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار (نادان)

گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است

• در حالی مضطرب و سرگردان، بسر برند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• گذشتگان نیز تکذیب رسولان کردند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِفْوَاطُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ تَبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَمَقِّ وَعِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• در اختلاف قول، بازماند و هر که را شایسته فهم کلام الهی نیست، روگردان کنند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (الذاريات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• به غرور ملک و قدرت، سرکشی کنند:

فَقَوْلِي بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونُ (الذاريات)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• هیچ رسولی نیامد جز آنکه او را ساحر و مجنون خواندند:

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاهِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (الذاريات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر

یا دیوانه است.

• زیرکی و خیالات باطلشان، بر این و امیدارد:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أُمَّلَهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این و امیدارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

• گویند این سخنان خود اوست، نه خداوند:

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (الطور) - ۳۳

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرا گرفته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

• آیا سزد که از بشری از جنس خودمان، پیروی کنیم؟

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِّثَّا وَ مِدًّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْدٍ (القمر) - ۲۴

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

• آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟

أَلَيْسَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (القمر) - ۲۵

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• همه آیات حق را تکذیب کنند:

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمَذْنَهُمْ أَمْدًا عَزِيزًا مُّقْتَدِرًا (القمر) - ۴۲

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم.

• بسیاری از آنان به جانب فح و بدکاری شتافتند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ يَسَعًا وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶) -

(المديد)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان ایشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ بَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَہٗ ابْتَدَعُوہَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا اتِّخَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَايَتِہَا فَتَأْتِينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْہُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْہُمْ فَسِقُونَ (۲۷-المید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• اراده کنند تا نور خدا را به گفتار باطل، خاموش کنند:

رُيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• گویند: آیا بشری چون ما، می‌تواند ما را هدایت نماید؟

ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَاتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْا اَبَشْرٌ يَّهْدُوْنَنَا فَاكْفَرُوْا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَعْزَى اللّٰهُ وَ اللّٰهُ عَنِّي

مَمِيْدٌ (۶- التّٰغٰبِن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

• آزار افسانه‌گذشتگان خوانند:

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳- المطففين)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• کلام الهی ادیان گذشته را به هوای نفس خود بیان کنند:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَفِيرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• روترش کنند و با کبر و نخوت استکبار و رزند و کلام الهی را، سحر و گفتار بشری خوانند:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲- المدثر)

و (به اظهار تنفر از اسلام) روترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سَمْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

إِنَّ هَذَا إِلا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵- المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأُصَلِّيهُ سَقَرًا (۲۶- المدثر)

من این (منکر و مکذب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم.

• در کلام الهی شبه ایجاد کنند:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَ مَا يَخْتَلِمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه
اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته
کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و
ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد
فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت
بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر
دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• چون به حقیقت به روز حساب امید دارند، آیات الهی را تکذیب کنند:

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷- النبأ)

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸- النبأ)

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

• تکذیب، نافرمانی و مقابله با کلام الهی:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (النّازعات) ۲۱-

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى (النّازعات) ۲۲-

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• مؤمنان را مصحح کنند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (المطففين) ۲۹-

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

• چون بر مؤمنان بگذرند، به چشم طعن و استهزاء بنگرند:

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (المطففين) ۳۰-

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

• به سخن مزاح و فحشهای، در مورد مؤمنان تفریح کنند و آنان را همراه شمرند:

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (المطففين) ۳۱-

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا (رَأَوْهُمْ) قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَفُضَالُونَ (۳۲- مطففین)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• هر چه توانند، کید و مکر کنند:

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصَلٌ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.

(۹) تأثیر کلام الهی بر مؤمنان

• از نزول آن شاد می‌شوند:

وَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَمُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَمْزَابِ مَنْ يُنكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
وَلَا أُشْرِكُ بِهِ إِلِيهِ أَدْعُوا وَ إِلِيهِ مَتَاب (الرعد - ۳۶)

و آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب و مسلمانان) به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند، و جماعتی از آنها (مانند کفار اهل کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می‌کنند. بگو: من مأمورم که خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.

• متذکر می‌شوند:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (الاسراء - ۱۴۱)

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت حاصلی نمی‌افزاید

• تسلیم فرمان خداوند می‌شوند:

وَ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَّا بِهِ إِنَّهُ الْمَقْمُورُ (بَنَّا إِنَّا تَنَا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ) (النمل - ۵۳)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم.

• به کلیه کتب الهی ایمان می آورند:

أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (النساء - ۱۳۶)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل). و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است.

• بر طبق دستورات الهی در هر زمان قیام می کنند:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ طَغَيْنَا وَ كَفَرُوا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (المائدة - ۶۸)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• افزایش ایمان و شادمانی و سرور:

وَ إِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (التوبة - ۱۲۴)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• ایمان:

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رُبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰- التوبه)

و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهاران را بهتر می‌داند.

• هدایت:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْمَقْتُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِمُكِيلٍ (۱۰۸- التوبه)

بگو: ای مردم به حقیقت (کتاب و رسول) حق از جانب خدایتان برای شما آمد، پس هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس به راه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من نگهدارنده شما (از مؤاخذه خدا) نیستم.

• تفکر و اندیشه:

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸- المومنون)

آیا در این سخن (خدا و قرآن بزرگ) فکر و اندیشه نمی‌کنند (تا حقایق آن را درک کنند) یا آنکه کتاب و رسول تنها بر اینان آمده و بر پدران پیشین آنها نیامده؟

• تذکر:

وَ لَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱- النمل)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• متدینین حقیقی به ادیان گذشته به فرستادگان الهی در زمان خود نیرایمان می آورند:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• تسلیم همیشگی در مقابل حق:

وَ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْمَقُّومُ مِنَّا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳- النمل)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم

• صبر و استقامت:

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونَ بِالْمَسْئَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می کنند.

• اعراض از سخنان لغو:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلِمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

• کلام الهی به کافران نصرت و یاری نرساند:

وَ مَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَمَمَهُ مَنْ رُبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ (۸۶- النمل)

و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن.

• مردم را بدون توجه به موانع به سوی پروردگار بخوانند:

وَ لَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مپاش.

• ایشان را به تبلیغ آشکار فراخواند:

وَ إِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- النمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست.

• اطمینان از نصرت و یاری الهی در هر زمان:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَمَا هُمْ بِبَالِيَّةٍ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ مَقَامًا عَلَيْنَا نَصْرُ

الْمُؤْمِنِينَ (۴۷- النمل)

و ما پیش از تو پیمبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

• ایمان به آیات الهی و سپس تسلیم در مقابل امر او:

وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• زنده و شنو شدن:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنْ اللَّهُ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ (۲۲- سبأ)

و ابدان زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصبان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• تذکر به آیات الهی شدن و تسبیح و تشریح و تائید حق:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَرُوا سَبْدًا وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵- لقمان)

تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون متذکر آیات ما شوند به سجده رخ بر خاک نهند و تسبیح و تنزیه و ستایش پروردگار کنند و ابدًا به کبر و نخوت سر از فرمان حق نکشند.

• جایگاه متعالی و ارزشمند یافتن:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (۱۹- فاطر)

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند.

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰- فاطر)

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَلَا الظُّلُّ وَلَا المُرُورُ (۲۱- فاطر)

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

• زنده شدن:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّتًا وَ يَمِيقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكٰفِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• آرامش و سکون یافتن و متذکر شدن:

اللَّهُ نَزَلَ آمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَكَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر - ۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• مکر و تدبیر کافران در مؤمنان موثر نیست:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلَالٍ (غافر - ۲۵)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• قبول حکم الهی:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ

يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْمَقِّ وَ فَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر - ۷۸)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکرديم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• مشاهده آیات الهی:

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• اعتقاد به نشاء الهی همه کتب مقدسه:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْفَرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• کلام الهی برای اهل ایمان هدایت و شفاست:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَأَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَأَذَانِهِمْ وَقُرْ وَ هُوَ عَلَىٰهِمْ عَمِيٌّ أُولَٰئِكَ يُتَذَكَّرُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام

حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• مؤمنین حقیقی چون نشاء ادیان را یکی می‌دانند از ایجاد تفرقه و اختلاف در دین پرهیز می‌کنند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنَّيْبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• مؤمنین حقیقی در ظهور جدید نیز در شک و ریب نمی‌مانند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَهُ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَقُضِيَ
بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• آیات الهی را بهترین حجت حق می‌دانند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (٦- الباقية)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان

می‌آورند؟

• نعمت حق بر او کامل شود و به راه مستقیم هدایت شود:

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُنَمِّتَهُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (٢- الفتح)

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود) و نعمت خود را بر تو به حد کمال رساند و تو را به راه مستقیم (شرع اسلام به وحی خود) هدایت کند.

• با عزت و کرامت از طرف حق نصرت شود:

وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (٣- الفتح)

و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری کند

• معتقد حق بر آنان منت گذاشته که ایشان را بسوی ایمان هدایت کرده است:

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ

صِدِّقِينَ (١٧- الفتح)

آنها بر تو به مسلمان شدن منت می‌گذارند، بگو: شما به اسلام خود بر من منت منهدید بلکه اگر راست می‌گویید (و ایمان حقیقی دارید) خدا بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت فرموده است.

• موجب بصیرت آنان است:

تَبْصِرَةً وَ ذِكْرًا لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• در کلام الهی بر آنان آسان می‌شود:

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• در دوشان رافت و مهربانی نهاده شود و رضا و خشود می‌خدا را طلبند:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ بَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَايَتِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رافت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشود می‌خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• در سیر نور الهی که به آنها عطا شود طی طریق کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ الْغَنَمَةِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَخَفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• رحمت و فضل الهی نصیب آنان شود:

لَّا يَخْلُمُ أَهْلَ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹- المديد)

تا آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضلی و رحمتی به دست خداست، که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بزرگ و بی‌انتهاست.

• آثار قدرت حق را آنچنان که گمان نمی‌کردند مشاهده کنند:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ مُصُونُهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مَّيْتٍ لَّمْ يَتَخَبَّوْا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• بر غلبه حق مطمئن شوند:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْمَقْصِدِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹- الصف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• حواریون الهی شوند و خداوند آنان را مؤید و منصور کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِيثِهِ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِيثُ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَتَأَمَّنَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴- الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• از کلام الهی پند گیرند:

وَ إِنَّهُ لَتَذَكِّرُهُ لِّلْمُتَّقِينَ (المآه - ۴۸)

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پر هیزکاران عالم است.

• اطمینان می یابند که حرکت در مسیر خواست الهی خیر آمان است:

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَفِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَفَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴- نوح)

(و از راه خیر خواهی به شما می گویم) که خدای را به یکتایی بپرسید و از او بترسید و پر هیزکار باشید و مرا پیروی کنید.

• ایمان به کلام الهی در هر زمان بر یقین آمان بیفزاید و شک و ریب را از دل مؤمنان به کلام الهی در ادیان سلف بزوداید:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• از خسارت و زیان برهند:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام)

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۱۰) تأثیر پیامبران الهی و کلام حق بر کافران

• چرا از طرف خدایش، آیتی بر او نازل نشد؟

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنَ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷- الرعد)

و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او آیت و معجزه‌ای فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است.

• آیات و حجت حق را کافی نمی‌دانند:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنَ رَبِّهِ قُلْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أَرَادَ (۲۷- الرعد)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• بعضی از آیات حق را، انکار کنند:

وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَمُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مِنَ الْأَمْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا

أُشْرِكُ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَ إِلَيْهِ مَكَّابِ (۳۶- الرعد)

و آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب و مسلمانان) به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند، و جماعتی از آنها (مانند کفار اهل کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می‌کنند. بگو: من مأمورم که خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.

• جز نفرت، حاصلی نمی آورد:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱- الاسراء)

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت حاصلی نمی افزاید

• اکثرشان، جز از کفر از هر چیز امتناع نکنند:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹- الاسراء)

و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند.

• مخالفت و انکار شدید:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَ فَانْبئْتُمْ بَشَرًا مِّنْ ذَلِكُمْ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بئسَ الْمَصِيرُ (۷۲- المچ)

و هرگاه بر این کافران معاند آیات روشن ما تلاوت شود در چهره آن کافران به حدی اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی که نزدیک است (از فرط غضب) بر مؤمنانی که آیات ما را بر آنان قرائت می کنند حملهور شوند، (به آنها) بگو: آیا شما را به عذابی بدتر از این خبر دهم؟ آن آتش دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و آنجا بسیار بد بازگشتگاهی خواهد بود.

• در مقابل آن استکبار ورزند:

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷- المؤمنون)

در حالتی که به هنیان و افسانه‌های شبانه خود (از شنیدن کلام خدا) تکبر و دوری می‌کردید.

• اعراض از حق، به علت عدم تبعیت از هوای نفس آنان:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ ۗ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند

• کونند سحر مبین است:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳- النمل)

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

• به آن کافر شده و استزاء کنند:

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي مَدْيَتِ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَ الْكُفْرِينَ ۚ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً (۱۴۰- النساء)

و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزا کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست مکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.

• رسول حق را، سفیه و بی‌خرد و دروغگو خوانند:

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّ لَنَا فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّ لَنَا لَنُنْتُكَ مِنَ الْكَذِبِينَ (۶۶- الاعراف)

مهتران قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌یابیم و گمان می‌کنیم که تو سخت از دروغگویان باشی.

• به دیگران گویند: این معجزه بر ایمان کدامیک از شما، افزود؟

وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيْتُكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴- التوبه)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• مفسدین ایمان نمی‌آورند:

وَ مِنْهُمْ مَن يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَن لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ (بُكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ) (۴۰- التوبه)

و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهکاران را بهتر می‌داند.

• به سوی کمرای خود می‌ستانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْمَقُومُ مِنَ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا

أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۸- التوبه)

بگو: ای مردم به حقیقت (کتاب و رسول) حق از جانب خدایان برای شما آمد، پس هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس به راه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من نگهبان شما (از مؤاخذه خدا) نیستم.

• اکثر آنها از حق اکراه دارند:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ مِثْنٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْمَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْمَقِّ كَرِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند.

• آزردوغ پیامبر الهی می‌دانند، در حالی که ظلمی بزرگ و نسبتی ناحق است:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاتُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آفَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۱۴- المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی ناحق (در حق پیغمبر خدا) است.

• آزرا افسانه‌هایی می‌دانند که صبح و شام، بر او خوانده می‌شود:

وَ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَمِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• سخنان در سیر کمرای پای می‌نهند که دیگر هرگز، سبیل الهی را نخواهند یافت:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند بیابند.

• چون فکر و تعقل نمی‌کنند حرفی نمی‌شوند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَحْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۱۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه (نادان‌تر و) گمراه‌ترند.

• با انکار آن، به خود ظلم می‌کنند:

وَ بَمَدُّوا بِهَا وَ اسْتَقْبَلَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• مدعی شوند چون آنرا از پدران خود نشنیده‌اند این گفتار و دعوی، سحر و اقرار است:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُؤْتَدَىٰ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ (۳۶- النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

• معجزاتی چون گذشته می طلبند، کرجه بر آنها هم کافر می شوند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّا يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا
سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّوَءِيبُونَ (النمل - ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم؟

• چون از هوای نفس خود پیروی کنند، دعوت حق را اجابت نمی کنند:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِخَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (النمل - ۵۰)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• همچنان نایبنا، در ضلالت می مانند:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِ الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (النمل - ۵۳)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• آنراوسیده خواندن خلق، به باطل و اوهام می دانند:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَ لَئِنْ مِثَّتْهُمْ بِنَائِي لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می خوانید.

• مترفان، خود را به رسالت آنان کافر می دانند:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبا)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• آنان را به اخلال در دین پدرانشان، متهم می کنند:

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۗ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ ۚ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبا)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• سخنان که سنت الهی است، کلام حق را تکذیب کنند:

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِخْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا (سُورَةُ سَبَأٍ - ۴۵)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند).

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ (سُورَةُ قَيْلٍ) وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (فَاطِر)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیامبران پیش از تو را نیز (امتهایشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

• سخنان در کورستان تاریکی و ظلمت فرو رفته اند که، هرگز شوا نشوند:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ (فَاطِر) - ۱۹

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان نیستند

وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ (فَاطِر) - ۲۰

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْمُرُوءُ (فَاطِر) - ۲۱

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَلَا الْأُمِّيَّةُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲- فاطر)

و ابداء زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• آیات و معجزات و کتب و دلایل روشن، که برای هدایتشان آمده، همه را تکذیب کنند:

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ أَسْلُفُهُم بِالنَّبِيِّاتِ وَالزُّبُرِ ۖ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵- فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجتهای روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند

• بر مخالفت و نفرتشان بیفزاید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَننَّ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِن إِمْدَى الْأُمَمِ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا رَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر یک از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• استکبار و رزند و کردن کسی کنند و مکر اندیشند:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ ۚ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السِّيِّ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۚ وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• انکار آیات کنند و پیامبران را دروغگو شمردند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• فرستادگان الهی را به فال بد گیرند و آنان را تهدید به رنج و شکنجه کنند:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنْزُبْ مَتَّكُمْ وَ لِيَمَسَّنَّكُمْ مَتَّا عَذَابُ أَلِيمٍ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• پیامبران الهی را به استهزا و تمسخر گیرند:

يَمَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجاج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• ذکر الهی و قرآن بسین را شعر خوانند:

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۶۹- فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

• پند نگیرید چون زنده دل نیستند:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّتًا وَ يَمِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آیتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) و عده عذاب حتم و لازم گردد

• استکبارورزند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵- الصافات)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• معتقدند که به خاطر وی نمی‌شود دست از خدایان خود برداشت:

وَ يَقُولُونَ أَ نُنَّا لَتَأْتِكُوا ءِالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• مظاهر امر الهی را تکذیب کنند؛ همچنانکه قوم نوح و عاد و فرعون انجام دادند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲- ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

• در کراهی خوانند ماند، به شانی که دیگر، هیچ هدایت کننده ای نخوانند داشت:

اللَّهُ نَزَّلَ الْأَمْسَنَ الْمَدِينَةَ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (الزمر- ۲۳)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• به باطل بدل کنند، تا حق را پامال سازند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدُّوا بِالْبَاطِلِ لِئُدْمِضُوا بِهِ الْمَقْتَلَةَ فَأَمْذَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و بدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پامال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• آیات روشن حق را، انکار کنند:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ (سُلْهُمِ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَمَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (۲۲- غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سَلَطْنَا مِثْلِينَ (۲۳- غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

• اکثر مردم در محط قیامت، ایمان نمی‌آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البتّه ساعت قیامت بی‌هیچ شك می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند

• به آنچه از علوم نزد آنان است، دل خوش دارند و ادله روشن را نمی‌پندارند:

وَ يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَأَيَّ ءَايَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ (سُلْهُمِ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ) (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت

• به نیت غلبه بر آن، به سخن الهی گوش فرادهند و سخنان لغو و باطل در آن القا کنند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلُبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرادهدید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• برای عدم ایمانشان، عذرمی‌آورند:

وَ لَهُ بَعَلَّتْهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَهُ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ اعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان) به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• مؤمنان به ادیان گذشته، سخت در شک و ریب بمانند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَهُ لَا كَلِمَةَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ بَيْنَهُمْ
وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• حق را به سخره گیرند:

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۷- الزفر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

• به پیروی از آئین اجدادی خود، ادامه دهند:

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزفر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• آنرا سحرشمارند و مشاء الهی آنرا، انکار کنند:

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ مَّتَىٰ جَاءَهُمُ الْمَقْدُورُ (۲۹- الزفر)

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره‌مند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد.

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ قَالُوا هَذَا سِمْرُ وَ إِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (الزفر) (۳۰-)

و چون حق به سوی آنها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.

• معتقد کلام الهی، باید بزرگان قوم نازل شود:

وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرَبَاتِ عَظِيمٍ (الزفر) (۳۱-)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر) (۴۰-)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• آیات را به سخره و استهزا گیرند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْمَكُونَ (الزفر) (۴۷-)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• پیامبر الهی را به علت نداشتن حشمت و عظمت ظاهری، نمی‌پذیرند:

فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَدِّرِينَ (الزفر) (۵۳-)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ (۵۴- الزمر)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• از حق اعراض کنند و رسول را معلم مجنون خوانند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (۱۴- الدخان)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• عظیم‌ترین برهان حق که آیات روشن الهی است، انکارکنند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَءَايَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان

می‌آورند؟

• بر استکبار خود آن چنان پای می‌فشرد، کوئی کلام حق را نشنیده‌اند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَعْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• آنچه از آیات دانند، به سخره گیرند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• آزار سحر مبین شمرند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالِ الْذِينَ كَفَرُوا لَلْمَقْ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• آیات الهیه را اقربا به حق می‌شمارند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتٌ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيِّنًا وَ بَيِّنَاتٍ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• پیشتازی مردم عادی در ایمان به وی را، دلیل بطلان حقانیت پیامبری دانند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱)-

(الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• به گفتار حق گوش می کنند تا آنرا با اهل علم، اسباب تمسخر و اهانت کنند:

وَ مِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَتَى إِذَا فَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنفَا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ

اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶- م محمد)

و بعضی از مردم منافق به گفتار حق کاملاً گوش می دهند تا وقتی که از حضور خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟! اینان هستند که خدا بر دلهایشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

• دعوی رسالت از طرف شخصی ظاهر عادی را، بسیار عجیب شمرند:

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲- ق)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار (نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است.

• حق را در حالی مضطرب و سرگردان، تکذیب کنند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• درهمه ادوار، مظاهر الهیه تکذیب شوند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که بیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمُومَن لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ تَبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرَّسُلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• کلام الهی را درک نکرده دیگران را هم، رومی کردن کنند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّفَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• به غرور جاه و مقام دنیوی، سرکشی کرده یا مبر الهی را ساحر و دیوانه خوانند:

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَسْلَمْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (۳۸- الذاریات)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعون پایش فرستادیم.

فَتَوَلَّى بَرَكْنَهُ وَ قَالَ سَمِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• ساحر و دیوانه خواندن پیامبران الهی، سنت همیشگی است:

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاهِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

• خیالات باطلشان آنها را و امیدارد تا تکذیب حق کنند:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲- الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (الطور-۳۳)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

• با وجودی که فهم آیات الهی بر آنها آسان است، از آن‌ها پند نمی‌گیرند:

وَلَقَدْ يَسْرَنَّا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (القمر-۲۲)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• پیروی از شخصی چون خود را، گمراهی و جنون می‌دانند:

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِثَّا وَ مِدًّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْرٍ (القمر-۲۴)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

• مقام و جایگاه فرستاده حق را انکار کرده او را دروغگو خوانند:

أءَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْتَرٌ (القمر-۲۵)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

وَلَقَدْ جَاءَ آءَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (القمر-۴۱)

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (القمدر) - ۴۲

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مؤاخذه کردیم.

• بسیاری به راه فسق و تباهی‌کاری شتافتند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (المديد) - ۲۶

المديد

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفًا وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (المديد) - ۲۷

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند. (در کتاب انجیل) نوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تباهی‌کاری شتافتند.

• چون پیامبری که به ظهور او وعده داده شده ظاهر شود، آنرا سحر آشکار شمرد:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَكُنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمْءُ مَبِينٌ (۶- المصفا)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• کفر را بر کزینند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْمُؤْمِنِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَنَامَنَت طَّائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَهْرِينَ (۱۴- المصفا)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• مؤمنین به ادیان گذشته، خلاف عمد عمل نموده، آیات الهی را تکذیب کنند:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمُّوا التَّوْرَاتِ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْيَمَارِ يَمْلُؤُا سَفَارًا يَنْسُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- المصفا)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد)، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• آیات الهی را اساطیر اولین شمرند:

إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• تکذیب کلام حق:

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (۴۹- الماقه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

• روی ترش کنند و استکبار ورزند و آنرا کفتار بشری خوانند:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲- المدثر)

و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سَمْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵- المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأُصَلِّهِ سَقَرًا (۲۶- المدثر)

من این (منکر و مکذب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم.

• چون در قلوبشان مرض است، ایجاد شبهه کنند:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٰى لِّلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به

ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات نکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• چون به حقیقت ایمان به روز حساب ندارند، آیات را سخت تکذیب کنند:

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (النبا) - ۲۷

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (النبا) - ۲۸

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

• از حق روی گردان شده بر علیه او به جهد و کوشش برخیزند:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (النازعات) - ۲۱

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (النازعات) - ۲۲

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• بر اهل ایمان می‌خندند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْمَكُونَ (المطففين) - ۲۹

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

• مؤمنین را به چشم طعن و استهزا سوزاند:

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

• در حلقه بهرامان خود، با مصحکه مؤمنان به تفریح پروازند:

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

• مؤمنان را گمراه خوانند:

وَ إِذَا (أَوْهُمْ) قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

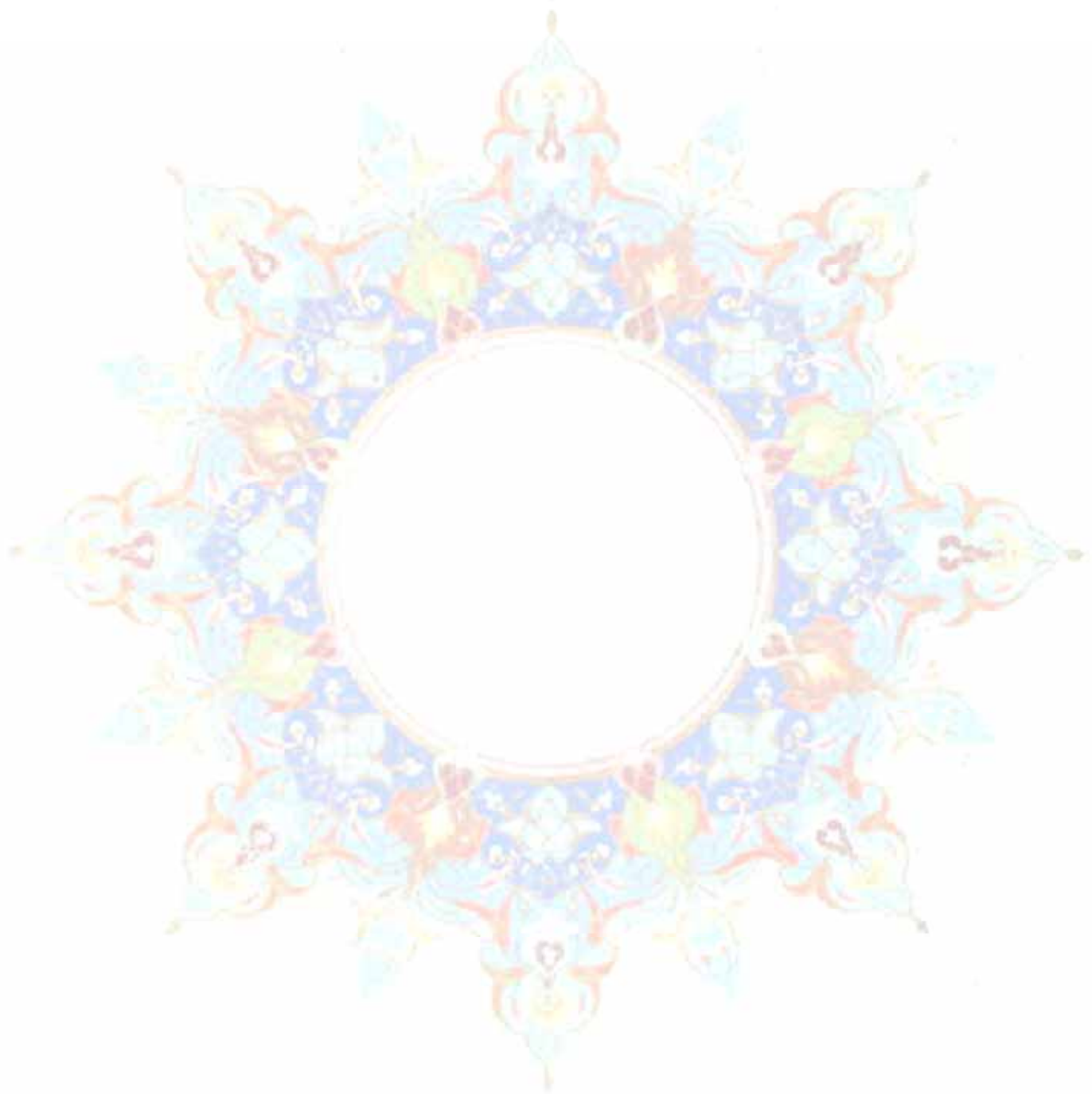
و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• برخلاف عهد و میثاق خود، پیامبران الهی زمان خویش را انکار کنند:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ

الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.



(۱۱) نتیجه اعراض از پیامبران و کلام الهی

• قمر و انتقام الهی از بدکاران عالم تبدیل خواهد شد:

مَتَىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرَّسُولُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا بِآيَاتِهِمْ نَصَرْنَا فَنَجَّيْنَا مَن نَّشَاءُ ۚ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ

الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰- یوسف)

(مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد.

• نومییدی از لطف الهی:

قَالَ وَ مَن يَقْنَطُ مِن (مَمَّةٍ رَبِّهِ) إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• خلاف و نزاع با حکم الهی:

اللَّهُ يَمْكُرُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَمْتَلِفُونَ (۶۹- الم)

خدا در روز قیامت میان شما در آنچه (با من) خلاف و نزاع می‌کردید حکم خواهد فرمود.

• کسی نمی تواند حافظ او شود:

أَ رَأَيْتَ مَنْ اتَّمَدَ إِلَهَهُ هَوَاتُ أ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۱۴۳- المؤمنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی

شد؟

• بنگرید تا عاقبت کارشان را ببینید:

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر

تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• هرگز در مسیر هدایت الهی قرار نخواستند گرفت:

فَإِنَّ لَهُمْ يَسْتَجِيبُهَا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّ اتَّبَعَ هَوَاتُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و)

گمراستر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام

حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• به خشم و قهر خدا گرفتار شوند:

وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامِهِ وَ مِدِّ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُفْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصِلِهَا قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ فَبَدَّلْنَا صَبْرًا فَان لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءَ وَ بَغَضِبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْمَقْتَلِ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (٦١- البقره)

و (به یاد آرید) وقتی که به موسی اعتراض کردید که ما بر يك نوع طعام صبر نخواهیم کرد، از خدای خود بخواه تا برای ما از زمین نباتاتی برآورد مانند سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا می‌خواهید غذای بهتری را که دارید به پست‌تر از آن تبدیل کنید؟ (حال که تقاضای شما این است) به شهر مصر فرود آید که در آنجا آنچه درخواست کردید مهیاست. و بر آن‌ها ذلت و خواری مقدر گردید، و چون دست از ستمکاری و عصیان برنداشته و به آیات خدا کافر می‌گشتند و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار شدند.

• عقاب خدا بر آنان بسیار سخت است:

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيْنَهُ وَ مَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢١١- البقره)

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم! و هر کس پس از آنکه نعمت و هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبدل کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

• آنان را به عذاب دردناک بشارت ده:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ مَقْتَلٍ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٢١- آل عمران)

همانا آنان که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی‌جرم و به ناحق بکشند و آن مردمی را که (خلق را) به درستی و عدل خوانند به قتل رسانند، آنها را به عذاب دردناک بشارت ده.

• به گمراهی سخت و دور در افتاده اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (النسا- ۱۳۶)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل) . و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است.

• از محبت حق محروم می‌شوند:

• تا روز قیامت، آتش کینه و دشمنی بین آنها افروخته کرد:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لِيُذِيقَنَّهُمْ كَثِيرًا مِّنْهُنَّ مِمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَّبِّكَ طَغْيًا وَ كُفْرًا وَ الْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدْوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَافًا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْمُفْسِدِينَ (المائدة- ۶۴)

و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• بر حال آنان تأسف نخورید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَغْيَنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• ظالمین را فلاحی نیست:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱- الانعام)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد بود.

• در وقت مرگ از حق درخواست رجوع به دنیا نکنند:

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹- المؤمنون)

(کافران در جهل و غفلتند) تا آن گاه که وقت مرگ هر يك از آنها فرا رسد، در آن حال گوید: بارالها، مرا به دنیا بازگردانید.

• راه رستگاری نخواهند یافت:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• عاقبت حال آن مردم را بنگرید:

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• خداوند قوم ظالمین را هدایت نخواهد کرد:

فَإِنَّ لَكُمْ يَسْتَمِيبُهَا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• آنها در عذاب بسین خواهند بود:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ المَدِينِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعَهَا هُزُوًّا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و) آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• آنان را به عذاب الیم بشارت ده:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلِيٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِيْ اُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• بر آنان عذاب دردناک خواهد بود:

وَ الَّذِيْنَ سَعَوْا فِيْ ءَايَاتِنَا مُعْجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ (جِزِ اَلِيْمٍ) (۵- سبأ)

و آنان که (از کفر و عناد) در (محو و نابود ساختن) آیات ما سعی و کوشش کردند تا مگر (رسول ما را) ناتوان کنند (و از قهر و قدرت ما بیاسایند) بر آنها عذاب سخت دردناک خواهد بود.

• بر مخالفت و نفرتشان افزوده شود:

وَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْْمَانِهِمْ لَنْ نَّبَايَعَهُمْ نَزِيْرٌ لِّيَكُوْنُوْنَ اَهْدٰى مِنْ اِمْدٰى الْاُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَزِيْرٌ مَّا رَاَدَهُمْ اِلَّا

نُفُوْرًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• چون اعم کذشته هلاک شوند؛ زیرا طریق حق هرگز تغییر نپذیرد:

اسْتِكْبَارًا فِيْ الْاَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيْقُ الْمَكْرُ السِّيِّ اِلَّا بِاَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا سُنَّتِ الْاَوَّلِيْنَ فَلَنْ تَمِيْدَ

لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا وَ لَنْ تَمِيْدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَمْوِيْلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• وعده عذاب بر آنان، حتم و لازم است:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مِيًّا وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• برای آنان، عذاب الیم در پی است:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسْتَكْبِرُونَ (۳۵- الصافات)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸- الصافات)

شما (که او را تکذیب کردید امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید.

• به آنچه می‌کنند مجازات می‌شوند:

وَ مَا تَجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹- الصافات)

و جز به کردارتان مجازات نمی‌شوید.

• هنوز عذاب الهی را نخشیده اند:

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

• فریاد و احسرتا بر آوردند که وای بر ما که جانب امر الهی را فرو گذاشتیم:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَمْسِرْتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّافِرِينَ (۵۶- الزمر)

تا مبادا کسی فریاد و احسرتا بر آورد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره و استهزا نمودم.

• چون عذاب الهی را ببیند، گویند کاش بار دیگر بازمی‌گشتیم:

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانَا لَكُنْتُمِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷- الزمر)

یا آنکه (از فرط پشیمانی در پی آرزوی محال آید و) گوید: (افسوس) اگر خدا مرا (به لطف خاص) هدایت فرمودی من نیز از اهل تقوا بودم.

أَوْ تَقُولَ مِینَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸- الزمر)

یا آنکه چون عذاب (خدا) را به چشم مشاهده کند گوید: (ای فریاد) کاش بار دیگر (به دنیا) باز می‌گشتم تا از نیکوکاران می‌شدم.

• عقوبت سختی شوند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْفِنُوا

بِهِ الْمَقْتَلِ فَأَمَدَّتْهُمْ فَكَيفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همّت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• کیفر الهی از طرف خداوند مقدر آنها را احاطه کند:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ (رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَمَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲- غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیامبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

• کید کافران جز در ضلالت به کار نیاید:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلَالٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرا نشان) به کار نیاید.

• جز تکبر و نخوت چیزی در دل ندارند و به آرزوی دل هم نخواهند رسید:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ آتَتْهُ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبِغِضِيهِ فَاَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• مبطلان زیان کنند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَٰلِيكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ فَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• آنچه که به استهزا گرفته اند آنها را فرامی گيرد:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می کردند همه را فرا گرفت.

• عقاب الیم الهی نصیثان شود:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم

صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• کلام الهی بر آنان موجب کوری است:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۗ أَ عَجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَىٰهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب)

نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر

ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام

حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا

نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• کران و کوران که دانسته به گمراهی می‌روند نتوان هدایت نمود:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّةَ ۗ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰- الزمر)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• به عذاب گرفتار می‌شوند مگر از آن راه بازگردند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَصْمُكُونَ (الزمر: ۴۷)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

وَ مَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَفَذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ (الزمر: ۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• آنان که در استکبار خود مصرنده عذاب الیم بشارت ده:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• چنین مردمی را عذاب الیم مهیاست:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• خداوند در روز قیامت در مورد آنچه آنان دانسته‌اند خلاف و نزاع انگیزند و اوری می‌کند:

وَآتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا أَتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَفْتَلِفُونَ (۱۷- الباقية)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• آنان که کافر شوند و راه الهی را به سوی دیگران سد کنند و به حال کفر بمیرند، بخشوده نمی شوند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴- ممد)

آنان که کافر شدند و راه خدا را (به روی خلق) بستند و به حال کفر مردند دیگر ابد خدا آنها را نخواهد بخشید.

• وعده عذاب الهی بر آنان، حتم و واجب است:

وَ أَصْحَابِ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّابٍ الرَّسُلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• مورد مؤاخذه خداوند عزیز مقدر قرار گیرند:

وَ لَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱- القمر)

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمَدْنَهُمْ أَمْدَ عَزِيزٍ مُّقَدَّرٍ (۴۲- القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مؤاخذه کردیم.

• به راه فسق و تباهی‌کاری می‌شایند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶) -

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَتَأْتِينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷) - (المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تباهی‌کاری شتافتند.

• از غلبه الهی‌اگره دارند:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْمَقْ يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹) - (الصف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• خداوند مؤمنان را تائید کند تا بر دشمنان ظفر بماند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِيثٍ مِّنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِيثُ
نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَأَمَّاكَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا
ظَهْرِينَ (۱۴- الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• خداوند به آنچه کند آگاه است:

وَلَنْ يُؤَفِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ فَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱- الصف)

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیفکند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

• تکذیب کلام الهی باعث حسرت کافرین شود:

وَ إِنَّهُ لَمَسْرُورٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰- الماقه)

و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است.

• زمان آنچه به آنها وعده داده شده در علم الهی است:

قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ لِي أَمَدٌ (۲۵- الجن)

بگو: من خود ندانم که عذاب موعود شما وقتش نزدیک است یا خدا تا آن روز مدتی (بسیار) قرار داده است.

• آنگاه که وعده الهی به وقوع پیوندد، راه نجاتی نیابند:

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَمَاءٌ مُنْقَطِرُ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• وای بر حال آنان:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹- المرسلات)

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

• مصحکه مؤمنان شوند:

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ مَفْظِينَ (۳۳- المطففين)

در صورتی که آن بدان را موکل کار و نگهبان اعمال مؤمنان نفرستاده بودند (تا بدین سخنان پردازند).

فَالْيَوْمِئِذٍ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْمَكُونَ (۳۴- المطففين)

پس امروز هم اهل ایمان به کفار می‌خندند.

• آنچه توانند کید و مکر ورزند:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند

• در خسارت و زیان افتد:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالنَّمَقِ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۱۲) انذار به مؤمنین و دشمنان در کلام الهی

• نزد خدای خود استغفار کنید و به درگاه او توبه نمایید، تا به شما رحمت فراوان رسد:

وَيَقَوْمٍ اسْتَخْفِرُوا رَبَّهُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا

مَجْرِمِينَ (۵۲- هود)

و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید، و زنهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید.

• ای اهل کتاب، چرا حق را باطل می پوشانید و آنرا پوشیده می دارید؟

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می دارید در صورتی که (به حقیقت آن) آگاهید!؟

وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۴۲- البقره)

و حق را به باطل می پوشانید و حقیقت را پنهان نسازید و حال آنکه (به حقیقت آن) واقفید.

• کسانی که به آیات الهی کافر شوند و انبیار را باحق بکشند، به عذاب دردناک بشارت ده:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ مَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱- آل عمران)

همانا آنان که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی جرم و به ناحق بکشند و آن مردمی را که (خلق را) به درستی و عدل خوانند به قتل رسانند، آنها را به عذاب دردناک بشارت ده.

• خداوند شدید العقاب است:

سَلُّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُدْخِلِ اللَّهُ مِنَ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ (۲۱۱- البقره)

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سوال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم! هر کس پس از آنکه نعمت و هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبدل کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

• زشتی و بدکاری، شمار بر آن می گمارد که سخنانی از جهل و نادانی، به خدا نسبت دهید:

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَمْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱۶۹- البقره)

این دشمن است که به شما دستور زشتی و بدکاری می دهد و بر آن می گمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی به خدا نسبت دهید.

• اگر دعوی ایمان دارید، چرا پیامبران پیشین را به قتل می رسانید؟

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقْصِدُ الْمُبِينُ لَمَّا

مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راستگویید پس چرا پیغمبرهان پیشین را می‌کشید؟

• آیا چون پیامبران برخلاف نفس و هوای شما اوامری آوردند، استکبار ورزیده گروهی را تکذیب و جمعی را به قتل می‌رسانید؟

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ هَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَكَلَّمَا بِمَا كُمْ (سُورَةُ بَقَرَةَ ۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن، حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

• وای بر کسانی که از حقیقت کلام الهی، که خورده آن نسبت میدهند عافند، و آمال خود را به خدا نسبت دهند:

وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۷۸- البقره)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹- البقره)

و بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و بیهوده خویشند.

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

• آیاسمی دانند که خدا بر پنهان و آشکار آگاه است؟

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (۷۷- البقره)

آیا نمی‌دانند که خدا بر آنچه پنهان داشته و یا آشکار کنند آگاه است؟

• جز گمراهان چه کسی از رحمت الهی ناامید می‌شود؟

قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ قَوْمِي إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• کیست ستمکارتر از کسی که متذکر آیات خدایش سازد و باز از آنها اعراض کند؟

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسَى مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ

يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷- الكهف)

و کیست ستمکارتر از آن کسی که متذکر آیات خدایش ساختند و بدانها پندش دادند و باز از آنها اعراض کرد و از اعمال زشتی که کرده بود به کلی فراموش کرد و ما (پس از اتمام حجت) بر دل‌هایشان پرده‌ها (ی جهل و قساوت) انداختیم تا دیگر آیات ما را فهم نکنند، و گوش آنها را (از شنیدن سخن حق) سنگین ساختیم و اگر به هدایتشان بخوانی دیگر ابد هدایت نخواهند یافت.

• خدایا است من، قران را به کلی مبجور بگردان:

وَ قَالَ الرَّسُولُ يُرَبِّ إِنَّا قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰- المؤمنون)

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزّه) عرض کند: بارالها (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند.

• تا انذار ندادیم، کسی را هلاک نکردیم:

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبٍ إِلَّا لَهَا مِّنْذُرُونَ (الشعرا) ۲۰۸-

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم.

• اگر می‌توانید، بهتر از کلام الهی چیزی برای هدایت خلق بیاورید:

قُلْ فَاتَّبِعُوا مَن عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (النمل) ۱۴۹-

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

• کدامیک از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيُّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (غافر) ۸۱-

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• آیا همراه تراز کسی که در کفر سر می‌برد، کسی هست؟

قُلْ أَعْيُنكُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (فصلت) ۵۲-

(کافران را) بگو: چه می‌پندارید اگر (قرآن) از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شده باشید آیا گمراه‌تر از آن کس که

(مانند شما) به کفر و شقاق دور (از راه سعادت) است در جهان کسی تواند بود؟

• کسانی را که پس از شنیدن کلام الهی بر استکبار اصرار می‌ورزند، به عذاب الیم بشارت ده:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تَتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الجاثیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را

نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• اگر این قرآن را از خود بافته باشم شما از قهر خدا، بیچ قدرتی بر نجات من ندارید:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم

شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او

کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• من اولین پیامبر نیستم و نمی‌دانم که با من و شما، عاقبت چه می‌کنند:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرَّسُلِ وَ مَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوَمَىٰ إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

مُبِينٌ (۹- الامقاف)

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

• منت خدا بر شماست که شما را به سوی ایمان هدایت کرد:

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَمَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ

صِدِّقِينَ (۱۷- الفتح)

آنها بر تو به مسلمان شدن منت می‌گذارند، بگو: شما به اسلام خود بر من منت منهدید بلکه اگر راست می‌گویید (و ایمان حقیقی دارید) خدا بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت فرموده است.

• خلق را متذکر ساز که: به نعمت پروردگارت، مجنون نیستی:

فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَ لَا مَجْنُونٍ (۲۹- الطور)

پس (ای رسول ما، خلق را) متذکر ساز که به نعمت پروردگارت از جنون و کهانت هیچ در تو نیست.

• آیا کسی هست که از کلام آسان الهی پند گیرد؟

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• پروردگارا، ما را مایه قنیه کافران مگردان:

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمَكِينُ (۵- الممتنه)

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیمارز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملا آگاهی.

• چرا چیزی می‌گویید که برخلاف آن عمل می‌کنید؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ تَقْوُلُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲- الصَّف)

الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟

• امروز عذر خواهی نکنید، که به آنچه عمل کرده‌اید مجازات می‌شوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ تَجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷- التَّمْرِيم)

(به کافران گویند) ای کافران، امروز عذرخواهی نکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید به آن مجازات می‌شوید.

• چگونه به هوای نفس خود حکم می‌کنید؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لِمَا تَفِيرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• زمان عذاب الهی را، من نیز ندانم:

قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَّا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵- الجن)

بگو: من خود ندانم که عذاب موعود شما و قتش نزدیک است یا خدا تا آن روز مدتی (بسیار) قرار داده است.

• وای به حال آنان که آیات الهی را تکذیب کردند:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۴۹- المرسلات)

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

• پس از آیات الهی، به کدام حدیث ایمان می آورید؟

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰- المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می آورند؟

(۱۳) نقش خرد و عقل در مواجهه یا ایمان به آیات الهی

• مسؤلیت بشر برای دنبال نکردن آنچه به آن علم و اطمینان ندارد:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (الاسراء- ۳۶)

و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئولند.

• باید در کتب الهی تعقل کرد تا حقایق درک شوند:

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ (الانبیاء- ۱۰)

همانا ما به سوی شما امت کتابی که مایه شرافت و عزت شماست فرستادیم، آیا نباید در این کتاب بزرگ تعقل کرده و

حقایق آن را فهم کنید؟

• بدون تعقل درک حقیقت معنای کلام الهی میسر نیست:

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بُحْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (البقره- ۱۷۱)

(البقره)

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز

(معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند.

• منکران، کلام الهی را نمی شنوند و درک نمی کنند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایبند بلکه نادان تر و) گمراهن ترند.

• اهل دانش و معرفت یقین دارند که کلام الهی راهنمای مردم است:

وَ يَرْى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْمَقَّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْمَمِيدِ (۶- سبأ)

و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و نیکان اهل کتاب) یقین دارند که قرآنی که بر تو نازل شده است از جانب پروردگار تو به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی همتای ستوده صفات است.

• در هنگام ظهور پیامبران الهی، مردم به علم خود مغرور شده و از مسیر حق دور می افتند:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أُرْسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ هَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولان نشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می کردند همه را فرا گرفت.

• آن گاه که حجت روشن الهی ظاهر شود، کافران به دور از دلیل و برهان، آنرا انکار می کنند:

قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءِآبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزمرف)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدران شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• آنان که دانسته در مسیر کرامی گام می‌نهند، نمی‌توان در مسیر الهی هدایت نمود:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰- الزمر)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• بدون تفکر و تعقل، مردم اسیر و مطیع مردم فاسق و نابکار میشوند:

فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳- الزمر)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ (۵۴- الزمر)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• آیات الهی، روشن‌ترین دلیل حقانیت الهی است:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْصَدِ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• هوشیاران عالم در هر زمان، از غلبه و قدرت مؤمنین پند و عبرت می‌گیرند:

هُوَ الَّذِي أَمْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَنَّاعَتُهُمْ مَصُونَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَآتَاهُ اللَّهُ مِنْ مَّيْثٍ لَّمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

۱۴) پیروان ادیان با نظم الهی و کلام حق در طول زمان چه می کنند؟

• کلام الهی، آزمونی است برای جدا کردن پیروان حقیقی، از آنان که عقب گرد می کنند:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ أَيْمَانَكُمْ إِنْ اللَّهُ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ (مِيم) (۱۴۳) - البقره)

و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند از آنان که عقبگرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.

• بعضی از اهل کتاب گویند: برای ما به هر وسیله، خوردن مال غیرکناهی ندارد و آن را به دروغ به خدا نسبت می دهند:

وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵) - آل عمران)

بعضی از اهل کتاب (به آن حد درستکارند که) اگر مال بسیار به آنها بسپاری ردّ امانت کنند، و برخی دیگر از اهل کتاب (تا آن اندازه نادرستند که) اگر يك دينار به او امانت دهی رد نکنند جز آنکه بر مطالبه آن سخت‌گیری کنی، از این رو که

گویند: برای ما (پیروان تورات) به هر وسیله خوردن مال امیان (غیر اهل تورات) گناهی ندارد، و این سخن را به دروغ به خدا نسبت دهند در صورتی که می‌دانند (که به خدا نسبت دروغ می‌دهند).

• مردمی که به قرآن کافرند، همانانی هستند که به پیامبران قبل هم کافر شدند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أَوْتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أَوْتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّالُونَ (النمل - ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• شرع و آئین برای مردم همان است که پیامبران پیشین به آن سفارش کردند. پیروان ادیان هرگز نباید تفرقه و اختلاف در دین کنند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (الشورى - ۱۳)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• آیات روشن الهی را، دانسته برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر به کار می گیرند:

وَءَاتَيْنَهُمُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا افْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (۱۷ - الباقية)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• تمام رسولان را فرستادیم اما پیروان آنها بدعت انگیز شدند و مراعات تعالیم نکردند و بسیاری نیز به راه فسق و تبهکاری شتافتند

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ

ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسَقُوا (۲۷ - المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• مؤمنان مکلف شدند، ولی خلاف آن عمل کردند؛ بدین سان رهبری شدند:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَّنُوا اللَّوْزَاتِ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْعِمَارِ يَمْلُ أَسْفَارًا يَبْنُسُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵ - الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• به هوای نفس خود و بنام کتاب حکم می کنند:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶ - القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷ - القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَفَيَّرُونَ (۳۸ - القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟